

تکنولوژی آموزشی

دانشگاه فرهنگیان
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مركز نشریات و فناوری آموزشی

رشد

ماه نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای آموزگاران، دبیران، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان، مدیران مدارس و کارشناسان تکنولوژی آموزشی
دوره سی و سوم - مهر ۱۳۹۶ - شماره پیاپی در پی ۲۶۵ - ۴۸ صفحه - ۱۱۰۰۰ ریال

www.roshdmag.ir

ISSN:1606-9099

شناخت
در هر کاری
مقدم بر
اجراست



◆ نگرش علوم یادگیری در سنجش برنامه‌های آموزشی ◆ تبیین مدیریت یادگیری در نظام‌های نوین رایانه‌ای
◆ رشد حرفه‌ای معلم از طریق همیاری در یادگیری ◆ قصه‌گویی تکنولوژی تدریس ماندگار است

معلمان خلاق متفاوت عمل می کنند!



آموزشی تکنولوژی

دوره سی و سوم
شماره پی در پی ۲۶۵
مهر ۱۳۹۶
۱۱۰۰۰ ریال
۴۸ صفحه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
شرکت افست

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: دکتر عادل یغما
شورای برنامه ریزی و کارشناسی:
دکتر فرخ لقا رئیس دانا (مشاور سردبیر)،
دکتر لیلا سلیقه دار، دکتر محمود تلخابی،
احمد شریفان، دکتر ابوالفضل بختیاری،
فاطمه شهزادی، سیدسعید بدیعی،
محمد حسین دیزجی
مدیر داخلی: فرناز بابازاده
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: شاهرخ خره‌غانی
تصویرگر: میثم موسوی

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، شماره ۲۶۶
نشانی پستی مجله:
تهران، صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۶۵۸۸
وبگاه: www.roshdmag.ir
roshdmag:
پیام‌نگار: technology@roshdmag.ir
تلفن دفتر مجله: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹ (داخلی ۴۲۸)
۰۲۱-۸۸۸۴۹۰۹۸
دورنگار: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸
تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۱۱/۱۶۵۹۵
شمارگان: ۲۰۰۰۰ نسخه

ISSN:1606-9099

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی

یادداشت سردبیر

شناخت در هر کاری مقدم بر اجراست / عادل یغما ۲

تبیین تکنولوژی آموزشی و پداگوژی

نگرش علوم یادگیری در سنجش برنامه‌های آموزشی / علی‌رضا فروزنده‌مهر ۴

استقلال در یادگیری / ترجمه و تألیف: محمد هاشمی ۲۸

کاربرد تکنولوژی آموزشی

کاربرد فناوری در کلاس درس / سوسن بالفی‌زاده ۱۲

ابزارهای آموزش برخط: نکته‌های کاربردی / محمد مجدم ۳۲

طراحی و تولید برنامه‌ها، مواد و وسایل آموزشی

طراحی آموزشی مبتنی بر رویکردهای تلفیقی - جای پای یادگیری تلفیقی در مدرسه / لیلا سلیقه‌دار - مریم دلاور ۸

جریان همرفتی یا کنوکسیون / فاطمه شهزادی ۱۹

پژوهش و نوآوری

تجرب‌های برای پیشرفت دانش‌آموزان دیرآموز / بتول صافی نجف‌آبادی ۲۶

رشد حرفه‌ای معلم از طریق همیاری در یادگیری / ترجمه احمد شریفان ۱۶

تکنولوژی آموزشی و مدیریت یادگیری

تبیین مدیریت یادگیری در نظام‌های نوین رایانه‌ای / فرخ‌لقا رئیس‌دانا ۱۴

یادگیری بر پایه پروژه / صبا اصیلی - سروش حکیمی ۳۵

شیوه‌های مدیریت کلاس درس / کیوان قیسوندی ۴۲

خبر و اطلاع‌رسانی

معرفی کتاب / ساز و کارهای مدیریت در آموزش / فرناز بابازاده ۷

گفت‌وگو با «ماورا سیسیوپاتینا اسودو» قصه‌گوی کلمبیایی - قصه‌گویی تکنولوژی تدریس ماندگار است / محمدحسین دیزجی ۲۰

آیا می‌دانید که - برخی آموزه‌ها در حوزه‌های یاددهی - یادگیری، برنامه‌ریزی و برنامه‌دستی ۳۱

گزارشی از نمایشگاه دائمی آثار هنر جوان هنرستان قدس منطقه ۶ تهران - اثر وسعت دید در تقویت احساس / محمدحسین دیزجی ۳۸

مناسبت‌های تاریخی مهر ۱۳۹۶ ۴۸

آموزه‌های تربیتی و فرهنگی

انسان دشمن ناشناخته‌های خود / جعفر ربانی ۲۴

ما و خوانندگان

محتوای برنامه سالانه مجله رشد تکنولوژی آموزشی در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ ۴۶

پاسخ‌های تصویر و تفسیر اسفند ۱۳۹۵، دوره ۳۲ / خدیجه انصاری - مهرنوش لطفعلی ۴۵

درخور توجه نویسندگان و مترجمان گرامی

- مقاله‌هایی را که برای درج در مجله می‌فرستید، باید با موضوع تکنولوژی آموزشی مرتبط و در جای دیگر چاپ نشده باشند.
- منابع مورد استفاده در تألیف را بنویسید. ● مقاله‌های ترجمه شده باید با متن اصلی هم‌خوانی داشته باشند و چنانچه مقاله‌ها را خلاصه می‌کنید، این موضوع را قید کنید. در هر حال، متن اصلی نیز باید با متن ترجمه شده ارائه شود. ● مقاله‌ها یک خط در میان، بر یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شوند. ● نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌ها و اصطلاحات علمی و فنی دقت شود. ● محل قرار دادن جدول‌ها، نمودارها، شکل‌ها و عکس‌ها در متن، با علامتی در حاشیه مقاله مشخص شود.
- مجله در رد، قبول، ویرایش، تلخیص و اصلاح مقاله‌های رسیده مختار است و مسئولیت پاسخ‌گویی به پرسش‌های خوانندگان با پدیدآورنده است.

تولید انبوه وسایل و مواد

کمک آموزشی معرفی شده در این مجله، با اجازه کتبی صاحب اثر بلامانع است.

شناخت در هر کاری مقدم بر اجراست

استفاده از فناوری در آموزش مستلزم آگاهی از نکاتی است که بدون شناخت آن‌ها نمی‌توان از فناوری در آموزش به گونه‌ای مطلوب و اثربخش بهره‌مند شد. برخی از این نکات عبارت‌اند از:

♦ فناوری مفهومی است مرکب از چهار جزء مستقل: ۱. ابزارها و وسایل؛ ۲. توانایی‌های انسانی؛ ۳. اطلاعات فنی؛ ۴. مهارت‌های کنترل و مدیریت.

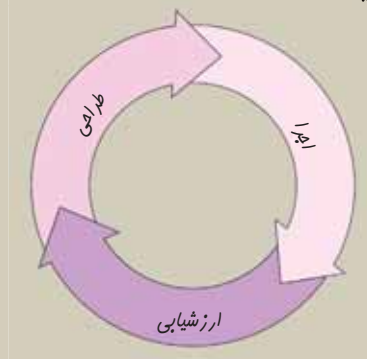
این چهار جزء در عین مستقل بودن، همه به هم مرتبط و یکپارچه‌اند که برای رسیدن به اهداف مشخص و از پیش تعیین شده‌ای ساخته و پرداخته می‌شوند و فناوری خاصی را به وجود می‌آورند. بنابراین، کاربران (معلمان و دانش‌آموزان) پیش از استفاده از هر نوع فناوری، نخست باید آن را به خوبی بشناسند و از اهداف، ویژگی‌ها و مهارت‌های لازم برای کاربرد آن در آموزش آگاهی لازم را به دست آورند. بدیهی است، هر قدر شناخت و آگاهی کاربران از ویژگی‌های یک فناوری دقیق‌تر باشد، میزان موفقیت آن‌ها در استفاده بهینه از فناوری بیشتر خواهد شد و هر قدر بر میزان موفقیت کاربران افزوده شود، ارزش و سودمندی عملکرد آن فناوری در آموزش بیشتر خواهد شد.

♦ فناوری در اصل کاربرد اصول و قوانین علمی در کارهای عملی است که از عقلانیت و تدابیر انسانی نشئت می‌گیرد و هدف آن به طور کلی بهسازی کیفیت امور و شیوه انجام کارهاست. از این‌رو، همواره عملکرد فناوری در آموزش باید بر اصول و قوانین تعلیم‌وتربیت متکی باشد. در عین حال، این عملکرد باید بتواند ساختار محتوای درسی، و روش‌ها و فنون آموزش و یادگیری را متحول کند.

به کلامی دیگر، فناوری باید با دانش محتوای درسی، و علم و هنر آموزش (پداگوژی) ادغام شود تا فناوری آموزشی به مفهوم واقعی آن به وجود آید و موجب ارتقای کیفیت یاددهی و یادگیری گردد.

♦ تکنولوژی آموزشی برای تحقق اهداف آموزشی و بهینه‌سازی فرایند یاددهی و یادگیری و ایجاد شرایط مناسب در کلاس درس، الگوی معتبر و شناخته شده‌ای ارائه داده است. با اینکه چندین دهه از عمر این الگو می‌گذرد، ولی هنوز هم از آن به مثابه ابزاری ارزشمند و کارآمد در مدارس و مراکز آموزشی برای بهینه‌سازی فرایند یاددهی و یادگیری استفاده می‌شود. این الگو که در طراحی آموزشی، تولید مواد و چند رسانه‌ای‌ها کاربرد دارد، فرایندی است سه مرحله‌ای که ساختار محتوای درسی و فرایند یاددهی و یادگیری در آن

به گونه‌ای منسجم و نظام‌مند طراحی و اجرا می‌شود. در این الگو، فناوری‌های جدید آموزشی به عنوان بخشی مؤثر و مورد نیاز در فرایند یاددهی و یادگیری نقش بسیار ارزنده‌ای دارند.



هدف از کاربرد این الگو در آموزش، ارتقای کیفیت آموزش و یادگیری براساس آموزه‌های علوم تربیتی و دستاوردهای فناوری‌های آموزشی است. این الگو در تمام دوره‌های آموزشی برای اجرای تدریس بهتر و تحقق اهداف آموزشی قابل استفاده است. همچنین، بهترین ابزار برای تولید رسانه‌های آموزشی به حساب می‌آید.

رشد تکنولوژی آموزشی با هدف بهره‌گیری مطلوب معلمان عزیز از فناوری در کلاس درس، برنامه سالانه خود را در دوره (۹۶-۱۳۹۵) و در سال جاری، به گونه‌ای تنظیم کرده است که محتوای سرفصل‌های مجله بتواند بیشترین نیاز معلمان را در آشنایی با مباحث اصلی فناوری آموزشی، شناخت و کاربرد انواع فناوری‌ها در آموزش، و شیوه‌های طراحی و تولید مواد و رسانه‌های آموزشی، پاسخ‌گو باشد. برنامه سالانه ۹۶-۹۵ در صفحات ۴۵ و ۴۴ درج شده است. برای اطلاع بیشتر معلمان عزیز از برنامه سالانه مجله، نمونه‌ای از آن را در قالب جدولی ارائه داده‌ایم. عنوان تمام مقاله‌ها و مطالب دوره قبل مجله در زیر هر یک از سرفصل‌ها درج شده است. معلمان عزیز با توجه به عنوان سرفصل‌ها می‌توانند مجموعه مطالب مورد نیاز خود را در زیر همان سرفصل مشاهده کنند و برای مطالعه آن‌ها به شماره مجله که در سمت راست جدول قید شده است، مراجعه نمایند. به یاری خدا، این روال در سال جاری نیز اجرا خواهد شد. شما معلمان و خوانندگان عزیز هم می‌توانید با ارسال مقاله‌ها و پیشنهادهای سازنده خود، در تکمیل و توسعه مطالب مورد نیاز معلمان عزیز کشورمان، با این مجله همکاری کنید.

پیشاپیش از همکاری و لطف شما سپاس‌گزاریم.

عارل یغما

نگرش علوم یادگیری در سنجش برنامه‌های آموزشی

اشاره

سنجش در حوزه علوم تربیتی که تعیین می‌کند دانش‌آموزان چطور یاد می‌گیرند و چطور می‌توانند فکر کنند و بفهمند، بخشی غیر قابل تفکیک از فرایند یادگیری است. سنجش همچنین می‌تواند به معلمان، والدین و سیاست‌گذاران حوزه علوم تربیتی، درباره تأثیر ابزارهای به کار گرفته شده در آموزش بازخورد بدهد. بنابراین، امروزه سنجش بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است. پیشرفت در حوزه علوم شناختی فرصتی برای بازبینی اصول علمی و مبنایی برای سنجش فراهم آورده است. سنجش در مفهوم جدید خود باید بتواند تمامی ابعاد یادگیری-یاددهی را بسنجد و فهم عمیقی از فرایند یادگیری در اختیار ما بگذارد.

کلیدواژه‌ها: سنجش، علوم یادگیری، علوم شناختی، فرایند یاددهی - یادگیری، ابزارهای آموزش

سنجش برای پیشرفت فردی

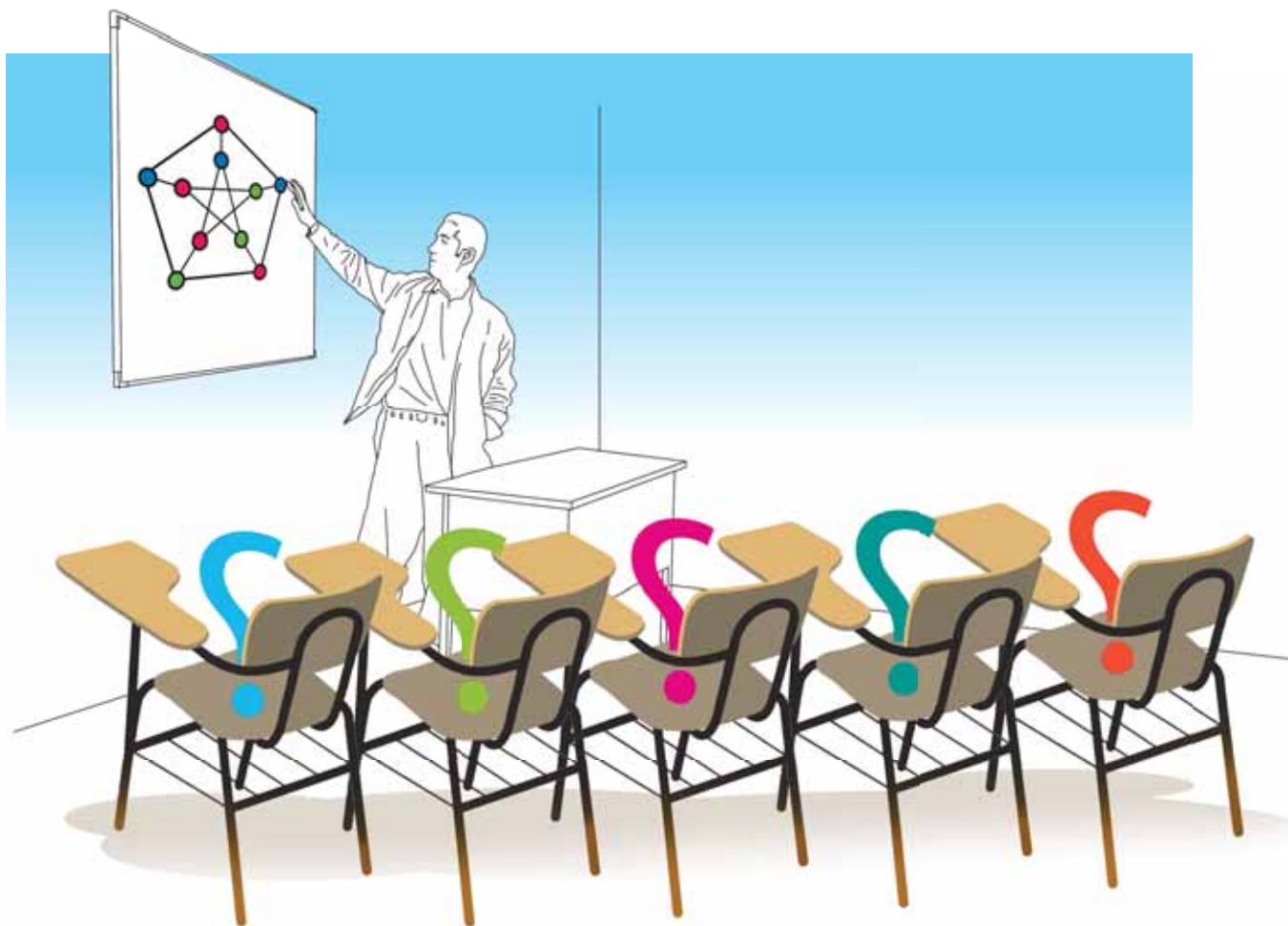
این نوع سنجش به ما می‌گوید آیا دانش‌آموزانی که سطح خاصی از آموزش را به پایان رسانده‌اند، به سطح مطمئن و قابل قبولی از شایستگی و دانش دست پیدا کرده‌اند یا خیر؟ نمونه‌ای از این سنجش هم امتحانات پایان ترم است. این نوع سنجش اطلاعاتی را درباره نحوه کسب دانش و مقایسه دانش‌آموزان با یکدیگر به دست می‌دهد؛ اینکه چطور دانش‌آموزان در یک دوره آموزشی فرایند یادگیری را به پایان رسانده‌اند. بر خلاف نوع قبلی که می‌توانست به ما بازخورد بدهد، این نوع، به دلیل وجود فاصله زمانی بین نتیجه سنجش و ادامه فرایند آموزش در کلاس، نمی‌تواند بازخوردی از کلاس فراهم کند. و به طور طبیعی، این روش برای سیاست‌گذاری‌های آموزشی چندان مناسب به نظر نمی‌رسد.

سنجش برای ارزشیابی برنامه‌های درسی و نهادهای آموزشی

این نوع سنجش به مدیران، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران حوزه تربیت کمک می‌کند درباره کیفیت

سنجش برای کمک به یادگیری

معلمان در کلاس درس شکل‌های گوناگونی از سنجش را به کار می‌برند تا بتوانند اهداف آموزشی خود را اجرا کنند. از بازخوردی که از دانش‌آموز می‌گیرند نیز برای تقویت انگیزه‌های او استفاده می‌کنند. سنجش باید به آن‌ها کمک کند بفهمند دانش‌آموزان چگونه مطالب کلاس درس را در ذهن خود سازمان‌دهی کرده‌اند، به خاطر سپرده‌اند و یاد گرفته‌اند. نمونه‌ای از این سنجش، همان امتحانات کلاسی است. این نوع سنجش اطلاعات خاصی را درباره دشواری‌های یادگیری و مشکلات دانش‌آموزان فراهم می‌کند. معلمان، علاوه بر اینکه باید بدانند دانش‌آموزان چرا درس را نفهمیده‌اند، باید بدانند این کج فهمی دقیقاً از کجا ریشه گرفته است. در این میان، سنجش نقش مهمی ایفا می‌کند. این نوع سنجش به معلمان کمک می‌کند آموزش خود را با نیازهای دانش‌آموزان تطبیق دهند و دانش‌آموزان متوجه می‌شوند در کدام مهارت‌های خود ضعف‌تر عمل می‌کنند و نیاز به تلاش بیشتری دارند.



سنجش باید به معلمان کمک کند تا بفهمند که دانش آموزان چگونه مطالب کلاس درس را یاد گرفته‌اند

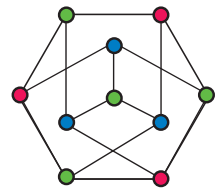
و قراین است. در واقع، سنجش یعنی استدلال مبتنی بر شواهد. الگویی از شناخت در یادگیری دانش‌آموزان در مجموعه‌های آموزشی، مجموعه‌ای از باورها درباره انواع مشاهداتی که شواهد شایستگی‌های دانش‌آموزان را فراهم می‌کند و در نهایت فرایند تفسیر برای معنابخشی و معناداری به این شواهد، عناصر اصلی سنجش هستند. هر سنجشی، اگر بخواهد مؤثر عمل کند، باید این سه عنصر، یعنی «شناخت، مشاهده و تفسیر» را داشته باشد. «شناخت» به مجموعه‌ای از باورها اشاره دارد که نشان می‌دهند دانش‌آموزان چطور دانش را بازنمایی می‌کنند و چطور قابلیت‌ها و شایستگی‌های خود را توسعه و رشد می‌دهند. بنابراین، ما برای تولید سنجش مؤثر، نیازمند الگوی شناختی یادگیری هستیم که بتوانیم بررسی کنیم دانش‌آموزان چگونه دانش را در ذهن خود بازنمایی می‌کنند. یافته‌هایی که حوزه علوم شناختی از شناخت انسان و نحوه بازنمایی دانش تهیه کرده است، می‌تواند در تهیه سنجش مؤثر راهگشا باشد. الگوی شناخت در رسیدن به فهم علمی فرایند یادگیری و چگونگی عملکرد ذهن در فرایند یادگیری به ما کمک می‌کند.

و تأثیر برنامه‌های آموزشی بررسی‌های علمی انجام دهند. این نوع از سنجش هم می‌تواند به شکل سنجش نوع اول باشد و هم نوع دوم و هدف آن مطالعه تأثیر آموزش و برنامه‌های درسی بر روند یادگیری - یاددهی در محیط و مجموعه‌های آموزشی است.

هیچ یک از انواع سنجش به تنهایی نمی‌تواند تمامی اهداف و خواسته‌های موجود در یک نظام آموزشی - تربیتی را برآورده سازد. این اشتباهی بنیادی است که ما از یک نوع سنجش برای رسیدن به تمامی اهداف تربیتی خود استفاده کنیم. انتخاب چنین روشی نتایج بی‌اعتباری در پی خواهد داشت، حال آنکه هدف نهایی از تمامی انواع سنجش ارتقای سطح یادگیری دانش‌آموزان است. بدین منظور، ما نیازمند بررسی چارچوب‌های مفهومی سنجش هستیم.

چارچوب‌های مفهومی

به منظور فهم و بررسی این چارچوب‌ها باید اصول کلی تمامی انواع سنجش را شناسایی کنیم. یکی از این اصول کلی این است که سنجش همیشه فرایند استدلال از شواهد



سنجش همیشه فرایند استدلال از روی شواهد و قراین است

«مشاهدات» به تکالیفی اشاره دارد که سطح عملکردی دانش آموز را ارتقا می‌بخشند و سطح دانش و مهارت‌های آن‌ها را نشان می‌دهند؛ تکالیفی که در آن‌ها از دانش‌آموزان می‌خواهیم به مسائلی که برای آن‌ها تعیین شده است پاسخ دهند. این مشاهدات باید به دقت طراحی شده باشند تا بتوانند شواهدی را که با الگوی شناختی یادگیری ارتباط مناسب‌تری دارند، فراهم کنند. مشاهدات در واقع کارهایی را توصیف می‌کنند که یادگیرنده انجام می‌دهد.

تمامی ابزارهای سنجش بر فرضیات محکم و الگوهایی تفسیری مبتنی هستند که از مشاهدات به دست آمده‌اند. این عنصر سوم سنجش «تفسیر» نام دارد. یعنی ابزارها و روش‌هایی که توسط آن‌ها می‌توانیم از شواهد، استدلال کنیم. اینکه چطور از تکالیفی که توسط آن‌ها می‌توانیم سطح عملکردی دانش‌آموز را سنجش کنیم، مشاهدات معنادار بسازیم. در تفسیر، به جای تکیه بر اطلاعات کمی و آماری، بیشتر به وجوه کیفی در سنجش توجه می‌شود. این سه عنصر فقط و فقط وقتی معنادارند که در کنار یکدیگر و در ارتباط با هم باشند و تنها در چنین شرایطی سنجش مؤثر خواهد بود.

سنجش، برنامه درسی و آموزش

سنجش با توجه به عناصر سه گانه «شناخت، مشاهدات و تفسیر، نمی‌تواند بخش تفکیک‌پذیر و جداگانه‌ای از یک برنامه آموزشی باشد. اینکه چه چیزی سنجش می‌شود، به برنامه درسی بستگی دارد و نیز به نظامی آموزشی که می‌خواهد این برنامه درسی را اجرا کند. بدین منظور، باید این سه عنصر سنجش در برنامه درسی و آموزش هم لحاظ شوند. ما در ارتباط بین سنجش، برنامه درسی و آموزش، به دنبال عملیاتی کردن این عناصر هستیم. برنامه درسی دربرگیرنده دانش و مهارت‌ها در حوزه‌ای خاص است که معلم قصد تدریس آن را دارد و یادگیرنده به دنبال کسب آن است. آموزش به روش‌هایی از یاددهی-یادگیری اشاره دارد که می‌خواهند اهداف برنامه درسی را محقق کنند. آموزش دربرگیرنده فعالیت‌های معلم و دانش‌آموز در ارتباط با یکدیگر و به عنوان یک سیستم واحد است. سنجش نیز ابزاری است که نتایج آموزش و پیشرفت دانش‌آموزان را اندازه می‌گیرد. این ابزارها می‌توانند سنجش قابلیت‌های عمومی، آزمون‌های کلاسی باشند. سنجش باید بتواند دقیقاً آنچه را که دانش‌آموز فکر می‌کند اندازه‌گیری کند. آن چیزی که دانش‌آموز را به تفکر وا می‌دارد، از یک برنامه درسی برخاسته است که باید با ابزارهای

آموزشی لازم تدریس شود. اگر بین آموزش، برنامه درسی و سنجش هماهنگی نباشد، حتماً در فرایند تربیتی خللی به وجود خواهد آمد و به تبع آن، نتایج سنجش گمراه کننده و آموزش غیر مؤثر خواهد شد و در نهایت یادگیری به وجود نخواهد آمد.

خصوصیات کلیدی در رویکرد شناختی به سنجش

- سنجش به دنبال الگوی شناختی در یادگیری و به دنبال توصیف چگونگی بازنمایی دانش در یادگیرنده است. این الگوی شناختی زیربنای ابزارهای سنجش است.
- سنجش به دنبال تهیه شواهدی است که استنباط‌های ما باید بر آن‌ها مبتنی باشد. همچنین به دنبال بررسی ارتباط بین شناخت از یک سو و تفسیرهای ما از سوی دیگر است. اینکه چگونه با توجه به شواهد، تکالیفی طراحی کنیم که بتوانند نحوه بازنمایی دانش را در فرایند یادگیری منعکس کنند.
- در اعتبارسنجی سنجش باید به عناصر سه گانه سنجش توجه شود.
- باید به ارتباط بین نتایج آزمون‌ها و عملکرد دانش‌آموز توجه شود.
- تکالیف باید با سطح شناختی دانش‌آموز متناسب باشد.

نتیجه‌گیری

علم یادگیری بر روشی تأکید می‌کند که دانش بازنمایی می‌شود، سازمان می‌یابد و در ذهن پردازش می‌شود. همچنین، بر ابعاد اجتماعی یادگیری تمرکز می‌کند؛ اینکه افراد چگونه از حافظه کاری و بلند مدت خود برای سازمان‌دهی دانش در ذهن خود استفاده می‌کنند. اینکه انسان‌ها چه چیزی را می‌دانند، چگونه می‌دانند و چگونه می‌توانند از این دانش استفاده کنند. چگونه می‌توانند مسئله‌های خود را حل کنند و از یادگیری‌های قبلی، دانش جدیدی بسازند. سنجش باید ارزیابی کند که ماهیت طرح‌واره‌های افراد چیست و چگونه این طرح‌واره‌ها در خدمت توسط مغز، خود را متناسب با طرح‌واره‌های خود قلمداد می‌کنند و چگونه از طرح‌واره‌ها در حل مسئله استفاده می‌کنند. در سنجش با رویکرد شناختی این مطالب بررسی می‌شود. یکی دیگر از ابعاد شناخت که سنگ بنای سنجش جدید است، موضوع فراشناخت است. فرایند بررسی و تأمل روی تفکرات انسان‌ها به‌طور مستقیم؛ اینکه

معرفی کتاب: ساز و کارهای مدیریت در آموزش

مؤلفان: دکتر حمیدرضا رضازاده بهادران - مهسا نظری

ناشر: رشد فرهنگ

نوبت چاپ: چاپ اول، بهار ۱۳۹۶

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

تلفن: ۷ - ۶۶۸۹۰۹۷۶

همانگی، پیشبرد اهداف و کارآمدی یک سازمان، نیازمند فراگرد به کارگیری مؤثر و مفید منابع مادی و انسانی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شده است که از طریق برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده، صورت می‌گیرد. و در این زمینه مدیریت نقشی اساسی دارد که بر کسی پوشیده نیست. جریانی که مدام در تکامل است. مدیران نیاز به تفکر خلاق دارند.

همان گونه که می‌دانیم حیات و بقاء هر سازمان تا حد زیادی به توانایی‌ها، مهارت‌ها، آگاهی‌ها، دانش و تخصص‌های مختلف منابع انسانی به ویژه مدیران آن بستگی دارد و هر چه آمادگی افراد بیشتر باشد سهم آن‌ها در ارتقای کارایی سازمان بیشتر است.

آنچه در این مجموعه گرد آمده است قصد دارد تا ارزش و اهمیت توانمندسازی، شایستگی و موفقیت را در حوزه مدیریت آموزشی هر چه بیشتر و بهتر تبیین کند.

کتاب حاضر در ۶ فصل به شرح زیر تنظیم شده است.

فصل اول: مفهوم مدیریت

فصل دوم: اصول و نظریه‌های مدیریت

فصل سوم: انواع مدیریت

فصل چهارم: حوزه‌های مدیریت

فصل پنجم: ابعاد مدیریت

فصل ششم: پژوهش‌های انجام شده پیرامون مدیریت



بفهمیم انسان‌ها چطور فکر می‌کنند. در سنجش باید بتوانیم نحوه تفکر یادگیرنده در حل مسئله‌ای را اندازه بگیریم. تفکر مؤثر برای حل یک مسئله به دانش درباره فرآیند ساخت نیاز دارد. سنجش به ما می‌گوید یادگیرنده تا چه میزان از مهارت‌های فرآیند ساخت برخوردار است. لذا سنجش بر شناسایی تکنیک‌های خاصی مبتنی است که یادگیرنده برای حل مسئله از آن استفاده می‌کند.

نقش اساسی سنجش در تهیه بازخوردی است که اجراکنندگان برنامه درسی و معلمان، برای دسترسی به نیازهای یادگیرنده، قابلیت‌های او و ظرفیت‌ها و ناتوانی‌های او در یادگیری، در طول آموزش و فرایند یاددهی-یادگیری به آن نیاز دارند. یادگیرندگان غالباً به تعامل و گفت‌وگو با یکدیگر نیاز دارند. بنابراین، دانش ماهیت و بافت اجتماعی دارد. سنجش نیز باید به این موضوع توجه کند. مهم‌ترین بافت اجتماعی مورد نظر هم کلاس درس است. سنجش باید حاوی سؤال‌ها و پاسخ آن‌ها در سر کلاس باشد. سنجش به ما می‌گوید دانش‌آموزان چطور با مسئله مطرح شده مواجه شده‌اند. معلمان نیاز دارند بفهمند دانش‌آموزان چگونه می‌دانند. سنجش با رویکرد شناختی در علم یادگیری، معلمان را در درک نظام شناختی دانش‌آموزان توانمند می‌سازد. بنابراین، آن‌ها می‌توانند در طراحی و اجرای برنامه درسی مؤثرتر عمل کنند. سنجش مؤثر از زبانی استفاده می‌کند که دانش‌آموز قادر به فهم آن باشد. بافت مسئله‌هایی که طراحی می‌شود، باید با ذهن یادگیرنده هماهنگی داشته باشد.

گام اول تهیه مدلی از یادگیری بر مبنای درک سازه‌های شناختی دانش‌آموزان است؛ اینکه چطور دانش را بازنمایی می‌کنند و سازمان می‌دهند. گام بعدی تهیه شواهدی از فرضیه‌سازی دانش‌آموزان است. به‌طور مثال، دانش‌آموزان برای حرکت و جنبش در محیط، الگویی از حرکت را در ذهن خود می‌سازند. سپس با بدن خود حرکت را به‌وجود می‌آورند. در نهایت، گام آخر ایجاد تکالیفی است که با فرضیه‌سازی ذهن کودک تناسب داشته باشد. دانش‌آموز این تکالیف را انجام می‌دهد و سنجش، الگوی معناداری ذهن دانش‌آموز در ساخت طرح‌واره‌ها و سازمان‌دهی دانش را بررسی می‌کند و به ما می‌گوید دانش‌آموز چگونه و تا چه مقدار در فرایند یادگیری موفق عمل کرده است.

* منابع

1. R. Keith Sawyer, (2005). The Cambridge Handbook of The Learning Science.
2. James W. Pellegrino, Naomi Cudowsky, and Robert Glaser, (2001). Knowing What Students Know: The Science and Design of Educational Assessment.



طراحی آموزشی مبتنی بر رویکردهای تلفیقی جای پای یادگیری تلفیقی در مدرسه

اشاره

طراحی آموزشی از جمله عبارات آشنا در برنامه‌دستی است که مطابق آن شیوه و رویکرد خاصی برای تعیین مسیر آموزش تعیین می‌شود. اما از دهه‌های گذشته، بر اساس تغییرات اساسی که در این حوزه رخ داده است، عبارات دیگری همچون طراحی محیط‌های یادگیری، طراحی فضاهای یادگیری و نیز طراحی مراکز یادگیری به میان آمده‌اند که هر کدام نشان‌دهنده رویکردی نوین به طراحی آموزشی و گسترده‌تری این حیطه‌اند. هر چند تاریخچه طراحی آموزشی نشان می‌دهد این واژه اولین بار در فاصله سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ میلادی، به صورت نظام‌مند در زمینه‌های نظامی و تجاری تبیین شده است، اما پس از آن متخصصان حوزه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش مدل‌های گوناگونی نیز طراحی و تدوین کردند. این در حالی است که امروزه رویکردهای متنوعی با عنوان‌های طراحی آموزشی تلفیقی از دل این مدل‌ها استخراج شده و مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته‌اند. با این نگاه، آیا مدارس می‌توانند با عنایت به برنامه‌دستی ملی، به طراحی محیط‌ها و فرصت‌های یادگیری دست بزنند که مطابق آن، یادگیری دانش‌آموزان بر مبنای رویکردهای تلفیقی انجام شود؟ پاسخ به این پرسش محور نوشته پیش‌روست.

کلیدواژه‌ها: طراحی آموزشی، محیط یادگیری، رویکرد تلفیقی، یادگیری تلفیقی

طراحی آموزشی؛ از واژه تا اقدام

شامل مجموعه‌ای از عناصر کلیدی است که عبارت‌اند از شناسایی مسائل و مشکلات آموزشی، بررسی ویژگی‌های یادگیرنده، شناسایی محتوای موضوع، تعیین اهداف آموزشی، توالی محتوا در هر واحد آموزشی برای یادگیری منطقی، تعیین راهبردهای آموزشی، تعیین پیام آموزشی و توسعه آموزش، تهیه ابزارهای ارزشیابی، انتخاب منابع برای حمایت و پشتیبانی از فعالیت‌های آموزشی و یادگیری» (موریسون، راس و کمپ، ۲۰۰۶: ۸-۷). این عناصر از مؤلفه‌های اساسی در شکل‌گیری مدل‌های طراحی آموزشی و محیط‌های یادگیری محسوب می‌شوند. در طراحی مدل‌های طراحی آموزشی، به صورت کلی، دو رویکرد مهم شناخته شده‌اند:

الف) رویکرد مستقل یا مجزا
ب) رویکرد تلفیقی

طراحی در لغت به معنی ترسیم کردن، ساختن و آماده‌سازی یک نقشه است. از نظر علمی، طراحی عبارت است از تهیه نقشه عملی برای دستیابی به آنچه از قبل تعیین شده است. بر این اساس، طراحی آموزشی عبارت است از تهیه نقشه‌های مشخص در مورد چگونگی دستیابی به اهداف آموزشی (زارعی زوارکی، ۱۳۸۶). آموزش که ماهیتی ترکیبی و تلفیقی از محتواها، روش‌ها، و امکانات دارد، پیش‌بینی‌هایی چون چگونگی ترکیب و اتصال مؤلفه‌های مرتبط با یادگیری و روش اجرای امور را اقتضا می‌کند (فردانش، ۱۳۸۳: ۱۱۶).

به عبارت دیگر، «طراحی آموزشی فرایند نظام‌دار برنامه‌ریزی کلیه رویدادها برای تسهیل یادگیری است» (کید و سونگ، ۲۰۰۸: ۱). این فرایند نظام‌دار

رویکرد مستقل

در رویکرد مستقل، طراح آموزشی برنامه و طرح خود را براساس یک نظریه یادگیری مشخص و در قالب یک مدل ارائه می‌کند. اما در رویکرد تلفیقی، طراح آموزشی به یک نظریه خاص محدود نیست و تلاش می‌کند از کلیه ظرفیت‌های نظریه‌های گوناگون یادگیری بهره‌گیری و برنامه و طرح خود را در قالب مدل مشخصی، در قالبی ترکیبی و تلفیقی از مدل‌های متعدد ارائه دهد.

رویکرد تلفیقی

یکی از مدل‌های طراحی آموزشی که امروزه به عنوان پرکاربردترین و مؤثرترین شیوه در یادگیری مورد بحث و توجه قرار دارد، طراحی آموزشی مبتنی

تلفیق موضوعات درسی موجب می‌شود فراگیرندگان با لذت و شوق بیشتری یادگیری را دنبال کنند و طیف وسیعی از موضوعات در فهرست یادگرفته‌های آنان قرار گیرد.

در مدارس کشور عزیزمان ایران و با تکیه بر برنامه درسی ملی، امکان توجه و بهره‌گیری از یادگیری تلفیقی وجود دارد و اجرای آن تنها به خلاقیت و دغدغه‌مندی مجریان آموزشی به این موضوع وابسته است. برای مثال، در هر کلاسی که معلم تلاش می‌کند با ایجاد ارتباط بین مطالب کتاب‌های درسی دانش‌آموزان در هر پایه، گستردگی و زنجیره بودن مطالب را نمایان کند و در عین حال به انسجام بیشتر یادگرفته‌های آنان کمک کند، از یادگیری تلفیقی در ساده‌ترین شکل خود استفاده شده است.



یادگیری مبتنی بر خلاقیت از جمله مؤلفه‌های اساسی در طراحی مدل یادگیری تلفیقی است

در یادگیری تلفیقی کمی از بیان سادگی دور می‌شویم و طراح آموزشی به ایجاد پیوند میان نه تنها محتواهای آموزشی، بلکه محیط و فرصت‌های یادگیری اقدام می‌کند. در چنین رویکردی، یادگیری از مراحل اولیه تا حصول نتیجه به منابع گوناگونی وابسته است که در کنار یکدیگر به گونه‌ای مؤثر و کارا قرار گرفته باشند. در ادامه، به نمونه‌هایی عملی از این یادگیری، با تکیه بر مثال‌هایی از دومین نمایشگاه خلاقیت دانش‌آموزی مجتمع تطبیقی و بین‌الملل دختران تهران، با عنوان «پاک‌کن ممنوع» اشاره می‌شود.

آب‌هایی که هرز می‌روند

یکی از زمینه‌های مؤثر در یادگیری تلفیقی، آموزش طراحی پروژه و شیوه حل مسئله به دانش‌آموزان است که می‌تواند به توانمندسازی آنان برای طی مسیر یادگیری

بر تلفیق مؤلفه‌های متنوع و گوناگون یادگیری با یکدیگر است. در این شیوه، دانش‌آموزان به جای یادگرفتن موضوعات در کلاس‌های انتزاعی ریاضی، علوم و فارسی، تمام موضوعات درسی را در شرایط نزدیک‌تر به محیط واقعی، یاد می‌گیرند. مدرسه حکمت یکی از مثال‌های عینی در این زمینه است که طراحی آموزشی آن مبنای تلفیقی دارد. در چنین مدرسه‌ای، به جای برگزاری کلاس‌های درس به شیوه معمول و تفکیک درس‌ها، یادگیری بر اساس مجموعه‌هایی دنبال می‌شود که دانش‌آموزان در هر زمان یادگیری، با محیط‌ها و فرصت‌های یادگیری متنوع در ارتباط‌اند و در عین حال در شرایط نزدیک‌تری با واقعیت‌های ملموس و واقعی زندگی قرار دارند.

در یادگیری تلفیقی، تنوع محیط یادگیری و نیز

سایه سبز گیاهان

از دیگر فعالیت‌های مبتنی بر تلفیق، پیوند میان دنیای گیاهان با بدن انسان است. ممکن است هر دانش‌آموزی دانسته‌های بسیاری را از طریق کتاب‌های درسی در خصوص گیاهان فراگیرد، اما این نوع دانستن، هنگامی که برای تعیین کاربردهای گیاهان برای انسان و اثرات آن بر بدن مورد بررسی و یادگیری قرار می‌گیرد، دنیای تازه‌ای از تجارب را برای دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. برای مثال، ممکن است دانستن این نکته که گیاه «استویا» گیاهی بومی در آمریکای جنوبی است که ساکنان بومی این قاره قرن‌ها از آن استفاده‌های گوناگون می‌کردند جذابیت زیادی نداشته باشند و تنها برای دریافت نمره ارزشیابی، مدتی در گوشه ذهن دانش‌آموزان باقی بماند. اما هنگامی که فراگیرندگان تلاش می‌کنند با مشاهده دقیق‌تر این گیاه (بوییدن، چشیدن و لمس کردن) آن را بشناسند یا حتی اقدام به زراعت کنند و محصول به دست آمده را با نمونه اصلی آن مقایسه کنند، این نوع یادگیری دیگر یک دانستن صرفاً حفظ کردنی نیست و ماندگاری و لذت بالایی از آموختن را در پی دارد. در این فعالیت و نیز دیگر اقدامات مشابه که محور اصلی آن‌ها شناسایی کاربردهای اثرگذار گیاهان در بدن انسان است، دانش‌آموزان نیازمند قرارگیری در محیط‌های یادگیری، اعم از فضای کاشت و نگهداری گیاهان و نیز آزمایشگاه هستند.

آنتی‌بیوس‌ها در زندگی انسان!

از جمله عوامل و نشانه‌های طراحی یادگیری با رویکرد تلفیقی، تکیه کردن بر کاربردهای زندگی و ارتباط هر آموخته با زندگی واقعی افراد است. هر چند این یک اصل مهم برای به‌دست‌آوردن یادگیری ماندگار در هر زمینه است، اما در یادگیری ترکیب‌گرا جزئی الزامی و جدایی‌ناپذیر است؛ چنانچه بسیاری از یادگیری‌های اولیه هر انسانی در محیط زندگی و با نگاه تلفیقی رخ می‌دهند و به همین دلیل این یادگیری لذت‌بخش و بدون هیچ اجباری شکل می‌گیرد. با این نگاه، لازم است در یادگیری تلفیقی ارتباط هر مقوله با زندگی واقعی فرد روشن و مبتنی بر آن باشد. برای نمونه، دانش‌آموزان در نمایشگاه خلاقیت «پاک‌کن ممنوع» نتیجه بررسی‌های خود را در زمینه بهداشت و ایمنی بدن، به موضوع زندگی روزانه یک دانش‌آموز و خطراتی که می‌تواند با کنترل وی مهار شود، اختصاص داده‌اند. در این مسیر، آن‌ها با مشاهده و بررسی دقیق مسائلی که بر ساختار قامتی

منجر شود. برای مثال، تعدادی از دانش‌آموزان مدرسه تطبیقی و بین‌الملل دختران تهران منطقه دو، طی یک پروژه یادگیری تلاش کردند شیوه‌ای را برای بهره‌گیری از آب باران در مصارف خانگی پیدا کنند. در این شیوه که آنان برای ارائه پروژه خود در نمایشگاه خلاقیت مدرسه، ماکت اولیه‌ای از آن ساختند، نشان داده شده است که چگونه آب باران می‌تواند با جمع‌آوری در یک مخزن ویژه در فصل‌های پر باران در طول سال شست‌وشوهای خانگی استفاده شود. نیز از آب خاکستری آن برای مصارف آبیاری به گیاهان بهره‌برداری شود. منظور از آب خاکستری، آب بازیافتی یا فاضلاب خانگی است که حاصل از فعالیت‌های معمول روزانه نظیر رخت‌شویی، شست‌وشوی ظروف و حمام کردن است.

در این پروژه، دانش‌آموزان هدایت شدند تا پرسش‌های خود را در خصوص محیط اطراف و نیز به منظور حفظ محیط زیست، به صورت گام به گام و مطابق یک روش علمی دنبال کنند، به روی کاغذ آورند و در نهایت شکلی از آن را در قالب یک ماکت بسازند. بدیهی است این اقدام نیازمند بهره‌گیری از توانایی‌های گوناگون دانش‌آموزان در زمینه‌های متنوعی است که لزوماً به فضای کلاس درس محدود نمی‌شود.

نیروی درون میوه

از دیگر پروژه‌های دانش‌آموزان که در بازه زمانی چند ماهه از طریق آموزش روش علمی دنبال و در نمایشگاه خلاقیت دانش‌آموزان مجتمع تطبیقی و بین‌الملل دختران ارائه شد، تولید الکتریسیته با کمک میوه‌های گوناگون و ساخت مدار الکتریکی از منابع میوه‌ای گوناگون است.

به این منظور، دانش‌آموزان ابتدا با شیوه بهره‌گیری از میوه‌ای مانند پرتقال برای ایجاد جریان الکتریسیته آشنا می‌شوند و این پرسش را دنبال می‌کنند که آیا میوه‌های دیگر نیز چنین قابلیت‌هایی برای تولید الکتریسیته دارند و آیا این تولید می‌تواند به کاهش تولید جریان الکتریسیته با صرف منابع دیگر طبیعی منجر شود و به حفظ محیط زیست کمک کند؟ این سؤال‌ها و مشابه آن‌ها بهانه‌ای برای طی یک پروژه علمی است و کودکان مطابق آن و با تکیه بر انجام آزمایش، فرضیه‌های خود را بررسی می‌کنند.

در این شرایط، هر میوه‌ای در اطراف کودک یک محرک برای کسب تجربه‌ای جدید است و او می‌تواند با استفاده از شیوه علمی آموخته شده، نه تنها برای پروژه اکنون، بلکه در آینده نیز فرصت‌های متنوعی را برای یادگیری تجربه کند.



در یادگیری تلفیقی دانش‌آموزان به جای یادگرفتن موضوعات درسی به تفکیک، در شرایط نزدیکتر به محیط واقعی، مفاهیم گسترده‌تری را یاد می‌گیرند



بازی‌های آموزشی زمینه‌ساز ایجاد لذت و شوق یادگیری و قرارگیری در محیطی غنی از فرصت‌های یادگیری متنوع است

معرفی بازی‌های آموزشی فعالیت کرده‌اند و محصول کار آن‌ها بازی‌های فراوان در زمینه‌های درسی گوناگون است. در هر بازی، شرکت‌کنندگان می‌توانند تجربه تلفیقی از حوزه‌های درسی را در کنار هم بچشند. برای مثال، بازی‌های ریاضی می‌توانند در بردارنده هم‌زمان مفاهیمی از جغرافیا و علوم و نیز گزاره‌هایی از درس ریاضی باشد. دانش‌آموزان همانند بزرگسالان از شرکت کردن در بازی که فضای گسترده و متنوعی را همراه با لذت در یادگیری ایجاد می‌کند استقبال می‌کنند. این در حالی است که یادگیری معمول درس‌ها همانند قرار گرفتن در کویری است که ممکن است حیرانی همراه با کسالت را به همراه داشته باشد.

کوتاه سخن

ایجاد محیطی یادگیرنده و در عین حال جذاب از طریق بهره‌گیری از رویکرد تلفیقی و تلفیق رشته‌های گوناگون توسط معلم امکان‌پذیر است و از این طریق دانش‌آموزان می‌توانند با کسب تجارب متنوع، از یادگیری ماندگار و عمیقی بهره‌مند شوند. هنگامی که از محیط‌های غنی یادگیری سخن به میان می‌آید، از جمله عوامل زمینه‌ای مؤثر در آن، توجه به خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان است، به گونه‌ای که با قرارگیری فراگیرندگان در چنین مسیری از یادگیری، این امکان فراهم می‌شود که دنیای وسیعی از فرصت‌های یادگیری با ماهیت‌های گوناگون و به صورت تلفیقی از رشته‌های متفاوت ایجاد شود.

بر این اساس می‌توان اساس یادگیری تلفیقی را خلاقیت دانست. آموزش مبتنی بر خلاقیت شامل فعالیت‌هایی است که در شرایطی آزاد و در عین حال هدفمند، دانش‌آموز را به یادگیری‌های تازه هدایت می‌کند. مدارس و به ویژه معلمان می‌توانند با آموزش شیوه‌های پروژه‌ای و نیز روش علمی در حل مسئله و پاسخ به سؤال‌های دانش‌آموزان، شرایط را برای یادگیری‌های خلاقیت محور فراهم آورند و این امکان جز به طریق تلفیقی ممکن نیست، زیرا مادر تمامی درس‌های حاضر علم واحدی است که از زمان‌های گذشته تمامی اندیشمندان بدون جداسازی پاره‌های آن از یکدیگر، به شناخت و اکتشاف می‌پرداختند. با این نگاه، توجه معلمان و مجریان آموزشی به رویکرد تلفیقی و به زبان دیگر تلاش برای ایجاد فرصت‌های یادگیری تلفیقی، از جمله مهم‌ترین زمینه‌هایی است که به نیاز آموزشی فراگیرندگان امروزی در بهره‌گیری از یادگیری در زندگی و نیز لذت بردن از یادگیری پاسخ می‌دهد.

دانش‌آموزان تأثیرگذارند، مانند شیوه حمل وسایل مدرسه، عواملی را شناسایی کرده‌اند که دانش‌آموزان با رفتار و اقدامات خود موجب ایجاد موانع رشدی یا بدشکلی عضوی می‌شوند. سپس این عوامل را با زندگی دانش‌آموزان مدرسه مقایسه و در نهایت با رسیدن به راهکارهای رفع موانع، آموزش آن‌ها را به دوستان و هم‌مدرسه‌ای‌های خود آغاز کرده‌اند.

این اندیشه با توجه به کاربردی بودن در زندگی روزانه دانش‌آموزان و نیز طی مراحلی که به نوبه خود نیازمند بهره‌گیری از فرصت‌ها و قرارگیری در محیط‌های متنوع یادگیری است، می‌تواند نمونه یک یادگیری تلفیقی باشد.

در نمونه دیگر، گروهی از دانش‌آموزان تلاش کردند با کمک یادگیری مربوط به رایانه و بازی‌های رایانه‌ای، به شناسایی موانع موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان به عنوان وپروس‌هایی که سلامت تحصیلی را به خطر می‌اندازد اقدام کنند و سپس آنتی‌ویروس‌هایی را جست‌وجو کنند تا هر دانش‌آموزی بتواند با استفاده از آن‌ها در زندگی، همچون دنبال کردن یک بازی رایانه‌ای، پله‌های کسب موفقیت تحصیلی را طی کند.

احترام چه مزه‌ای دارد؟!

یکی دیگر از زمینه‌های بهره‌گیری از طراحی یادگیری تلفیقی، تلاش برای ایجاد ارتباط بین مفاهیم انتزاعی با موضوعات عینی است. هنگامی که دانش‌آموز با تبدیل یک مفهوم انتزاعی به یک مفهوم عینی ترغیب می‌شود، ناگزیر است موقعیت‌های گوناگونی را تجربه کند تا بتواند مفهوم مورد نظر را لمس کند و در نهایت به آن عینیت دهد. در دیگر مثال برای موضوع حاضر می‌توان به فعالیت گروهی از دانش‌آموزان مجتمع آموزشی تطبیقی و بین‌الملل دختران اشاره کرد که مطابق آن، دانش‌آموزان تشویق شدند جلوه‌هایی عینی از «احترام» و «عزت نفس» را به نمایش بگذارند. در بخشی از این تجربه، دانش‌آموزان می‌توانستند به تصویر کشیدن این مفاهیم را تجربه کنند. به همین دلیل، هر آنچه را نشان‌دهنده احترام یا نبود عزت نفس است به تصویر کشیدند. این فعالیت موجب می‌شود تا ذهن دانش‌آموز به گستره بیشتری از مفاهیم باز شود.

بازی؛ محیط بکر یادگیری تلفیقی

بی‌اغراق بازی‌های آموزشی از مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های طراحی یادگیری تلفیقی هستند. طی سال‌های متمادی علاقمندان بسیاری در شناسایی و

* منابع

1. اسماعیل زارعی زوارکی. معرفی الگوهای طراحی آموزشی. جزوه درسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی. تهران. ۱۳۸۶.
2. گری آر موریسون؛ استیون ام روس؛ جیرالد ای کمپ. طراحی آموزش اثربخش. ترجمه غلامحسین رحیمی دوست. دانشگاه شهید چمران. اهواز. ۲۰۰۴.
3. هاشم فردانش. مبانی نظری تکنولوژی آموزشی. سمت. تهران. ۱۳۸۳.
4. Kidd, Erry T. and Song, Holim. (2008). Handbook of research on systems and technology. USA: Information Science Reference.

کاربرد فناوری در کلاس درس



اشاره

امروزه کاربرد فناوری در آموزش، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. به علاوه، با توسعه فناوری‌های دیجیتالی، کاربرد آن‌ها نیز در آموزش و کلاس درس متنوع شده است. در واقع، معلمان باید اولاً شناخت کافی از ابزارها داشته باشند و ثانیاً از کاربرد هر ابزار در فرایند یاددهی-یادگیری آگاه باشند. تجربیات نشان داده است، غالباً معلمان از چگونگی تأثیر ابزارها در بهبود کیفیت یاددهی - یادگیری آگاه نیستند. در این مقاله سعی شده است ضمن طبقه‌بندی کاربردهای متفاوت فناوری در کلاس درس اهمیت جایگاه فناوری در تهیه طرح درس و اجرای آن توسط معلمان بیان شود.

کلیدواژه‌ها: فناوری در کلاس، معلمان و فناوری، کاربردهای فناوری، افزایش، کیفیت یادگیری، غنی‌سازی آموزش

مقدمه

کاربردهای تکنولوژی آموزشی

متخصصان تکنولوژی آموزشی کاربردهای متعددی از فناوری در کلاس ذکر کرده‌اند. در این میان، «روبلیر و دورینگ» (۲۰۱۰) کاربرد فناوری در کلاس را به طور ظریف‌تری به چهار دسته کلی تقسیم کرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. کیفیت یادگیری را بهبود می‌بخشد و ایجاد انگیزه می‌کند

در واقع، معلم قبل از استفاده از فناوری، لازم است درباره این پرسش‌ها فکر کند:

استفاده از این فناوری در کلاس درس تا چه حد:

از سطوح بالای یادگیری حمایت می‌کند، توجه فراگیرندگان را به خود جلب می‌کند، ارتباط مفاهیم درسی را با زندگی واقعی ملموس می‌کند، همکاری و مشارکت برای فعالیت‌های علمی را افزایش می‌دهد و از تفاوت‌های فردی حمایت می‌کند؟

۲. روش‌های تدریس را غنی می‌کند

استفاده از این فناوری در فرایند تدریس تا چه حد:

بازخورد و تعامل فوری فراهم می‌کند، مفاهیم درسی را تصویری

با توسعه فناوری‌های دیجیتالی، کاربرد آن‌ها در فرایند آموزش و یادگیری توسعه یافته است. با وجود این، هر گاه از معلمان سؤال می‌شود واقعاً چرا از فناوری استفاده می‌کنند و آیا آموزش این درس با استفاده از فناوری از کیفیت بالاتری برخوردار است و چرا، غالباً پاسخ‌هایشان مبهم است. در پژوهشی غیررسمی با ۵۰ معلم مصاحبه انجام شد و از آنان در مورد دلایل استفاده خودشان از فناوری در کلاس درس پرسش شد. عمده دلایلی که برشمرده‌اند، به این شرح است:

- استفاده از فناوری باعث می‌شود مدیر و دانش‌آموزان تصور کنند در مقایسه با معلمانی که از این ابزارها استفاده نمی‌کنند، سواد علمی بیشتری دارند.

- از دیدگاه دانش‌آموزان احترام بیشتری پیدا می‌کنم. وقتی ابزار جدیدی را به کار می‌برم، توجه دانش‌آموزان به درس بیشتر می‌شود؛ حتی اگر کاربرد این ابزار تأثیر چندانی در کیفیت یادگیری نداشته باشد.

- مدیران تأکید می‌کنند از فناوری استفاده کنیم تا در ارزشیابی نمره بالاتری به ما بدهند.

- استفاده از فناوری باعث می‌شود مطالب درسی ملموس شود و کیفیت یادگیری بهبود پیدا کند.

- استفاده از فناوری‌های جدید باعث می‌شود شکاف نسل ما با دانش‌آموزان کم شود و با آن‌ها بهتر ارتباط برقرار کنیم.

سایر معلمان نیز ممکن است پاسخ‌های مشابهی به سؤال مذکور بدهند. اما هنگامی که از معلمان در مورد انواع فناوری‌ها و کاربردهای آن‌ها سؤال می‌کنیم، معمولاً کاربردها را به صورت طبقه‌بندی شده ارائه نمی‌دهند. در واقع، هنگام تهیه طرح درس، فقط نام فناوری ذکر می‌شود، اما اینکه این فناوری چه کمکی به بهبود یادگیری می‌کند، مشخص نیست.



استفاده از فناوری در کلاس درس ایجاد انگیزه می‌کند و بر کیفیت یادگیری می‌افزاید

دستیابی به اهداف آموزشی، از چه فناوری‌هایی می‌تواند استفاده کند و هر فناوری در چه قسمت‌هایی می‌تواند از فرایند یادگیری حمایت کند؟ گاهی اوقات نیز برخی همکاران به کمک تجربه خود، فناوری را با فرایند تدریس تلفیق می‌کنند. برای مثال، یکی از همکاران به من گفت، سال گذشته با ایده کلاس معکوس آشنا شده بود (خوانندگان برای اطلاعات بیشتر در مورد کلاس معکوس می‌توانند به مقاله کلاس معکوس، درج شده در دوره سی و دوم شماره ۲ آبان ۹۵ همین مجله مراجعه کنند)، اما به علت مشغله فرصت فیلم‌برداری از تدریس خود را نداشت. از این رو، نتوانسته ایده مورد نظرش را در کلاس پیاده کند. اما هنگام تدریس، با استفاده از تخته هوشمند، جلسات تدریس را ضبط کرده و فیلم‌های سال گذشته را در اختیار دانش‌آموزان سال جاری قرار داده است. وی اضافه کرد، این روش به دانش‌آموزان ضعیف‌تر خیلی کمک کرد. همچنین، به وی امکان داد برخی مباحث را به روش تدریس معکوس کار کند. به این ترتیب که فیلم‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌داد، آن‌ها در منزل تدریس معلم را مشاهده می‌کردند و در کلاس به حل تمرین و رفع اشکال می‌پرداختند. در واقع؛ در این تجربه، استفاده از تکنولوژی در کلاس درس موجب شد معلم روی سطوح بالای یادگیری تمرکز کند. همچنین، این فیلم‌ها برای دانش‌آموزان ضعیف نقش کمک آموزشی را داشت. با وجود این، وقتی از ایشان سؤال کردم آیا هنگام استفاده از فناوری در کلاس درس مشخص می‌کند این فناوری چگونه موجب بهبود کیفیت یادگیری می‌شود، وی افزود: «این کار را فقط از روی تجربه انجام می‌دهد و به این نکات که واقعاً تأثیر فناوری بر فرایند یاددهی - یادگیری چگونه است، توجه نکرده است.»

نتیجه‌گیری

با توسعه فناوری‌های دیجیتالی، کاربرد آن‌ها نیز در فرایند آموزش و یادگیری افزایش یافته است. اگر این کاربردها دسته‌بندی نشوند، معلمان، در طراحی درس، بهره لازم را که موجب افزایش کیفیت یادگیری می‌شود نخواهند برد. دوبلیر و دورینگ (۲۰۱۰) چهار کاربرد از فناوری در کلاس را بیان می‌کنند که عبارت‌اند از: ایجاد انگیزه و بهبود کیفیت یادگیری، غنی‌سازی روش‌های تدریس، افزایش بهره‌وری در آموزش و افزایش مهارت‌های عصر اطلاعات. لذا بهتر است معلمان با توجه به اهداف درس، محتوا و فناوری‌هایی که در اختیار دارند، هنگام تهیه طرح درس، با توجه به این محورها، فناوری مناسب را انتخاب کنند. این کار موجب می‌شود انتظارات از فناوری مورد استفاده روشن شود و کیفیت طرح درس و آموزش افزایش یابد.

* منبع

1. Roblyer, M. D. & Doering, A. H. (2010). Integrating technology into teaching (5th ed.) Boston, MA: Allyn & Bacon.
2. Smaldino, S. E., Lowther, D. L., & Russell, J. D. (2011). Instructional technology and media for learning (10th ed.). Boston, MA: Allyn & Bacon.

می‌کند، یادگیری به صورت خودآموز را میسر می‌سازد، دسترسی به فرصت‌های یادگیری را آسان می‌کند، فرصت‌هایی را برای مطالعه سیستم‌ها با روش‌های منحصر به فرد ایجاد می‌کند و ارتباط بین مهارت و کاربست را نمایان می‌کند؟

۳. میزان بهره‌وری در آموزش را افزایش می‌دهد

استفاده از این فناوری تا چه حد:

موجب صرفه‌جویی در انجام تکالیف می‌شود، نمره‌دهی به کارهای دانش‌آموزان را تسهیل می‌کند، دسترسی به منابع اطلاعاتی را تسریع می‌کند، و در هزینه مواد مصرفی صرفه‌جویی می‌کند؟

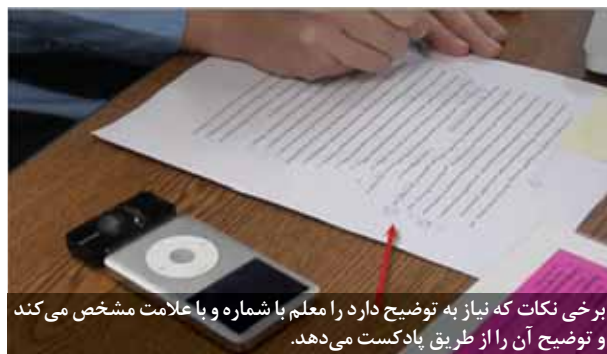
۴. بر مهارت‌های عصر اطلاعات می‌افزاید

استفاده از این فناوری تا چه حد:

موجب افزایش انواع سواد تکنولوژی، اطلاعاتی و بصری می‌شود، لازم به ذکر است که استفاده از یک فناوری در کلاس نمی‌تواند همه موارد فوق را پوشش دهد. اینکه معلم چه کاربردی از فناوری را در نظر دارد، به اهداف درس، محتوای تدریس و همچنین ماهیت فناوری مورد استفاده بستگی دارد. برای مثال، در انجام هر پروژه، استفاده از برخی سایت‌های اینترنتی ممکن است دسترسی به مطالب علمی را آسان سازد و در زمان انجام تکالیف درسی صرفه‌جویی کند، اما مفاهیم درسی را ملموس نکند. ممکن است برخی از فناوری‌ها در تسهیل فرایند یادگیری و یاددهی چند کاربرد داشته باشند و برخی دیگر کاربرد محدودتری داشته باشند. برای مثال، یکی از همکاران می‌گفت، چند بار که از پادکست برای بازخورد دادن به دانش‌آموزان استفاده کرده، در زمان کلاس درس بسیار صرفه‌جویی شده است.

به این ترتیب که برخی از اشتباهات رایج دانش‌آموزان در پاسخ‌گویی به سؤالات امتحان و همچنین تکالیف درسی را روی برگه‌های دانش‌آموزان شماره‌گذاری کرده و توضیحات مربوط به هر شماره را از طریق پادکست و با صدای خودش ضبط می‌کند.

فایل صوتی در سایت مدرسه بارگذاری می‌شود و دانش‌آموزان می‌توانند به آن رجوع کنند. این قبیل کاربردها ممکن است به طور مستقیم در بهبود یادگیری دانش‌آموزان تأثیر نداشته باشند، اما معلم با استفاده از زمانی که صرفه‌جویی می‌کند، می‌تواند کیفیت یادگیری را بهبود بخشد. به علاوه، دانش‌آموزان با کاربرد فناوری نیز آشنا می‌شوند. در واقع، معلم باید هنگام طراحی درس اولاً بررسی کند به چه فناوری‌هایی دسترسی دارد و سپس به این موضوع بیندیشد که برای



برخی نکات که نیاز به توضیح دارد را معلم با شماره و با علامت مشخص می‌کند و توضیح آن را از طریق پادکست می‌دهد.

تبیین مدیریت یادگیری در نظام‌های نوین رایانه‌ای



اشاره

نظام مدیریت یادگیری^۱ (LMS) رویکردی از کاربرد رایانه‌ها در آموزش و پرورش است با مفاهیمی مهم و پیچیده که هنوز کاملاً شناخته نشده‌اند و بسیاری از مردم هنوز تلقی درستی از آن مفاهیم ندارند. واتسون و واتسون، (۲۰۰۷)، سعی کرده‌اند ضمن ارائه تاریخچه‌ای از شکل‌گیری این رویکرد، با بسط تعریفی از آن، ویژگی‌های خاص آن را نسبت به اصطلاحات مشابه بنمایانند و کاربردهای کارآمد LMS در آموزش و یادگیری را تشریح کنند. از آن‌جا که این رویکرد در نظام آموزش و یادگیری کشور ما نیز تقریباً ناشناخته است، بر آن شدیم با انعکاس آن نظرها برای آشنایی معلمان با نظام‌های مدیریت یادگیری که در حال حاضر در حوزه آموزش و یادگیری در دنیا مطرح است، گامی کوچک برداریم.

کلیدواژه‌ها: نظام مدیریت یادگیری، تکنولوژی آموزشی، نظام مدیریت موضوع درسی، نظام مدیریت محتوای یادگیری

تاریخچه ظهور رویکرد LMS

کاربرد رایانه در آموزش ابتدا با اصطلاح «آموزش رایانه - محور»^۲ در صحنه آموزش و پرورش برای خود جا باز کرد و بعدها اصطلاحات «آموزش تحت حمایت رایانه»^۳ و «یادگیری تحت حمایت رایانه»^۴ جای آن را گرفت؛ اصطلاحاتی که در کل بیانگر اجرای برنامه‌های تمرینی آموزشی با کمک رایانه بودند و بیشتر در آموزش‌های انفرادی به کار

گرفته می‌شدند.

کاربرد رایانه در آموزش سپس صورت تلفیق به خود گرفت؛ یعنی عملکردی فراتر از اجرای محتوای آموزش را بر عهده گرفت و سعی داشت به نوعی مدیریت آموزش و یادگیری را با متن و محتوا تلفیق کند. به این ترتیب، اصطلاح «نظام یادگیری تلفیقی»^۵ را از آن خود کرد. نظام مدیریت یادگیری (LMS)، نظام‌هایی را ارائه می‌کند

که دربرگیرنده چگونگی کاربردهای آموزش رایانه‌ای در همه ابعاد و جنبه‌های متفاوت کل فرایند یادگیری‌اند. تکنولوژی آموزشی مجموعه تمهیدات لازم برای تحقق هدف‌های یادگیری را طراحی و اجرا و در واقع مدیریت می‌کند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت مدیریت یادگیری با نظام نوین رایانه‌ای، به نوعی به‌کارگیری آموزه‌های تکنولوژی آموزشی است.

مدیریت یادگیری با نظام نوین رایانه‌ای، به نوعی به کارگیری آموزه‌های تکنولوژی آموزشی است

موضوعی درس‌های برخط، اصطلاح LMS به طور نابه‌جا به کار گرفته شده است. توجه به همین تفاوت در نظام‌های مرتبط با مدیریت محتوای یادگیری (LCMS) نیز مورد تأکید است. در واقع، این نظام یکی از مؤلفه‌های نظام مدیریت یادگیری و بخشی از آن است و فقط مسائل و موارد مدیریت محتوای آموزش را شامل می‌شود. بدیهی است نظام مدیریت یادگیری (LMS) در برگیرنده مدیریت محتوای یادگیری نیز می‌شود.

جمع‌بندی

مدیریت یادگیری در نظام نوین رایانه‌ای با اتکا بر کاربری‌های بی‌شمار رایانه، از کلیه تمهیدات تکنولوژی آموزشی در کل فرایند یادگیری بهره می‌گیرد تا یادگیری بر مبنای هدف‌های آموزشی و پرورشی مورد نظر به بهترین وجه ممکن اتفاق بیفتد. این مدیریت فرایندی طولانی دارد که از نقطه شروع تلاش برای تحقق یادگیری آغاز می‌شود و تا نقطه پایان کسب توانمندی پیش‌بینی شده ادامه می‌یابد. نکته قابل تأکید در این نظام ارتباط و انسجام مطلوب همه مؤلفه‌های مرتبط با یادگیری تحت مدیریتی برنامه‌ریزی شده و رصد و مراقبت صحت اجرای آن برنامه با استفاده از تمهیدات تکنولوژی آموزشی است.

* پی‌نوشت‌ها

1. Learning Management System
2. CBI, Computer - Based Instruction
3. CAI, Computer Assisted, Instruction
4. CAL, Computer Assisted, Learning
5. ILS, Integrated Learning System
6. Bailey
7. acronym
8. Course Management System
9. Learning Content Management System

* منابع

1. Watson, William. R. & Watson, Sunniel. An Argument for clarity: what are Learning Management Systems,... 2007, Techtrends. March. April, volume, 51 No. 2.

دانش‌آموز و میزان پیشرفت فردی او ارائه می‌شود.

آنچه LMS نیست

واتسون و واتسون می‌گویند، از آنجا که اصطلاحات آموزشی برای سهولت بیان به صورت حروف مخفف^۷ ذکر می‌شوند، اغلب اوقات اسنادهای یکسان برای اصطلاحات متفاوت ما را در فهم درست هر اصطلاح دچار سردرگمی می‌کنند. در ارتباط با فهم درست رویکرد LMS، باید آن را از اصطلاحات «CMS» (نظام مدیریت موضوع درسی)^۸ و «LCMS» (نظام مدیریت محتوای یادگیری)^۹ جدا کنیم. نظام مدیریت موضوع درسی در واقع درباره یادگیری‌های برخط و تلفیقی کاربرد پیدا می‌کند و چگونگی تأمین و حمایت از مواد آموزشی به صورت برخط، نوع ارتباط و تعامل یادگیرنده با آن محتوا و مواد، تعامل و ارتباط با دیگر یادگیرندگان و با استاد راهنمای آن موضوع و ارزیابی پیشرفت تحصیلی وی را پوشش می‌دهد.

نظام مدیریت موضوع درسی

CMS مواد و چارچوبی را در اختیار معلم و ارائه‌کننده درس برخط می‌گذارد که او بتواند به آسانی محتوای آموزش مورد نظر را تهیه و ارائه کند و با کاربران یادگیرنده ارتباط و تعامل مناسب داشته باشد. همچنین بتواند تعامل خوبی میان یادگیرنده‌ها به وجود آورد. به عبارت دیگر، چارچوب یا ساختاری که با بهره‌گیری از آن بتواند درسی را به طریقی مناسب و کارآمد ارائه و هدف‌های مورد نظر را پی‌گیری کند.

از آنجا که LMS نیز نظامی است که علاوه بر پوشش مؤلفه‌های متعدد دیگر، که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد، این موارد را نیز شامل می‌شود، در بسیاری از اوقات دو اصطلاح درهم می‌پیچد و فهم درست ما را از هر یک دچار مشکل می‌کند. لذا پیوسته باید مراقب بود که در تعریف LMS و تحلیل و تأمین مؤلفه‌های آن، تفاوت آن با CMS را در نظر آوریم و آن را در حد تعریف CMS تضعیف نکنیم. واتسون و واتسون می‌گویند، دیده شده که در بسیاری از پروژه‌های ارائه

نظام مدیریت یادگیری (LMS)

در این بخش ابتدا گفته می‌شود که نظام مدیریت یادگیری چه هست و بعد تشریح می‌شود آن نظام چه نیست.

آنچه LMS هست

نظام مدیریت یادگیری (LMS) شالوده یا زیربنایی است که:
۱. ساختار یا چارچوب ارائه و رهبری و مدیریت اجرای محتوای آموزش براساس برنامه درسی را شکل می‌دهد؛
۲. هدف‌های آموزش‌های فردی و جمعی را پی می‌گیرد؛
۳. راه و روش‌های تحقق هدف را در نظر می‌آورد؛
۴. داده‌های لازم برای اجرا، هدایت و نظارت آموزش و یادگیری را فراهم می‌کند؛
۵. شاخص‌های ارزیابی مؤلفه‌ها و سنجش میزان تحقق هدف‌ها را به دست می‌دهد. در عبارتی کلی، مدیریت یادگیری در نظام نوین، فقط به ارائه محتوا و اجرای ساده برنامه درسی اکتفا نمی‌کند، بلکه تمام مؤلفه‌های مرتبط با یادگیری از جمله توانمندی یادگیرنده‌ها، پیش‌نیازهای یادگیری، انگیزه و رغبت دانش‌اندوزی، سبک‌های یادگیری و ابزارهای مورد نیاز را در ارتباط با هم مورد توجه قرار می‌دهد و برای تأمین اثربخشی هر یک از آن‌ها در فرایند یاددهی - یادگیری برنامه و طرحی در نظر می‌گیرد.

بیلی^۶ (نقل از واتسون و واتسون، ۲۰۰۷)، ویژگی‌های کلی زیر را برای LMS برمی‌شمرد:

۱. هدف‌های آموزش و یادگیری در هر یک از درس‌ها و در همه موضوعات درسی پنهان هستند؛
۲. همه درس‌ها در محتوای آموزش از استانداردهای برنامه درسی تبعیت می‌کنند؛
۳. توالی طولی هدف‌ها در پایه‌های مراتبی تحصیلی در نظر گرفته و رعایت می‌شوند؛
۴. پیشرفت تحصیلی هر دانش‌آموز براساس فرایندی مستمر از ارزشیابی نظام‌مند رصد می‌شود؛
۵. آموزش و یادگیری بر مبنای توانمندی

رشد حرفه‌ای معلم از طریق همیاری در یادگیری

اشاره

دانش‌آموزان بسیاری از دانش، آگاهی و مهارت‌ها را از یکدیگر یاد می‌گیرند. برنامه‌ریزی و همکاری با هم، نه تنها از نظر رشد اجتماعی به آن‌ها کمک می‌کند، بلکه از جنبه رشد شناختی نیز رشد و شکوفایی آن‌ها را سبب می‌شود. اصولاً پذیرش فرد از جانب دیگران و رشد خودباوری عامل مهمی است که امید به زندگی و نگرش مثبت به با هم بودن را تقویت می‌کند.

همکاری و تشریک مساعی در گروه، دانش‌آموزان را تشویق می‌کند به نظرها و آرای افراد دیگر گوش فرا دهند، در مورد مسائل و موضوعات گوناگون با یکدیگر بحث کنند، یاد بگیرند درباره پدیده‌های اطراف خود قضاوت کنند و سرانجام مسئولیتی را به عهده بگیرند. لذا یادگیری مبتنی بر تشریک مساعی یکی از راهبردهای آموزشی است که می‌تواند به تحقق تغییرات مذکور در یادگیرنده کمک کند؛ علاوه بر این، قادر است از ما معلمی بهتر و حرفه‌ای بسازد. در این مقاله، به رشد حرفه‌ای معلمان از طریق شرکت در برنامه‌های علمی - آموزشی و کاربرد آموخته‌هایشان در کلاس درس پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: رشد حرفه‌ای، یادگیری، تدریس، تشریک مساعی، روش‌های تدریس، یادگیری بهتر

مقدمه

اجازه بدهید با تفهیم این نکته که آیا واقعاً درک ما از دانش‌آموزانمان درست است، شروع کنیم. حتماً شنیده یا گفته‌اید: دانش‌آموزان امروزی با دانش‌آموز زمان ما تفاوت دارند. بله، این واقعیت است. آن‌ها با ما تفاوت دارند. بچه‌های امروزی در دنیایی رشد کرده‌اند که در گذشته برای ما افسانه‌ای بیش نبود. به نظر می‌رسد، امروزه جهش تکنولوژیکی به سمت بهبود تغییرات اجتماعی و تعاملات اجتماعی، نسبت به چند دهه پیش تفاوت چشمگیری دارد. دنیای امروز نمونه‌ای از دنیای شادی‌بخش یا سرشار از لذت است. ما

تفکر نمی‌کنیم، چون گوگل داریم. صحبت نمی‌کنیم، فقط می‌نویسیم. ما حتی نمی‌توانیم پدیده صبحی را تصور کنیم، چون به راحتی می‌توانیم به انواع بی‌شماری از تصاویر متحرک در این باره دسترسی داشته باشیم. این‌ها زمانی برجسته می‌شوند که به عنوان آموزش دهنده دچار سردرگمی و ناباوری می‌شویم، زیرا دانش‌آموزان به روشی که ما انتظار داریم رفتار نمی‌کنند. در این شرایط، از تفاوت رفتار آن‌ها با رفتاری که ما در دوران دانش‌آموزی خود داشتیم، شگفت‌زده می‌شویم. با این حال، باید دانش‌آموزانمان را برای دنیایی در حال تغییر آماده کنیم. اما در همین زمان نیز

باید مهارت‌های مورد نیازشان، مانند ارتباطات، تشریک مساعی و کار گروهی را به آن‌ها آموزش دهیم و آن‌ها را در این زمینه‌ها توانا سازیم. این نقطه همان جایی است که می‌تواند با به‌کارگیری یادگیری مبتنی بر تشریک مساعی، تدریس شما را تغییر دهد.

شرح ماجرا

چند سال پیش مدیرم به من اطلاع داد می‌خواهد مرا به کنفرانسی درباره یادگیری مبتنی بر تشریک مساعی اعزام کند. من از شنیدن این موضوع و فکر گذراندن چند روز در آن کنفرانس بسیار خشنود شدم، زیرا در آنجا می‌توانستم با تعدادی از همکارانم گفت‌وگو کنم، اما از اینکه باید در کاری گروهی شرکت کنم، ناراحت شدم. بسیاری از ما تجربه کار گروهی و یافتن شخصی که کار همه را انجام می‌دهد، یا احتمالاً شرکت در گروهی که وظیفه هر یک از اعضایش مشخص است، اما وزن کارهای همه اعضا برابر نیست را داریم. برای مثال، شما همه پژوهش و پیش‌نویس گزارش آن را تهیه کنید و دیگران فقط وقت بگذرانند. این کار منصفانه نیست و نمی‌توان از آن به عنوان یادگیری مبتنی بر تشریک مساعی و کار گروهی نام برد.

یادگیری مبتنی بر تشریک مساعی اثربخش به مقدمات ساده‌ای نیاز دارد. دکتر اسپنسر کیگان^۲ پژوهشی مفصل انجام داد برای دفاع از عقیده‌اش، مبتنی بر اینکه یادگیری مبتنی بر تشریک مساعی واقعی باید از اصولی مانند اتکای مثبت، مسئولیت‌پذیری فردی، مشارکت برابر، و تعامل هم‌زمان برخوردار باشد.

اتکای مثبت به این معناست که موفقیت من در گروه موفقیت دیگران است. اغلب ما داخل این تله، یعنی اتکای منفی، می‌افتیم. یعنی تله‌ای که در آن یک موفقیت بر پایه شکست دیگران شکل می‌گیرد یا حداقل به نبود موفقیت آنان مربوط می‌شود. اما یادگیری گروهی یک مهارت زندگی است و ما باید فرصت‌هایی را خلق کنیم که دانش‌آموزان برای کار گروهی آماده شوند. سابقه نشان داده است، ضعف یک دانش‌آموز پشت کار دیگران پنهان

یادگیری مبتنی بر تشریک مساعی، زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان بدانند برای آنان ارزش و اهمیت قائل هستیم

را هم‌زمان با دانش‌آموزان در سطوح بالای تفکر داشته باشیم؟

دکتر پاولا کلوتر^۲ اثبات کرد، «زمانی که معلمی از رویکردهای یادگیری مبتنی بر تشریک مساعی استفاده می‌کند و برای هر دانش‌آموز تکلیف یا وظیفه‌ای (به عنوان عضوی از گروه) تعیین می‌کند، در واقع، آموزش متفاوتی ارائه کرده است.»

لذا واقعاً در این صورت کلاس درس چگونه به نظر می‌رسد؟ من نمی‌توانم از همه راهبردهای گوناگونی که در اختیار دارم، هم‌زمان استفاده کنم. صادقانه بگویم، من نمی‌توانم به دیگران توصیه کنم از تمامی راهبردها استفاده کنند. بنابراین، درباره دو مورد از راهبردهایی که روزانه در کلاس درس استفاده می‌کنم به طور خلاصه توضیح می‌دهم. اول از همه، اگر چه شما می‌توانید هر کلاس درسی را به طور مطلوب اداره کنید، با این حال، من دانش‌آموزان کلاس درس را در گروه‌های چهار نفره سازمان‌دهی می‌کنم. اعضای هر گروه از نظر سطح مهارت‌هایشان (بالا، متوسط بالا، متوسط پایین و پایین) با یکدیگر متفاوت و ناهمگون هستند، اما با یکدیگر و شانه به شانه هم (بالا و متوسط بالا - پایین و متوسط پایین) فعالیت می‌کنند.

اگر چه همه راهبردهای آموزشی به وضعیت گروه‌ها وابسته‌اند، اما برخی از آن‌ها بهتر عمل می‌کنند. با این حال، یک فرایند را بر پایه یک راهبرد معین تدریس می‌کنم. در واقع، از آنچه دکتر کیگان به آن «معلمی کردن» می‌گوید استفاده می‌کنم. این راهبرد به یک دانش‌آموز به عنوان مربی نیاز دارد که به دانش‌آموز دیگر به عنوان مربی آموزش می‌دهد. وظیفه‌ای که به دو دانش‌آموز واگذار می‌شود، این است که اولین دانش‌آموز به طور گام به گام مراحل حل مسئله یا انجام تکلیف را به زبان خود برای دانش‌آموز دوم توضیح دهد. در این بین، معلم به طور فعال و آگاهانه فعالیت‌های گروه‌ها



اعضای گروه، گوش دادن فعال باید تأیید شود. فلاسفه از زمان‌های بسیار دور از این راهبرد استفاده می‌کردند؛ و ما نیز از آن در فعالیت‌های آموزشی بهره می‌بریم. به عنوان معلم، دائماً می‌گوییم نیاز داریم روش‌هایی را پیدا کنیم که آموزش‌مان را متفاوت ارائه کنیم؛ با وجود اینکه نیازهای همه دانش‌آموزان را در سطوح گوناگون مشاهده می‌کنیم. این شرایط واقعاً فشارزاست. هنگامی که هر یک از ما معلمان به تنهایی در کلاس درس با ۲۵ تا ۳۰ دانش‌آموز مواجه هستیم، چگونه می‌توانیم به هر دانش‌آموز متناسب با سطح درک و فهمش رسیدگی کنیم؟ و چگونه می‌توانیم این چالش

می‌شود. در بعضی مواقع، ضرر وارد شده به گروه باید به طور طبیعی توسط سایر اعضای گروه جبران شود. نقش هر عضو گروه ریشه در راهبرد کاری اعضای گروه دارد، اما ممکن است نقش یکی از اعضا اثرگذاری بسیاری در فرایند کار گروهی داشته باشد. نهایت اینکه تعامل هم‌زمان اعضای گروه، محیط کاری گروه را شکل می‌دهد. هر دانش‌آموزی، هم‌زمان، در تمامی مدت زمان کار گروهی، با سایر اعضا کار می‌کند. گاهی اوقات دانش‌آموزان به طور فعال به سخنان اعضای گروه خود گوش می‌دهند و این رفتار باید از گوش دادن غیرفعال آنان تشخیص داده شود؛ در واقع، در تعاملات

ایجاد محیط یادگیری بر پایه همکاری، از میزان دشواری ها و مسائل انضباطی کلاس درس می‌کاهد و مدیریت آن را تسهیل می‌کند

را مشاهده و در صورت نیاز اصلاح می‌کند. از موفقیت دانش‌آموز اول (مربی) تشویق و حمایت می‌کند و سپس نقش‌های آن‌ها را عوض می‌کند. همه می‌دانیم که مؤثرترین شیوه یادگیری زمانی است که دانش‌آموزی به دانش‌آموز دیگر آموزش می‌دهد. به این راهبرد باور قلبی دارم و می‌توانم از آن برای آموزش موضوعات گوناگون آموزشی استفاده کرد.

در این شرایط است که مفهومی را از شیبایی می‌کنم یا از طریق طرح سؤال‌های مؤثر، انگیزه دانش‌آموزان را برای ادامه فعالیت بالا می‌برم. در این مرحله، از راهبرد چرخشی استفاده می‌کنم. به این معنا که حالا از دانش‌آموزان می‌خواهم نقش خودشان را عوض کنند. این راهبرد را در مورد هر چهار دانش‌آموز گروه به نوبت اجرا می‌کنم. در واقع، یک دانش‌آموز برای مدت زمان معینی در نقش مربی ظاهر می‌شود و دیگران به عنوان مربی به طور فعال به سخنان او گوش می‌دهند و سؤال‌هایی را درباره موضوع آموزش مطرح می‌کنند. بعد از پایان زمان تعیین شده، حالا نوبت به دانش‌آموز دیگری می‌رسد که آموزش دهد. آن‌ها از این طریق می‌توانند علاوه بر کسب اطلاعات، به ساخت دانش نیز اقدام کنند.

دانش‌آموزان اجازه ندارند صرفاً با گفتن من با نظر تو موافق هستم و یا صحبت شما درست است، تکلیف یادگیرنده فعال بودن را از خود سلب کنند، بلکه از آن‌ها خواسته می‌شود عقایدشان را در گروه به طور مفصل مطرح کرده و برای اعضا توضیح دهند. زمانی که همه اعضای گروه‌ها به درک واحدی از موضوع درسی رسیدند، شما می‌توانید درباره موضوع فعالیت انجام شده، سؤالی را برای کل کلاس مطرح کنید و به طور تصادفی از بین دانش‌آموزان تعدادی را انتخاب کنید و از آن‌ها بخواهید جواب‌هایشان را برای دیگران توضیح

دهند. حتی اجازه دارند در گروه خودشان ابتدا با یکدیگر برای کسب جواب نهایی بحث و گفت‌وگو کنند و نتیجه گفت‌وگوهایشان را به عنوان پاسخ به سؤال مطرح شده به کلاس ارائه کنند تا دیگران از پاسخ آن‌ها مطلع شوند. در تدریس به شیوه سنتی، معلم سؤالی را مطرح می‌کند و امیدوار است یک یا چند دانش‌آموز پاسخ درستی به آن بدهند. اما در شیوه یادگیری مبتنی بر تشریح مساعی، این

اطمینان وجود دارد که اولاً همه دانش‌آموزان برای پیدا کردن جواب سؤال فعال شده‌اند، ثانیاً پاسخ‌های آن‌ها می‌تواند دست‌مایه‌ای برای بحث‌های گروهی و هدایت گفت‌وگوها به سوی کشف پاسخ درست باشد؛ ثالثاً دانش‌آموزان از ابراز نظر (حتی در صورت اطمینان نداشتن به درست بودن پاسخ خودشان) هراسی به دل راه نمی‌دهند و در نهایت اعتماد به نفس آن‌ها افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری

به کارگیری این راهبرد مجدداً این اندیشه را در ذهنم جاری می‌کند که: دانش‌آموزان امروزی، با دانش‌آموزان گذشته بسیار متفاوت هستند. امروزه، افراد جامعه از طریق رد و بدل کردن پست الکترونیکی با یکدیگر تعامل دارند و برای تعاملات کلامی و رودرو، تصدیق کردن و درک زبان بدن وقت کمی صرف می‌کنند. آن‌ها عملاً به نوعی ناخواسته (به دلیل به کارگیری فناوری‌های الکترونیکی)، خودشان را از یادگیری به هنگام مهارت‌های اجتماعی کلامی محروم می‌کنند. ما بزرگسالان نیز غالباً به خودمان می‌گوییم «آن‌ها از ما بهتر هستند». اما واقعیت این است که آن‌ها در پاره‌ای از موارد از ما بهتر هستند. تجربه من نشان می‌دهد، روز به روز مهارت دانش‌آموزان در زمینه‌های مذکور کمتر می‌شود. لذا با استفاده درست از راهبرد یادگیری مبتنی بر تشریح مساعی در کلاس درس می‌توانم با این مشکل مقابله کرد و مدیریت کلاس درس را نیز تسهیل کرد و بهبود بخشید.

در واقع، به کارگیری این راهبرد باعث می‌شود توجه دانش‌آموزان به فعالیت‌های آموزشی و یادگیری بیشتر شود، خودکنترلی‌شان در گروه افزایش یابد، رفتارهای اجتماعی آنان گسترش یابد و یاد بگیرند چگونه در جامعه واقعی (خارج از چارچوب کلاس درس) رفتار کنند.

بعد از اینکه کنفرانس خاتمه یافت، من با درک و فلسفه جدیدی به مدرسه بازگشتم. در واقع، معلم دیگری شده بودم. محیط یادگیری کلاس درس متفاوت شده و اثربخشی‌ام به عنوان معلم افزایش یافته بود. من فهمیدم، به کارگیری این رویکرد نیازمند صرف وقت اضافه‌ای در کلاس درس نیست، بلکه فقط یک راهبرد آموزشی برای تدریس محتوای برنامه درسی است. بعد از گذشت مدتی، به کارگیری این راهبرد برایم راحت‌تر شد؛ راهبردی که برای به کارگیری در کلاس درس بی‌عیب و نقص است. حالا دیگر نمی‌توانستم بدون آن به تدریس ادامه بدهم. این راهبرد از من یک آموزش دهنده ساخته و در من این علاقه را ایجاد کرده بود که مهارت‌های خودم را در این زمینه افزایش دهم. همچنین، سال به سال شاهد پیشرفت چشمگیر دانش‌آموزانم در مواد درسی‌شان باشم. البته به این امر نیز واقف شده‌ام که صرفاً به کارگیری راهبرد یادگیری مبتنی بر تشریح مساعی نمی‌تواند حلال همه مسائل و مشکلات آموزشی و یادگیری در کلاس درس باشد. چون دانش‌آموزان تفاوت‌های فردی بی‌شمار و نیازهای متفاوتی دارند. با این حال، استفاده از این راهبرد آموزشی توانست یادگیری دانش‌آموزان را افزایش دهد، جو روانی - اجتماعی امنی را در کلاس درس به وجود آورد، دانش‌آموزان را در فعالیت‌های یادگیری متنوعی درگیر کند و از من معلمی بهتر بسازد.

* بی‌نوشت‌ها

1. cooperative Learning
2. spencer kagan
3. paula kluth

* منابع

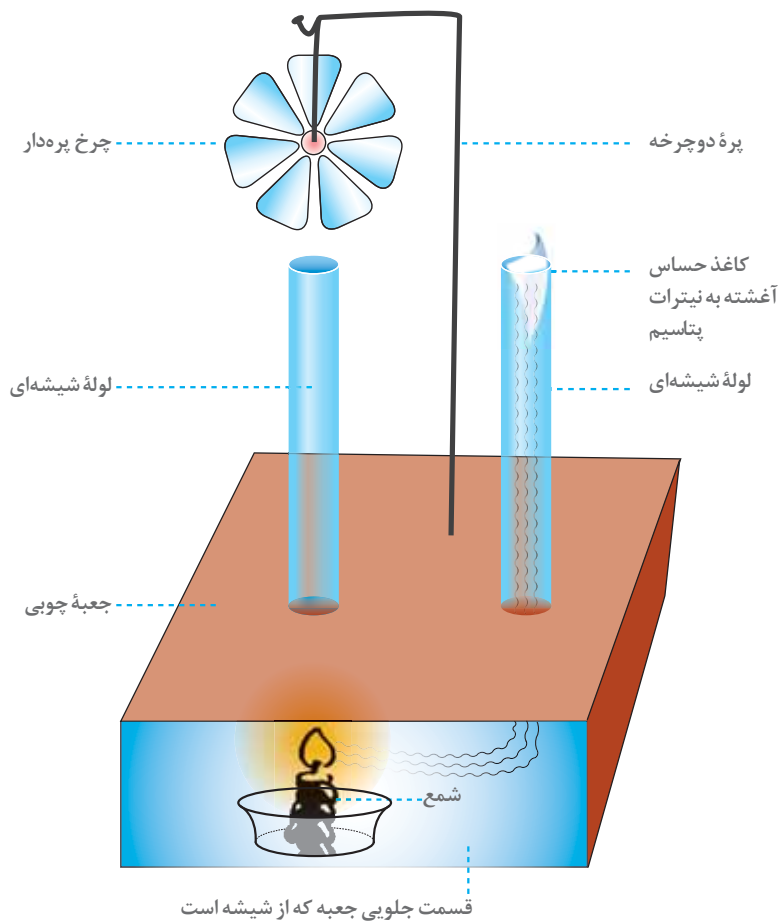
Garrison, Dan.(2017). How cooperative learning made Me a better teacher. Magazine education for today and tomorrow. Retrieved January 19, 2017, from www. teach mag. coReference.

جریان همرفتی یا کنوکسیون

دوره آموزشی: ابتدایی و اول متوسطه

موضوع: فیزیک

هدف: شناخت جریان‌های همرفتی که نوعی انتقال گرما از طریق سیالات (مایع و گاز) است.



موارد مورد نیاز

۱. یک جعبه چوبی که در قسمت جلوی آن شیشه باشد.
۲. دو عدد لوله شیشه‌ای
۳. پرۀ دوچرخه
۴. یک قطعه حلبی سفید که به شکل چرخ پرده‌دار درآورده‌ایم.
۵. یک کاغذ حساس (آغشته به نیترات پتاسیم)
۶. یک عدد شمع

روش ساخت

مطابق شکل لوله‌های شیشه‌ای را روی سوراخ‌هایی که روی جعبه چوبی ایجاد کرده‌ایم قرار می‌دهیم. از بالای یکی از لوله‌ها، پرۀ دوچرخه را روی جعبه فرو می‌بریم و بعد، روی آن، با سیم نازکی چرخ پرده‌دار حلبی را آویزان می‌کنیم؛ درست در بالای دهانه لوله شیشه‌ای. کاغذ حساس آغشته به نیترات پتاسیم را هم در دهانه لوله شیشه‌ای دیگر قرار می‌دهیم. حالا شمع را زیر لوله شیشه‌ای که روی آن چرخ پرده‌دار قرار دارد روشن می‌کنیم. طرح پرسش‌های زیر از جانب معلم برای دانش‌آموزان می‌تواند هدایتگر تأمل و جست‌وجوگری آنان باشد.

آزمایش کنید - بیندیشید - و پاسخ دقیق بدهید

از دانش‌آموزان بپرسید:

۱. با انجام این آزمایش به چه نتایجی رسیدید؟
۲. علت این نتایج مربوط به کدام قوانین علمی است؟ وقتی به داخل جعبه چوبی نگاه می‌کنید، چه چیزی مشاهده می‌کنید؟ چرا؟
۳. آیا مشابه این قانون علمی را در جایی دیده‌اید؟
۴. آیا می‌توان این قانون را با مواردی چون طوفان‌های سهمگین، گردبادها و بادهای آلیزه و کنترل‌ریزه نواحی ساحلی تطبیق داد؟ آیا حرکت گلابدرها در هوا به مدت طولانی می‌تواند ارتباطی با این موضوع داشته باشد؟ آیا می‌توانید برای بهتر شدن و آسان‌تر شدن کارها در آینده جوامع بشری، با استفاده از این قانون فیزیکی چیزی خلق کنید؟



در گفت‌وگو با «ما اور سیوپا تینوا سودو»
 قصه‌گوی کلمبیایی مطرح شد:

قصه‌گویی

تکنولوژی تدریس مانند گار است

اشاره

جهان امروز دنیای ابزارهای نوین ارتباطی است. به گذشته نمی‌توان بازگشت، اما می‌توان هنرمندانه عناصر کودکانه را با آن مخلوط کرد تا یادگیری آموزنده و شیرین باشد.

قصه‌گویی هنری است به قدمت انسان. در دنیای پیشرفته امروز، کسانی هستند که از این هنر در مسیر آموزش استفاده می‌کنند و آموختن را برای مخاطبان تسهیل می‌کنند و ماندگار می‌سازند.

«ما اور سیوپا تینوا سودو» اهل کشور کلمبیا و تحصیل کرده رشته ارتباطات رسانه‌ای است؛ قصه‌گویی بین‌المللی که برای اولین بار در بخش بین‌الملل نوزدهمین جشنواره قصه‌گویی ایران شرکت و با قصه «درس عمو پسکوال من» توجه بسیاری را به خود جلب کرد. او از این هنر به خوبی در مسیر آموزش بهره برده است و قصه‌گویی را نوعی از تکنولوژی آموزشی می‌داند. «اسودو» پانزده سال در این کار تجربه دارد و عده بسیاری را نیز در این راه تعلیم داده است. صدا، لحن، زبان بدن، موسیقی و نوع اجرا، از جمله نکاتی هستند که در قصه‌گویی او به چشم می‌آیند و از کودکان ابتدایی تا کارشناسان بانک در زمره مخاطبان او هستند.

با او به گفت‌وگو نشستیم تا درباره بخشی از تجربه‌های مرتبط با قصه‌گویی این هنرمند کلمبیایی که به تکنولوژی آموزشی مرتبط است، بیشتر بدانیم. این مصاحبه به زبان اسپانیایی انجام شد و سیدامیرعباس موسوی گفت‌وگو را به‌طور هم‌زمان برای ما ترجمه کرد.

■ قصه‌گویی از نگاه شما چه تعریفی دارد؟

● هنر قصه‌گویی پاسخی به محرک درونی انسان است. گاهی انسان حرف و پیامی درون خود دارد که مشتاق است آن را به دیگران منتقل کند. قصه‌گویی ابزاری برای عرضه پیام انسان به دیگری است.

■ شما از تبادلات رسانه‌ای خوانده‌اید، اما مشتاق قصه‌گویی هستید. میان این دو چگونه می‌توان رابطه برقرار کرد؟

● انسان در جست‌وجوی خلاءهای وجودی خویش است تا برای آن‌ها جوابی پیدا کند. خیلی اتفاقی با داستان آشنا شدم و احساس کردم از این طریق می‌توانم خودم را بهتر بشناسم و در خدمت جامعه باشم.

■ بین تکنولوژی آموزشی و قصه‌گویی چه طور می‌توان ارتباط برقرار کرد و در واقع، از آن به عنوان ابزاری در مسیر تسهیل تدریس و آموزش بهتر به دانش‌آموزان بهره گرفت؟

● قصه زمانی به عنوان ابزاری آموزشی اثرگذار است که مخاطب با تمام وجودش

عنصر جذابیت را در قصه‌گویی رعایت کنیم تا مخاطب احساس کند این قصه ارزش شنیدن دارد

ساده مطرح کرد. به نظر شما، کدام‌یک برای دانش‌آموز جذاب‌تر است؟

او به ظاهر جذب داستان می‌شود، اما در باطن از آموخته‌های درسی خود دنبال راه‌حل برای پاسخ به سؤال خواهد بود. ما در این نوع روش آموزشی به دو متخصص، یکی قصه‌گو و دیگری فیزیک‌دان، نیاز داریم.

■ **شما در صحبت‌هایتان به ابهام در قصه‌گویی و آموزش اشاره کردید. چه عنصری را به عنوان ابهام در قصه و آموزش انتخاب و مطرح می‌کنید؟ وجود ابهام در قصه چه تأثیری در آموزش دارد؟**

■ اجازه بدهید به موضوع بانک برگردیم. یکی از اهداف ما این بود که به مخاطب القا کنیم کارهای بانکی خسته‌کننده و پیچیده نیستند. در داستان بانک هیچ اسمی از بانک، شعبه، صندوق و اصطلاحات آن زده نشد. بلکه در مورد خانواده‌ای بزرگ صحبت کردیم؛ خانواده‌ای که در روستای محل سکونت خود دیگر به دلیل پر بودن جمعیت، جایی برای زندگی نداشتند و باید نقل مکان می‌کردند. در این میان، ناچار به مشورت با هم می‌شوند تا بتوانند این جابه‌جایی و سکونت دوباره را به سرانجام برسانند. قصه که تمام شد، کارشناس و متخصص بانک به میان جمع آمد و با هر مثال از قصه، اهداف خود را با حاضران در میان گذاشت. این پیام خیلی خوب به مخاطب انتقال یافت، زیرا ما از طریق قلب وارد شدیم و معیارمان برای ورود مباحث عقلی نبود.

■ **فکر می‌کنید قصه‌گویی به عنوان نوعی تکنولوژی و ابزار آموزشی از چنان توانی برخوردار است که در تمام مباحث درسی و آموزشی کاربرد داشته باشد؟**

■ بله. در تمام مباحث علمی که ذهن در آن درگیر است، می‌توانیم از قصه به عنوان ابزار رساندن پیام آموزشی استفاده کنیم. حتی معتقدم، برای آموزش مفاهیم خارج

ایجاد کردیم. در واقع، هدف اصلی را به صورت مستقیم مطرح نکردیم. هدف بانک را در زندگی ظاهری مردم جست‌وجو کردیم و داستانی نوشتیم که شباهت بسیاری به ماجراهای زندگی افراد در جامعه داشت، بی‌آنکه حرفی از بانک در آن بزنیم. شخصیت‌ها و مکان‌های مورد نظر را در قالب داستان مطرح کردیم؛ طوری که آن‌ها برای مخاطبان آشنا بودند. در واقع، از طریق این داستان و قصه به درون افراد نفوذ کردیم، بی‌آنکه آنان از اهداف اولیه دوره آموزش بانک مطلع باشند. ابتدا از طریق قصه نظر آنان را جلب کردیم و هنگامی که آنان به ما توجه نشان دادند، آرام‌آرام اهداف آموزشی را به شکل داستان تشریح کردیم.

■ **وقتی مخاطب شما با قصه ارتباط برقرار می‌کند، آن وقت چه اتفاقی می‌افتاد؟**

■ هنگامی که افراد با قصه ارتباط می‌گرفتند و پیام را به طور کامل درک می‌کردند، به سراغ موضوع اصلی می‌رفتیم و آن را مطرح می‌ساختیم. بدین معنا که اگر قرار باشد در حوزه کار بانک به نتیجه برسیم، باید چه کار کرد؟

اینجا بود که مخاطب به خاطر شباهت داستان با هدف بانک، خودش راه‌حل را بیان می‌کرد و مسیر حرکت برایش مشخص بود.

■ **لطفاً از روش قصه‌گویی برای انتقال پیام به مخاطب یک مثال بزنید.**

■ فرض کنید شخصی به شهر دیگری می‌رود و در هتل اقامت می‌کند. خیلی اتفاقی متوجه می‌شود دوست دوران مدرسه‌اش در ساختمان روبه‌روی و در همان طبقه مثلاً چهارم سکونت دارد. او تصمیم می‌گیرد، هدیه‌ای از طریق پنجره برای دوستش در آن سوی کوچه بفرستد. در حین کار، ناگهان هدیه از دستش می‌افتد. در حالی که فرد وزن هدیه را می‌داند، حالا باید با چه سرعتی به سمت پایین حرکت کند تا قبل از برخورد هدیه، بتواند آن را سالم بگیرد؟ این یک داستان است، اما داخل آن یک مبحث فیزیکی مطرح شده است. همین نکته فیزیکی را هم می‌توان

شنونده باشد و معلم، مربی یا قصه‌گو با تمام احساس و حس درونی خود در صد انتقال پیام به شکل قصه باشد. اگر این دو هم‌زمان اتفاق بیفتند، به نتیجه مطلوب می‌رسیم. قصه در ذات خویش این قدرت را دارد که به عنوان یک تکنولوژی، آن هم در دنیای امروز که موبایل و تبلت بچه‌های ما را احاطه کرده است، در حوزه آموزش همچنان معنادار باشد.

■ **آیا شما تاکنون از قصه به عنوان ابزاری آموزشی بهره گرفته‌اید؟**

■ بله، اما شاید روش‌های ما کمی متفاوت باشد. روشی به ظاهر متداول که همه از آن استفاده می‌کنند، قصه‌گویی برای بچه‌هاست که من بارها تجربه کرده‌ام. اما من از این ابزار به عنوان تکنولوژی آموزشی در کار دیگری هم بهره برده‌ام. اجازه بدهید مثالی بزنم. یکی از بانک‌های کشور کلمبیا قرار بود سلسله آموزش‌هایی را به کارکنان خود بدهد. از ما دعوت شد این برنامه را در قالب قصه‌گویی اجرا کنیم. من برای انجام این آموزش داستانی طراحی کردم که در آن یک ابهام وجود داشت و این ابهام همانا نقطه اوج کار و هدف آموزش ما بود. در اجرای برنامه‌ها به جای آنکه هدف دوره آموزشی را مستقیم‌گویی کنیم، براساس برنامه بانک، داستانی طراحی کردیم و نقطه اوج آموزش را به صورت ابهام و معما درون آن قرار دادیم تا مخاطبان خود به کشف آن در قالب داستان بپردازند.

■ **آیا با این روش بانک به هدف مورد نظرش رسید؟**

■ بله. ما چند سال بعد برای ارزیابی کار خودمان به تحقیق در این باره پرداختیم و افراد را ارزیابی کردیم. جالب بود که این افراد برای دیگران هم این قصه را نقل کرده بودند و خیلی ظریف و دقیق، اهداف بانک در سطح مردم جامعه فراگیر شده بود.

■ **در واقع بانک از این طریق به فرهنگ‌سازی در سطح جامعه نیز پرداخت؟**

■ بله. دقیقاً همین‌طور است.

■ **روش کار چه‌طور بود؟**
■ در گام اول یک ابهام در ذهن مخاطبان

از دنیای فیزیکی هم می‌توان از قصه کمک گرفت. انسان این قابلیت را دارد که برای هر چیزی در زندگی خود موارد مشابهی پیدا کند و از آن برای تفهیم موضوع بهره بگیرد. لذا به همین دلیل قصه هم این قدرت و قابلیت را دارد.

فرض کنید معلمی بخواهد از قصه‌گویی به عنوان تکنولوژی آموزشی در مسیر آموزش خود استفاده کند. رسیدن به این نقطه مراحل دارد. این مسیر را چگونه باید طی کرد؟

● قصه‌گویی نوعی هنر، توانایی و قابلیت است. همان‌طور که هر کسی نمی‌تواند فیزیک یا شیمی تدریس کند، معلم هم ابتدا باید هنر قصه‌گویی را بداند. باید کلام، لحن، بیان و زبان بدن را بیاموزد تا بتواند از این توانایی‌ها و قابلیت‌ها برای انتقال مفهیم به مخاطب استفاده کند. گاهی لازم است قصه‌گو از موسیقی در حین کار استفاده کند. برای مثال، براساس فرهنگ شما در ایران، دو تار، تنبک یا نی بزند و یا در فرهنگ ما از گیتار بهره ببرد. آشنایی با این ابزارها در حد استفاده اولیه لازم است. نیازی نیست دوتار نواز چیره دست باشد. اما اگر بداند

بهرتر می‌تواند در آموزش از آن استفاده کند. **معلم چه زمانی می‌تواند از قصه‌گویی به عنوان تکنولوژی آموزشی برای تفهیم بهتر موضوع در کلاس استفاده کند؟ چگونه می‌توان تشخیص داد که کجا و برای چه موضوعی باید از این ابزار کمک گرفت؟**

● در تدریس، ابتدا و انتهای آن همواره اهمیت دارد. اگر قرار است معلم درس ساده‌ای را تدریس کند، بهتر آن است که قصه را در ابتدا برای شاگردانش مطرح کند. اما اگر قرار است موضوع دشواری را تدریس کند، ابتدا باید نکات کلیدی درس را با آنان در میان بگذارد تا شاگردان با نکات کلیدی آشنایی اولیه‌ای پیدا کنند، سپس موضوع را در قالب قصه ارائه دهد.

هر دانش و هنری صاحب یک قدرت و توانایی است که بهره بردن از آن، انسان را به اهدافی می‌رساند. از نگاه شما، قصه‌گویی چه توانایی و قابلیت‌هایی دارد؟

● قصه جذابیت خاصی دارد. معلم یا مربی نباید مخاطب خود را در این زمینه شرطی کند. یعنی این احساس در او ایجاد نشود که پشت

هر قصه‌ای تدریس و آموزش نهفته است. نباید کاری کرد که لذت قصه‌گویی با تکرار مستمر در نزد مخاطب از بین برود. باید قصه‌گویی را با زمان و مکان مدیریت کرد. بدین ترتیب که مثلاً اگر قصه‌گویی در کلاس درس برگزار می‌شود، مخاطب بداند که پشت آن یک مبحث آموزشی نهفته است، اما اگر در تالار اجتماعات مدرسه قصه‌گویی می‌شود، هدف ایجاد نشاط و شادی در بین بچه‌هاست. ما باید از توان قصه در جای مناسب خودش بهره ببریم تا به اهداف آموزشی، تربیتی و سرگرمی مورد نظر نائل شویم.

البته اگر معلم آن قدر در خلق داستان در حین تدریس مهارت داشته باشد، باید به او دست مریزاد گفت. یادمان باشد که عنصر جذابیت را در قصه رعایت کنیم تا مخاطب احساس کند آنقدر ارزش دارد که برای شنیدن آن وقت بگذارد.

امروز، آموزش امری یکطرفه نیست. مشارکت دادن مخاطب در این مهم، نقش قابل توجهی در درک بهتر مفاهیم دارد. آیا این مشارکت دادن در قصه‌گویی آموزشی هم هست؟ چگونه؟

● این موضوع به توانایی معلم در حین قصه‌گویی بستگی دارد. فرض کنید در ماجرای آن دو دوست، ساختمان و افتادن بسته، می‌توان از بچه‌ها کمک گرفت. برای مثال پرسید، اگر این شخص در فلان طبقه ساختمان باشد، چه اتفاقی خواهد افتاد. مشارکت دادن مخاطب در قصه‌گویی، خلاقیت را در ذهن او گسترش می‌دهد. این پرورش خلاقیت برای معلم قصه‌گو خیلی مهم است، زیرا شاگرد باید با قوانین فیزیک آشنا باشد تا بتواند داستان را طوری خلق کند که از عهده جواب آن برآید. این طوری مشخص می‌شود شاگرد مفهوم درس را درک کرده است یا خیر.

قصه‌گویی انواع گوناگون دارد. گاه قصه‌گو روی صندلی می‌نشیند و قصه می‌گوید و گاه از ابزارها و امکاناتی هم استفاده می‌کند. معلم از کجا بداند که در کدام موقعیت و موضوع از چه روشی استفاده کند، نتیجه بهتر می‌گیرد؟

مشارکت دادن مخاطب در قصه‌گویی خلاقیت را در ذهن او گسترش می‌دهد





اگر بعد از هر ۲۰ دقیقه تدریس یک شوخی یا حرف خنده‌دار در کلاس مطرح کنم و بچه‌ها شاد بشوند، گیرایی آنان بالاتر می‌رود

■ کلام آخر

● انسان موفق همچون کوه یخ درون اقیانوس است. شما همیشه اندکی از وجود او را که بیرون از آب قرار دارد نظاره می‌کنید، حال آنکه بخش عظیمی از این کوه که شامل علم، دانش، تجربه، ممارست، مهارت و موارد دیگر است، در زیر آب پنهان است. عشق به کاری که انجام می‌دهید، شما را به موفقیت می‌رساند. من قصه را با تمام وجود تعریف می‌کنم و به همین دلیل مخاطب هم با تمام وجود و احساس آن را درک می‌کند. هر کاری سبک خاص خود را دارد. من با این سبک موفق هستم و شاید شما با سبک دیگری موفق باشید. استفاده از سبک‌ها و متدها در آموزش، خود نوعی تکنولوژی آموزشی است. برای مثال، من به این نتیجه رسیده‌ام که اگر بعد از هر ۲۰ دقیقه تدریس یک شوخی یا حرف خنده‌دار در کلاس مطرح کنم و بچه‌ها شاد بشوند، گیرایی آنان بالاتر می‌رود. اما اگر دیگری همین کار را انجام بدهد، کلاس درس او به هم می‌ریزد. دقت در یافتن این متدها مهم است. معلمی که از قصه‌گویی استفاده می‌کند، باید روی صدای خودش کار کند. حنجره هم قبل از داستان‌گویی باید گرم شود. باید تمرین کند و بداند کجا صدا را بالا برد، کجا صدا را نازک کند و امثال این. این تمرین‌ها را باید جدی گرفت. معلم باید بداند کلامش روی دیگران اثر می‌گذارد. فردای کشور را کلام امروز من می‌سازد. من صبح‌ها به این عشق از خواب بیدار می‌شوم که می‌دانم قرار است نسل آینده را تربیت کنم و روی آنان اثر بگذارم.

بهرتر درک کنند و یا اصلاً آن را دریافت نکنند. از پرسش و پاسخ‌های بعد از کلاس تاحدی می‌توان به درست عمل کردن در این زمینه پی برد. معلم در حین تدریس با روش قصه‌گویی باید بازخورد کارش در کلاس را یادداشت کند. مثلاً هر بار من با قصه تدریس می‌کنم، بچه‌ها شادتر هستند و اثر آن در خانواده‌های آنان هم به مدرسه رسیده است. این ارزشیابی باید به طور مستمر صورت بگیرد.

همچنین، گاهی لازم است معلم قصه‌گو در جمع دیگر همکارانش کنفرانس بدهد و دیگران از او درباره دستاوردهای کارش سؤال کنند. در این بین هم نکات ارزشمندی آشکار می‌شوند.

■ معلم زمانی احساس موفقیت می‌کند

که بیشترین اثر را روی مخاطبان خود بگذارد. شما از چه روشی استفاده می‌کنید که در قصه‌گویی آموزشی بیشترین اثر را روی مخاطبان بگذارید؟

● من خودم همیشه به آن صحنه و موقعیتی که در آن کار می‌کنم احترام می‌گذارم. معلم باید از قبل تمرین کند و با آمادگی کامل وارد صحنه یا کلاس درس بشود. در حین اجرا نیز ضمن تسلط به کارم، به یکایک مخاطبان توجه کامل دارم. دقت دارم مخاطبان من کجا و به چه دلیل خندیدند. در کدام قسمت از برنامه تمام حواس آنان متوجه من بود و در چه زمانی و چرا نسبت به داستان توجه نشان ندادند. این‌ها را ارزیابی و کارشناسی می‌کنم.

● هر قدر مخاطب کم‌سن باشد، بهتر است از موسیقی بیشتر استفاده کنیم. همچنین، از آنجا که کودکان مفاهیم ذهنی را به درستی درک نمی‌کنند، بهتر است معلم در قصه‌گویی از اشکال، ابزارها و وسایل قابل درک برای کار خودش بهره بگیرد.

■ اگر کلاسی را به شما بسپارند و قرار باشد کار آموزشی انجام بدهید، برای این کلاس چطور برنامه‌ریزی می‌کنید که با قصه‌گویی بتوانید به اهداف خود برسید؟

● ابتدا باید مخاطب‌شناسی کنیم. سن، جنسیت، نوع علاقمندی، سطح تحصیلات و آگاهی و مواردی از این دست را ابتدا باید شناسایی و بر اساس آن برنامه‌ریزی کرد. وقتی این نکات را پیدا کردم، عناصر مورد نظر را در قصه و داستان مورد نظر جاسازی می‌کنیم. برای مثال، وقتی تمام مخاطبان من دخترهای دبستانی هستند، از داستانی استفاده می‌کنم که عناصر مورد علاقه این گروه در آن‌ها لحاظ شده باشد تا داستان من در آن‌ها اثر داشته باشد. معلم به اقتضای داستان، فضا و مخاطبان، می‌تواند تغییراتی در کار ایجاد کند. مثلاً چراغ را خاموش کنم و از نور شمع یا فندک استفاده کنم. تدبیر معلم در این زمینه اهمیت دارد. یا مثلاً ممکن است من قبل از تدریس تقسیم در ریاضیات، هر بار وارد کلاس می‌شوم، چیزی بین آن‌ها قسمت و آنان را به چند گروه تقسیم کنم و هر گروه کاری را انجام بدهد. در موعد مقرر، تازه شاگردانم متوجه می‌شوند دلیل این کارها چه بود و غیر مستقیم با عمل تقسیم آشنا می‌شوند.

■ معلم چگونه می‌تواند قصه‌گویی آموزشی خود را ارزیابی کند تا از تأثیر این روش آگاه شود؟

● معلم در گام اول باید از میزان فهم و درک شاگردانش در ارتباط با بحث علمی و داستانی که برایشان بیان کرده است آگاه شود. گاهی ممکن است شما تدریس مستقیم انجام بدهید و بچه‌ها مبحث را

النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا

انسان دشمن ناشناخته‌های خود

اشاره

همکاران و خوانندگان عزیز، اکنون چهار سال پیاپی است که شما خواننده این سلسله مطالب قرآنی - نخست در صفحه ۲ جلد و از سال گذشته در صفحات میانی مجله - هستید.

هدف ما از این نوشتارها پیوند زدن میان مفاهیم و حکمت‌های قرآنی با کاری است که شما در حال انجام آن هستید؛ یعنی آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان در مدرسه‌ها. نگارنده همواره کوشیده است این مطالب را با ساده‌ترین بیان به رشته تحریر در آورد تا هر چه مؤثرتر و مفیدتر باشد. امید است در این کار به توفیق نسبی دست یافته باشد. سال گذشته در هر شماره آیه‌ای از قرآن کریم را همراه با شما مرور می‌کردیم. ولی امسال، به پیشنهاد سردبیر محترم و اعضای شورای برنامه‌ریزی مجله، حکمت‌هایی از نهج‌البلاغه - این کتاب حکمت و معرفت که به برادر قرآن (اخ‌القرآن) شهرت دارد - را محور نوشته‌های خود قرار می‌دهم.

علی (ع) می‌فرماید: «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا». یعنی مردم دشمن هر چیزی هستند که از آن شناختی ندارند. هیچ کس در این تردید ندارد که کودک انسان جاهل و نادان از دل مادر بیرون می‌آید و خلاف دیگر جانوران و چارپایان باید سال‌ها مورد توجه و مراقبت قرار گیرد تا نخست از نظر جسمانی و بدنی به رشد برسد و سپس تعلیم و تربیت او آغاز شود. این نکته‌ای است که در قرآن کریم هم به آن اشاره شده است:

«هو الذی اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا و جعل لکم السمع و الابصار و الافئده لعلکم تشکرون»

(ملک، ۲۳)

و خدا شما را از بطن مادرانتان بیرون آورد، در حالی که هیچ نمی‌دانستید. لذا به شما گوش و چشم و قلب داد تا دانا شوید؛ باشد که شکر گزار شوید.

جهل و نادانی نسبت به هر چیز و هر کس، بیگانگی نسبت به آن چیز - اعم از شخص یا شیء یا معنا - را در پی دارد و اگر این بیگانگی در تضاد با خواسته‌های انسان قرار گیرد، به دشمنی و تنازع منجر می‌شود. این نکته‌ای است که در حکمت فوق در بیان علی (ع) می‌خوانیم. آن حضرت می‌فرماید: مردم دشمن چیزی هستند که نسبت به آن جاهل‌اند. روی دیگر این سخن آن است که اگر بخواهیم از دشمنی‌مان نسبت به چیزی کاسته شود و حتی

مردم دشمن هر چیزی هستند که از آن شناخت ندارند

(نهج البلاغه، حکمت ۴۳۸)

این دشمنی به دوستی تبدیل شود، باید آن را بشناسیم و در واقع نسبت به آن علم پیدا کنیم. بسیاری از معلمان وقتی برای اولین بار می‌خواهند به کلاس وارد شوند واهمه دارند، چون هیچ یک از بچه‌ها را، حتی به اسم، نمی‌شناسند. اما پس از یکی دو جلسه آشنایی با آن‌ها، نه تنها دیگر واهمه ندارند، بلکه چه بسا اشتیاق دارند هر چه زودتر در آن کلاس حاضر شوند. بدیهی است هر چه آموزش و علم بیشتر شود، جهل کمتر می‌شود و در نتیجه بیگانگی و دشمنی هم کمتر. مثال‌ها فراوان است. در گذشته‌ای نه چندان دور، که مردم از مزایای علوم جدید و از جمله طب و بهداشت نوین اطلاع نداشتند، دشمن آن‌ها نیز بودند و حتی گمان می‌کردند این علوم سبب گمراهی‌شان می‌شود. چه بسیار نوزادان و کودکان و حتی بزرگسالان که بر اثر بیماری‌های حصبه، آبله، سرخک و وبا تلف شدند، زیرا مردم نسبت به پیشگیری (از طریق واکسیناسیون) و درمان این بیماری‌ها با داروهای مناسب جاهل بودند و در نتیجه با آن دشمنی می‌کردند. جهل انسانی پایان ندارد و در هر لحظه و هر زمان و هر مکان هر فرد می‌تواند نسبت به چیزی یا کسی جاهل و در نتیجه دشمن آن باشد. در مثنوی مولوی، هم قصهٔ تنازع بر سر نام انگور و عنب و... و هم قصهٔ فیل در تاریکی هر یک به گونه‌ای بیان تمثیلی همین نادانی و دشمنی است.

در پایان قصه اول مولوی نتیجه می‌گیرد که:

در تنازع آن نفر جنگی شدند چون ز سر نام‌ها غافل بدند

و در پایان قصه فیل در تاریکی هم می‌گوید:

در کف هر کس اگر شمعی بدی اختلاف از گفتشان بیرون شدی

باری، براساس کلام شریف مولا علی (ع) باید گفت، نخستین و مهم‌ترین خدمتی که هر معلم می‌تواند به دانش‌آموزان خود بکند، نشان دادن تفاوت علم و جهل یا نادانی و نادانی به آن‌هاست و اینکه یکی نور است و دیگری تاریکی. این نکته را هم اضافه کنیم که آنچه باعث می‌شود کسی در صدد برآید جهل خود را در مورد چیزی یا کسی برطرف کند، داشتن «حلم» است؛ یعنی صبوری نشان دادن در مقابل جهالت و جاهلان. در واقع، یکی از معانی مخالف جهل، علاوه بر علم، حلم نیز هست. به طوری که وقتی می‌گوییم مردم عصر جاهلیت نادان بودند، یک معنایش این است که آنان فاقد حلم و شکیبایی و صبوری و خویشتن‌داری بودند. در نتیجه هر حرف و نظر تازه‌ای را مردود می‌شمردند. آن‌ها بر عکس، جهل خود را عین علم می‌دانستند تا اینکه با ظهور اسلام به تدریج بر جهل خود واقف شدند و در اندک زمانی زمین و زمان را دگرگون ساختند.



اشاره

این مقاله حاصل تجربه‌ی یکی از معلمان در کار با دانش‌آموزان دیرآموز است که نکات و راهبردهای ارزنده‌ای را برای سایر معلمان دربردارد. به همین دلیل، عین تجربه به چاپ رسیده است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت کلاس، تجربه‌ی معلمی، تدریس، ناتوانی ذهنی، راهبرد آموزشی

مقدمه

در بین تمام ناتوانی‌ها، ناتوانی ذهنی شایع‌ترین است. اصطلاحاتی که برای توصیف چنین ناتوانی به کار برده می‌شود، عبارت‌اند از: ناتوانی تحولی، عقب‌ماندگی ذهنی، معلولیت ذهنی یا مشکلات یادگیری شدید، چنین ناتوانی بر تمام جنبه‌های تحولی کودک تأثیر می‌گذارد. این کودکان از نظر جسمانی کندتر رشد می‌کنند، کندتر زبان می‌آموزند، کندتر یاد می‌گیرند، و کندتر نیز بر مهارت‌های تحصیلی تسلط می‌یابند. این افراد اختلال روانی ندارند.

در برخی کودکان، ناتوانی ذهنی از بدو تولد یا مدت کوتاهی بعد از آن، قابل تشخیص است، اما در بسیاری از آنان تا هنگام ورود کودک به مدرسه ناشناخته باقی می‌ماند، هر چند که در اغلب موارد از سنین خردسالی علائم هشدار دهنده‌ای وجود دارند. برخی کودکان ممکن است ناتوانی بسیار شدید و آسیب‌های دیگری نظیر صرع، مشکلات بینایی و شنوایی نیز داشته باشند. چنین کودکانی را کودکان دچار ناتوانی عمیق یا چند معلولیتی می‌نامند. برخی کودکان بدون این که هیچ‌گونه ناتوانی ذهنی داشته باشند، کندتر از سایر کودکان رشد می‌کنند. احتمالاً محرومیت می‌تواند عامل کندی این رشد باشد.

بیان تجربه

من در کلاس سه دانش‌آموز دیرآموز داشتم. این سه نفر واقعاً کلاس درس را به هم می‌ریختند. مدام از جای خود بلند می‌شدند، جیغ می‌کشیدند و به حرف‌هایم گوش نمی‌کردند. روزهای اول سال خیلی ناراحت بودم و همیشه با خودم می‌گفتم چرا من؟ چرا باید این‌گونه دانش‌آموزان در کلاس من باشند؟ همیشه خودم را سرزنش می‌کردم تا این که دیدم سرزنش خودم و تنبیه آنان هیچ نتیجه‌ای ندارد. پس تصمیم گرفتم راه دیگری را انتخاب کنم. به این ترتیب که:

- محرک‌هایی را که باعث حواس پرتی آن‌ها می‌شد کاهش دادم (روی میز را خلوت کردم).
- آن‌ها را نزدیک دیوار نشاندم و کودکان بزرگ‌تر را کنار آن‌ها قرار دادم.
- به آن‌ها کارهایی محول کردم؛ مثل توزیع ورقه‌ها و دفترها.
- یک دانش‌آموز زرننگ را به عنوان همیار کنار هر کدام نشاندم تا در نوشتن و خواندن به آن‌ها کمک کنند.
- سعی کردم پنج تا ده دقیقه آخر هر زنگ را به بچه‌ها تکلیفی بدهم و خودم با این سه نفر خصوصی کار کنم.

به جای استفاده از
مداد و کاغذ برای
نوشتن، بیشتر
از اشیای واقعی
استفاده کردم که
کودک می تواند
آنها را حس کند



- دانش آموزان کلاس را گروه بندی کردم و در هر گروه یکی از دانش آموزان ناتوان ذهنی را قرار دادم تا افراد گروه مجبور باشند به آنها کمک برسانند.

- سعی کردم یکی از اعضای خانواده که می تواند در انجام تکلیف در خانه به آنها کمک کند، در کلاس حاضر باشند تا بتواند آنچه را در کلاس انجام شده است، در خانه با دانش آموزان ناتوان مرور کند.

در نهایت، با بکارگیری راهبردهای مذکور توانستم کودکان دیرآموز کلاس درسم را مدیریت کرده و آنان را در یادگیری محتوای درس هدایت کنم تا بتوانند مانند سایر دانش آموزان یاد بگیرند و از یادگیریشان لذت ببرند.

- به جای استفاده از مداد و کاغذ برای نوشتن، بیشتر از اشیای واقعی استفاده کردم که کودک می تواند آنها را حس کند و در زندگی روزمره هم با آنها سر و کار دارد.

- در هر زمان فقط یک فعالیت به آنها می دادم و بعد از اتمام هر فعالیت، فعالیت بعدی داده می شد. بنابراین، در مورد آنها هرگز چند فعالیت را با هم انجام نمی دادیم.

- تکالیف را به گامها یا اهداف یادگیری جدید و کوچک تقسیم کردم. قبل از پرداختن به یک گام دشوار، از کودک می خواستم فعالیت را با آنچه می تواند انجام دهد آغاز کند و اگر به مشکلی برمی خوردند، به مرحله آسان تر برمی گشتیم.

- هنگامی که در کاری موفق می شدند، به اندازه کافی آنها را تشویق و ترغیب می کردم.



استقلال در یادگیری

اشاره

هر کدام از ما به عنوان معلم، کارشناس، مدیر یا در هر شغل و موقعیتی، اگر خاطرات دوران مدرسه و برنامه‌های دوران دانش‌آموزی‌مان را مرور و سپس شرایط آن روزگار را با وضعیت فعلی یاددهی - یادگیری مقایسه کنیم، به وضوح تغییراتی در نقش معلمان و دانش‌آموزان، کیفیت امکانات و منابع آموزشی، تنوع برنامه‌ها، انعطاف اهداف آموزشی و یادگیری، و البته تغییر در اصول و سبک و سیاق یادگیری مشاهده می‌کنیم که همه آن‌ها مرهون استفاده از یافته‌های علمی و فناوریانه هستند. یکی از تحولات ناشی از کاربرد علم و تکنولوژی در عرصه آموزش و پرورش تغییر در تعریف و اصول یادگیری است. امروزه انتظار می‌رود دانش‌آموزان با عملکرد فعال، تفکر و حل مسئله مسئولیت یادگیری خود را بر عهده بگیرند و سازندگان دانش و تجارب خود باشند. بر اساس یافته‌های تحقیقی و نظر متخصصان، یکی از عوامل زمینه‌ساز استقلال در یادگیری و خروج از چهارچوب‌های متعارف؛ استفاده از فناوری‌ها در جریان یاددهی - یادگیری است. لذا نویسنده در مقاله حاضر به دنبال بررسی این موضوع است.

کلیدواژه‌ها: یادگیری، تکنولوژی، استقلال در یادگیری

مقدمه

در دهه‌های اخیر، تعریف و اصول یادگیری، در اثر تحولات نظام تعلیم و تربیت، وارد مسیر تازه‌ای شده است. در گذشته تدریس مؤثر به معنای انتقال دانش از معلم به دانش‌آموز و یادگیری به معنای حفظ و ذخیره اطلاعات در ذهن شاگردان بود. مهم‌ترین ضعف این سبک یاددهی - یادگیری چیست؟ چنانچه نقش سیستم آموزشی انتقال اطلاعات و وظیفه شاگردان دریافت محض باشد، آیا فرصتی برای رشد و اعتلای دانش باقی می‌ماند؟ واقعیت این است که یاددهی - یادگیری به سبک مذکور ضعیف‌ترین و ناکارآمدترین شکل تدریس و یادگیری است. ایده‌آل‌ترین سبک تدریس و یادگیری این است که معلم در جریان تدریس شاگردان را به تفکر دعوت کند و ذهن‌ها را در مقابل سؤال‌ها، مسائل و چالش‌ها قرار دهد و شاگردان نیز به جای دریافت محض، با تفکر و حل مسئله، سازندگان دانش و تجارب خود باشند و تلاش

ایده آل‌ترین سبک تدریس و یادگیری این است که معلم در فرایند تدریس، شاگردان را به تفکر دعوت کند

نیز باید مد نظر قرار گیرند. از جمله عوامل زمینه‌ساز استقلال در یادگیری، استفاده مؤثر از تکنولوژی‌ها در فرایند یادگیری است.

نقش تکنولوژی‌ها برای استقلال در یادگیری

آیا تجربه تدریس درس جغرافیا را دارید؟ دروس علوم تجربی و تاریخ چطور؟ آیا ماهیت این درس‌ها به صورتی است که دانش‌آموز بتواند در زمان محدود کلاس به درک لازم از موضوعات درسی دست پیدا کند؟ آیا دانش‌آموزان با شبیه‌سازی رایانه‌ای نمی‌توانند به بهترین شکل ممکن نحوه تقسیم سلول‌ها را بیاموزند؟ هنگامی که معلم یک کره جغرافیایی را به کلاس می‌برد، واکنش دانش‌آموزان چگونه است؟ آیا مشاهده فیلم یک واقعه تاریخی نمی‌تواند کلاس و معلم را برای دانش‌آموزان به منزلت برسد؟ طرح این سؤال‌ها و ده‌ها سؤال دیگر به ما کمک می‌کند عمیقاً در خصوص نقش تکنولوژی‌ها بر عملکرد فعال و استقلال یادگیرندگان و فراتر رفتن جریان یادگیری از کلاس به هر مکان و زمانی، بیندیشیم. ممکن است دانش‌آموزان در بعضی از موارد با تحقیق در اینترنت به مطالبی به روزتر و جذاب‌تر از مطالب کتاب‌های درسی دست پیدا کنند. هنگامی که بحث از کاربرد تکنولوژی در آموزش پیش می‌آید، عمدتاً کاربرد تکنولوژی‌های مبتنی بر رایانه و اینترنت در ذهن تداعی می‌شود. استفاده از تکنولوژی‌هایی از جمله شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای، چندرسانه‌ای‌های آموزشی، وبسایت‌ها، وبلاگ‌ها، نرم‌افزارهای هوشمند، انیمیشن‌ها و بازی‌های رایانه‌ای توسط ابزارهایی مانند تلویزیون، رایانه، تبلت و موبایل‌های هوشمند، دنیایی از فرصت‌ها و منابع یادگیری را پیش‌روی دانش‌آموزان قرار داده است. این تکنولوژی‌ها ضمن کمک به توسعه فضای یادگیری به خارج از محیط کلاس و مدرسه، به دانش‌آموزان فرصت می‌دهند زمان، مکان و منابع یادگیری را طبق علاقه‌های خود انتخاب کنند، در مورد موضوعات بیندیشند، اهداف خود را مشخص کنند، به دنبال کشف راه‌حلی برای مسائل و سؤال‌های خود باشند و در بسیاری از موارد آموخته‌های خود را ارزیابی کنند. تحقیقاتی درباره کاربرد تکنولوژی‌ها برای ایجاد استقلال در یادگیری انجام شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به تحقیق سیتی، جانوتال و مارسیا^{۱۶} (۲۰۱۶) و همین‌طور **ریندر** و **وایت**^{۱۷} (۲۰۱۶) اشاره کرد. در این تحقیق‌ها مشخص

کنند آموخته‌های خود را به مسائل و موقعیت‌های دنیای واقعی ربط دهند. چنانچه یادگیری را تغییرات ماندگار در عملکرد، نگرش و دانش افراد بر اساس تجربه‌های فردی بدانیم، تحقق یادگیری مستلزم فعالیت‌ها و تدابیری از طرف معلمان و یادگیرندگان است. یادگیرنده باید درگیر شود، مشاهده کند، بیندیشد و عمل کند. معلم و محیط یادگیری باید راهنما و تسهیل‌گر خودگستری^۱، خودگردانی^۲، و خودجوشی^۳ دانش‌آموزان باشند. همچنین، محیط یادگیری باید محیطی پویا تلقی شود و همواره تلاش به عمل آید که از آخرین دستاوردهای علمی و فناوری در فرایند تدریس استفاده شود. در تأیید این مباحث لازم است به جمله‌ای ماندگار از **جان دیویی**^۴ (۱۹۱۶)؛ فیلسوف معاصر، اشاره شود: «اگر ما امروز به سبک گذشته تدریس کنیم، به فرزندان فردایمان آسیب می‌زنیم».

مفهوم استقلال در یادگیری

از مباحث مذکور در خصوص یادگیری این‌گونه برداشت می‌شود که داشتن استقلال در یادگیری برای دانش‌آموزان یک ضرورت است. **هولیس**^۵ (۱۹۸۱) استقلال در یادگیری را به این صورت تعریف می‌کند: «استقلال در یادگیری به معنای توانایی اداره یادگیری فرد توسط خود اوست». برای تحقق استقلال دانش‌آموزان در یادگیری چه باید کرد؟ چنانچه ما بخواهیم شرایطی مبتنی بر استقلال و خودگردانی یادگیرندگان ایجاد کنیم، محیط آموزشی باید محیطی غنی، چالش برانگیز و منعطف باشد، به طوری که دانش‌آموزان اهداف یادگیری متناسب با نیازهایشان را انتخاب کنند، از ابزارها و مواد مناسب سود جویند، نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی کنند و بتوانند آموخته‌های خود را ارزیابی کنند. در این میان، معلم نیز می‌تواند به عنوان یکی از عوامل محیطی نقش مؤثری ایفا کند. معلمان برای اینکه بتوانند هم‌سو با جریان یادگیری و متناسب با عصر حاضر حرکت کنند، باید به طور مدام دانسته‌های خود را در عرصه‌های مربوط به روزرسانی کنند و به دنبال کسب دانش، درایت، نگرش‌ها و مهارت‌های لازم باشند (فهم الزامات اجتماعی، الزامات بازار، فهم کاربردهای آموزشی تکنولوژی‌ها و ابزارهای جدید، فهم دیدگاه‌ها و رویکردهای آموزشی و تربیتی، توان راهنمایی متناسب با تفاوت‌های دانش‌آموزان و...). در تأیید این مباحث می‌توان به مطالعه‌ای اشاره کرد که توسط **آزاد نیک** و **میرزا سوزنی** (۲۰۱۵) در رابطه با یادگیری مستقلانه انجام داده‌اند. برای اینکه یادگیری مستقلانه در عمل اتفاق بیفتد، علاوه بر معلم و دانش‌آموز، عوامل دیگری

استقلال در یادگیری به معنای

توانایی مدیریت یادگیری فرد توسط خود اوست

شده است که یادگیری به کمک تکنولوژی‌های جدید می‌تواند یادگیرندگان را به سمت استقلال و فعالیت خود انگیزه سوق دهد.

با وجود اینکه در عصر حاضر تکنولوژی‌های فراوان با قابلیت کاربرد آموزشی در دست هستند و فناوری اطلاعات و ارتباطات امکان دسترسی یادگیرندگان به منابع بی‌شمار و شکل‌های جدیدی از روابط را ایجاد کرده است، در نظام آموزشی ما بسیاری از برنامه‌ها و روش‌های سنتی پا برجا هستند. چنانچه مسئولان، مدیران، معلمان و شاگردان بر اصول و زمینه‌های لازم برای یادگیری مستقلانه واقف باشند، در بسیاری از دروس از فیزیک و شیمی گرفته تا تاریخ، جغرافیا، هنر و ادبیات، می‌توان با استفاده از تکنولوژی‌های آموزشی و فراهم آوردن دیگر شرایط لازم، امکان کسب تجارب یادگیری معنادار و مستقلانه را برای شاگردان فراهم کرد. شاید یکی از اصلی‌ترین مواردی که در حال حاضر سیستم آموزش و پرورش ما از آن رنج می‌برد، نبود زمینه‌های لازم برای استقلال در یادگیری است.

رهنمودهایی برای مسئولان و مدیران

فراهم شدن شرایط لازم برای تحقق استقلال در یادگیری نیازمند زیر ساخت‌ها و امکانات فناوری و تدوین دستورالعمل‌های لازم است که شاید در حال حاضر سیستم آموزش و پرورش با نبود آن‌ها مواجه است. لازم است زیر ساخت‌ها و برنامه‌های لازم مورد توجه قرار گیرند.

تأجایی که ضرورت ایجاد می‌کند، به مدیران منطقه‌ای، مدیران مدارس و معلمان اختیار و آزادی عمل داده شود که تفاوت‌ها لحاظ شوند.

به روز رسانی دانش و مهارت‌های معلمان و مسئولان مدارس برنامه‌ای است که باید در دستور کار مسئولان قرار گیرد. معلمان به عنوان افرادی که با کلاس و دانش‌آموز ارتباط مستقیم دارند، در صورتی می‌توانند به وظایف خود به خوبی عمل کنند که توان لازم را داشته باشند.

ایجاد هر تغییری نیازمند فرهنگ‌سازی است؛ باید از طریق مطبوعات و رسانه‌های مختلف افکار عمومی را آماده ساخت و عامه مردم به ویژه والدین دانش‌آموزان، در جریان ضرورت‌ها و نحوه تغییرات در سیستم آموزش و پرورش قرار گیرند.

رهنمودهایی برای معلمان

معلمان باید تلاش کنند همواره در زمینه‌های مختلف دانش و معلومات خود را به روزرسانی کنند و با تشخیص درست ضرورت‌های روز، فعالیت‌های خود را به سمت آن‌ها سوق دهند.

تلاش برای شناخت قابلیت‌ها و نحوه به کارگیری فناوری‌های نوین باید در اولویت برنامه‌های معلمان باشد.

در جریان تدریس، ضمن در نظر گرفتن ماهیت موضوع، تلاش شود تا جای ممکن یاددهی - یادگیری از حالت معلم محوری و انتقال معلومات فاصله بگیرد و با ایجاد مسائل و چالش‌های ذهنی، دانش‌آموزان به تفکر وادار شوند. به دنبال این، دانش‌آموزان ترغیب شوند با استفاده از تکنولوژی‌ها و منابع دلخواه به دنبال پاسخ به سؤالات خود باشند.

دانش‌آموزان ترغیب شوند با استفاده از تکنولوژی‌هایی که در یادگیری از آن‌ها استفاده کرده‌اند، آموخته‌های خود را ارزیابی کنند.

به دانش‌آموزان راهنمایی‌های لازم ارائه شود که هر چه بیشتر آموخته‌های خود را به مسائل دنیای واقعی ارتباط دهند. بدون شک در همه درس‌ها این امکان وجود دارد.

تأجایی که مقررات اجازه می‌دهد، در انجام امور تحصیلی به دانش‌آموزان آزادی عمل داده شود و فعالیت‌های آن‌ها تحت نظارت باشد.

* پی‌نوشت‌ها

1. Self - development
2. Self - regulated
3. Self- motivated
4. John, Dewey
5. Holec, H.
6. Siti Fatimah petra; Janutal Halida; Marcia linn
7. Reinders, H., & White, C

* منابع

1. Asadnik, Davood and Mirza Suzani, Samad . (2015). A Critical Review of Autonomous Learning in L2 Research: From Theory to Practice. Journal of Applied Linguistics and Language Research Volume 2, Issue 8, 2015, pp. 41-56
2. Dewey, John (1916). Democracy and education. New York: Macmillan.
3. Holec, H. (1981). Autonomy and Foreign Language Learning. Oxford, UK: Pergamon Press.
4. Kessler, G. (2010). When they talk about CALL: Discourse in a required CALL class? CALICO Journal, 27(2), 376-392.
4. Lamb, T., & Reinders, H. (Eds.). (2008). Learner and teacher autonomy: Concepts, realities, and responses. Amsterdam, Netherlands: John Benjamins.
5. Reinders, H., & White, C. (2016). 20 years of autonomy and technology: How far have we come and where to next? Language Learning & Technology, 20(2), 143-154. Retrieved from <http://llt.msu.edu/issues/june2016/reinderswhite.pdf>
6. Siti Fatimah petra; Janutal Halida; Marcia linn , (2016) "Supporting students to become autonomous learners: the role of web-based learning", The International Journal of Information and Learning Technology, Vol. 33 Issue: 4, pp.263-275, doi: 10.1108/IJILT-05-2016-0017

برخی آموزه‌ها در حوزه‌های یاددهی - یادگیری، برنامه‌ریزی و برنامه‌درسی

حوزه برنامه‌ریزی و برنامه‌درسی

آیا می‌دانید که:

- برنامه‌درسی چارچوبی برای آگاهی و پیگیری مقاصد، هدف‌ها، رویکردها، استانداردها، راهبردهای اجرایی و شاخص‌های مطلوب مورد نظر نظام تعلیم و تربیت است؛
- هر برنامه‌درسی راهنمایی برای پیش‌بینی کلیه فعالیت‌های ممکن برای تحقق یاددهی - یادگیری، انتخاب ابزارها و وسایل آموزشی و کمک آموزشی، و فراهم کردن فرصت‌های طلایی برای اجرای موفق برنامه در کلاس درس است؛
- کلیه برنامه‌های درسی در هر دوره و پایه تحصیلی و در هر موضوع و عنوان درسی جهت‌هایی را برای رشد یادگیرنده پی‌جویی می‌کنند که نقطه‌نهایی و غایی همه آن‌ها کسب جهان‌بینی فلسفی و علمی و فرهنگی و اخلاقی است؛
- سند ملی برنامه‌درسی در سطح کلان نظام آموزش و پرورش کاربرد دارد و مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها، سیاست‌ها، معیارها، استانداردها و بایسته‌هایی را که باید به صورت هماهنگ و منظم در تهیه و تولید و اجرای هر برنامه‌درسی موضوعی در هر مکان و زمان رعایت و به کار گرفته شوند، در معرض دید و آگاهی برنامه‌ریزان درسی و مجریان آن قرار می‌دهد.
- دنیای امروز پر از مسائل و پیچیدگی‌های گوناگون است. پیشرفت و تعالی جوامع مرهون نقش نظام آموزش و پرورش در آماده‌سازی افراد برای مقابله با آن مسائل و گشودن گره پیچیدگی‌هاست. اسناد ملی برنامه‌درسی مشتمل بر حوزه‌های عمل آن نقش‌ها و چگونگی ایفای آن‌ها در مراحل متوالی تحصیلی است.

حوزه یاددهی - یادگیری

آیا می‌دانید که:

- در گستره فراخ، چندگانه و تخصصی شده حوزه‌های علم امروز بشر دیگر نمی‌توان همه چیز را، حتی در یک حوزه خاص، آموخت، بلکه باید با توجه به نیاز، انگیزه و نتایج مترتب بر یادگیری دست به انتخاب زد؛
- شناخت نیازهای واقعی یادگیری و دوری از توجه به نیازهای رویایی، غیر واقعی و کاذب نیازمند یادگیری از نوع «فراشناخت» است؛
- فراشناخت عبارت است از کسب شناخت نسبت به توانمندی‌ها، استعدادها، انگیزه‌ها، علاقه‌ها و نیازهای واقعی برای رشد و پیشرفت متعالی هر فرد در زندگی مستمر و روزمره وی؛
- توانمندی در فراشناخت نیازمند یادگیری و کسب مهارت در شناخت ویژگی‌های شخصیتی خود است؛
- فراشناخت به خود یادگیری می‌انجامد، اما نقش معلم و آموزش دهنده برای کسب مهارت‌های فراشناختی اهمیت ویژه‌ای دارد. راه و روش‌های فراشناخت آموختنی است و معلم زمینه‌ساز آموختن‌هاست.
- معلمان نیز با کسب مهارت در شناخت توانمندی‌ها، علاقه‌ها و ذخایر دانشی و بینشی خویش و نیز شناخت نقصان‌ها و کاستی‌های وجود خویش در هدایت و راهبری فرایند یادگیری دانش‌آموزان و به عبارت دیگر با مجهز شدن به ابزار فراشناخت می‌توانند به وجه بهتری عمل کنند.

ابزارهای آموزش برخط: نکته‌های کاربردی

اشاره

همه ما به عنوان علاقمندان به یادگیری، به برنامه‌های برخطی نیاز داریم که به شکوفایی خلاقیت، مهارت‌های مشترک، ارتقای مطالعه، بازاریابی و سازمان‌دهی‌مان کمک کند. دانش‌آموزان در عصر دیجیتال نیازهای متنوعی دارند که برآوردن آن‌ها مستلزم وجود محیط‌های آموزشی گوناگون است. کلاس‌های سنتی در حال تغییراند و دانش‌آموزان دیگر به یک اتاق چهاردیواری محدود نیستند. داشتن ارتباط با یکدیگر در هر جا یکی از ابعاد این تغییرات است. این روزها دانش‌آموزان می‌توانند با استفاده از ابزارهایی مثل تلفن همراه و تبلت با افرادی غیر از هم‌کلاسی‌هایشان ارتباط داشته باشند. با توجه به آنکه میان یادگیری الکترونیکی و تدریس برخط تفاوت وجود دارد، در این مقاله، ضمن توضیح تدریس برخط و ذکر تفاوت‌های آن با یادگیری الکترونیکی، به نکته‌های کاربردی تدریس برخط اشاره خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: ابزارهای تدریس برخط، یادگیری مجازی، آموزش و یادگیری

مقدمه

از منابع برخط، در انجام تکالیف به یادگیرندگان کمک می‌کند. این نوع از یادگیری تنها به محتوای صفحات وب محدود نیست، بلکه شامل ایجاد و خلق محتویات جدید از طریق وبسایت‌هایی است که امکان دسترسی شخصی به صفحات وب را فراهم می‌کنند (مانند وبلاگ).

وبسایت‌هایی وجود دارند که امکان به اشتراک گذاشتن صوت، تصویر و متن به صورت vodcast, podcast را به یادگیرندگان می‌دهند (پیشین).

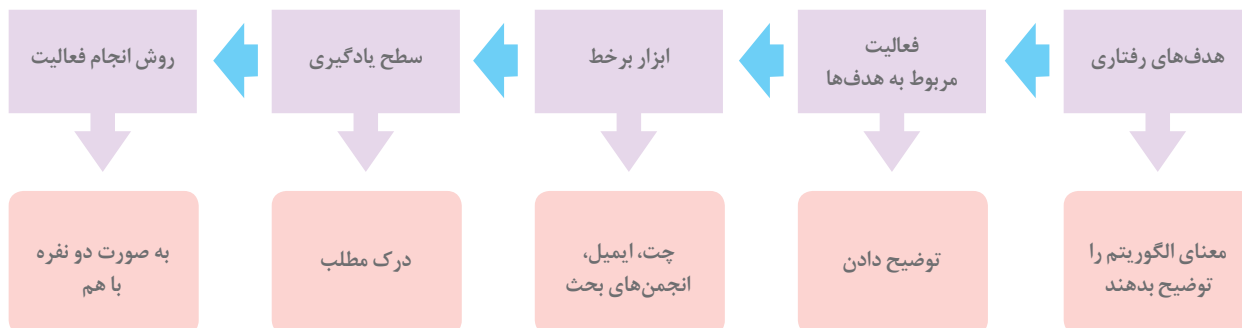
آموزه‌های تدریس برخط

شاید برخی از شما بپرسید آیا برای تدریس برخط هم می‌توان طراحی آموزشی را انجام داد؟ پاسخ آری است. نمونه‌ای از طراحی فعالیت‌های مرتبط با تدریس برخط در زیر آورده شده است:

کو و راسن ۲۰۰۴ (ترجمه قادری و همکاران، ۱۳۹۳) تعریف ساده‌ای از تدریس برخط ارائه کرده‌اند: تدریس برخط به معنای ارائه کل درس یا بخشی از آن از طریق اینترنت است. در تکمیل این تعریف می‌توان افزود که مدرس برخط موفق نیز کسی است که در محیط مجازی وظیفه پرورش ذهن و حتی جسم و ایجاد محیطی سالم برای یادگیرنده خود را بر عهده می‌گیرد.

دانش‌آموزان ما نیازمند کسب اطلاعات و ترکیب آن‌ها برای عرضه به مردم هستند. در حین عرضه اطلاعات، با مردم تعامل یا پیوند عاطفی برقرار می‌کنند و این کلید موفقیت آن‌ها در اجتماع است. برای موفقیت در این امر نیازمند راهنمایی معلمان و مربیان خود هستند.

یادگیری الکترونیکی به معنای جست‌وجو در سایت‌ها و استفاده



آنیموتو یک ابزار ایجاد فایل‌های تصویری است که معلمان و دانش‌آموزان می‌توانند برای کلاس درس، محیط‌های یادگیری مجازی یا برای رویدادهای خاص از آن استفاده کنند

مطالب (متن، عکس، فیلم و...) را نیز مطابق طرحی از پیش تعیین شده می‌نویسیم؛ هنگامی که مخاطبان به کلاس آمدند، هر کدام عینکی هوشمند به چشم می‌زنند و مطابق الگوی از پیش تعیین شده، با دوربینی با قابلیت بزرگ‌نمایی عالی، روی مسیری مشخص، همراه توضیحات ما، مطالب را پیگیری می‌کنند! Prezi در واقع همین کار را می‌کند؛ یک صفحه آماده در اختیار می‌گذارد تا بر مبنای یک نقشه طرح‌بندی محتوا را سازمان‌دهی کنیم. هر موضوعی را می‌توان از این طریق ارائه کرد. ما هنگام اجرا می‌توانیم توضیحات را روی هر فریم ارائه کنیم و به فریمی دیگر برویم و در نهایت یک انیمیشن زیبا و پویا از ارائه داشته باشیم.

ایده‌هایی برای استفاده

در زمان استفاده از پاورپوینت، پرزی گزینه‌های بصری پویاتر و جذاب‌تری فراهم می‌کند. علوم نوآور و معلمان ریاضی در تمام دوره‌های تحصیلی، برای توضیح مفاهیم کلیدی به دانش‌آموزانشان، می‌توانند از این ابزار استفاده کنند.

تصور کنید شما یک کلمه می‌نویسید و در مورد آن توضیحاتی می‌دهید. بعد با کلیک کردن داخل آن کلمه شیرجه می‌روید! در دل آن یک جمله و داخل آن جمله یک عبارت و داخل عبارت یک فیلم پنهان ساخته‌اید! هنگام اجرا هم با بزرگ‌نمایی مرحله به مرحله، مدام خرگوش از کلاه شما بیرون می‌پرد!

چند ویژگی مثبت پرزی

- پرنگ بودن نقش خلاقیت و داشتن خلاقیت بیشتر.
- اشتراک‌گذاری ارائه ساخته شده با سایر کاربران در فضای ابری که البته با خرید اعتباری می‌توان از فضای عمومی به فضای اختصاصی نقل مکان کرد.
- دسترسی برخط در محل کار یا خانه برای ویرایش و توسعه ارائه.
- امکان اضافه کردن انواع فرمت‌ها به پرزی از جمله عکس، پی‌دی‌اف، پاورپوینت، عکس و فیلم.
- درج مستقیم فایل از اینترنت به «پرزی». در صورت برخط بودن، می‌توان با قسمتی که خود نرم‌افزار در ستون کناری راست در اختیار می‌گذارد، به جست‌وجوی محتوا و انتقال آن به ارائه پرداخت.
- بهره‌گیری از کتابخانه عظیم پرزی که انواعی از محتوا و قالب‌های آماده دارد. این نمونه‌ها برای شروع کار با پرزی راهنمای خوبی هستند.



معرفی ابزارهای رایگان تدریس برخط

در این بخش، پنج ابزار برخط رایگان برای آموزش و یادگیری معرفی می‌شوند که در حوزه تدریس برخط (آنلاین) از آن‌ها استفاده می‌شود.

وال ویشرا^۱

در نگاه اول ممکن است تصور شود این ابزار محدودیت کاربرد دارد، اما به زودی متوجه می‌شوید که آن را می‌توان جایگزینی دیجیتال برای تابلوی اعلانات دانست.

این ابزار اجازه می‌دهد کاربران به ساخت دیوار مجازی برای کلاس درس اقدام کنند، بدین معنا که می‌توان تصاویر، انواع صدا، لینک وب و فیلم را ارسال و پیغام‌گذاری کرد. برای نقشه ذهنی، نگه‌داری یادداشت‌ها و نشانی وب سایت‌های مفید نیز استفاده می‌شود. اما قدرت واقعی آن در توانایی‌اش برای فراهم کردن زمینه فعالیت‌های مشترک است. با اشتراک‌گذاری منابع یک شکل یا آدرس وب (URL) در کلاس، هر فرد می‌تواند گروه یا حتی کل مدرسه را در فضای مجازی ببیند و در طول سال با آن‌ها همکاری و هم‌فکری کند. نکته قابل ذکر اینکه معلمان باید برای کنترل، بارگذاری و ارسال پیام‌ها و جلوگیری از ارسال پیام‌های آسیب‌زا تنظیمات امنیتی لازم را پیش‌بینی کنند.

نکته‌های کاربردی: با این ابزار دانش‌آموزان می‌توانند نقشه ذهنی تهیه کنند یا تابلوهایی با حالت‌های متفاوت، برای پروژه‌های تحقیقاتی خلاق در موضوع خاص خود ایجاد کنند؛ و روی دیوار مجازی نیز می‌توان با موضوعات مشترک بحث‌های عمومی را به کمک معلمان آغاز کرد.

چگونگی سنجش و ارزشیابی کار دانش‌آموزان

از آن‌جا که این برنامه‌ها قابلیت فارسی شدن هم دارند، معلمان می‌توانند از این ابزار برای جمع‌آوری اطلاعات از کار و تلاش دانش‌آموزان، بازخورد و تقویت اعتمادبه‌نفس آن‌ها بهره بگیرند.



پرزی^۲

ابزار «پرزی» برداشتی است مجازی و البته هوشمندانه از تابلوی کلاس (تخته‌سیاه یا سفید) تصور کنید ما به عنوان معلم و ارائه دهنده درس، قبل از شروع تدریس، به کلاس می‌آییم و محتوای مورد نیاز برای ارائه در کلاس را با نظم و دقت خاصی روی تخته می‌نویسیم! روند پیگیری

استادی بلو^۴



ابزاری برای بازدید و ارزیابی است که به معلمان و دانش‌آموزان اجازه می‌دهد مجموعه‌ای از برگه‌های تمرین تصویری دیجیتال ایجاد و آزمون برخط مبتنی بر آن‌ها را تولید کنند. این آزمون براساس آهنگ توانایی یادگیرنده قابل پی‌گیری است. دانش‌آموزان می‌توانند از این ابزار برای مطالعه خود هدایتی استفاده کنند. آن‌ها حتی می‌توانند برای آماده شدن در امتحان با بقیه دانش‌آموزان کشور تمرین کنند. در واقع استادی بلو فلش کارت‌های دیجیتالی هستند که محیطی واقعی می‌سازند. می‌توان صدا و تصاویر را به صورت کارت‌هایی آپلود و فراگیرندگان را به صورت صوتی و تصویری با یکدیگر درگیر کرد. به علاوه، می‌توان محرک‌هایی به یادماندنی برای اصطلاحات و مفاهیم اساسی که دانش‌آموزان ممکن است نیاز به یادآوری داشته باشند، تدارک دید.

این کارت‌های دیجیتال آن‌لاین هستند و در صورت متصل بودن به اینترنت، امکان دسترسی به آن، حتی به وسیله تبلت‌ها هم امکان‌پذیر است.

مثال‌های موردی: برای مثال، در درس زبان انگلیسی می‌توان کارت‌هایی را شبیه‌سازی کرد و صدای افرادی را هم در آن قرار داد. در این صورت، هم تصویر گرافیک خوبی وجود خواهد داشت و هم صدا را می‌توان شنید. این ابزار راهکار مناسبی برای معلمان زبان خارجی است که می‌خواهند با ساخت کارت‌های لغت و بیان و تلفظ آن‌ها برای دانش‌آموزان، به یادگیری آن‌ها کمک کنند.



آنیموتو ما را به استفاده ترکیبی از محتوای عکس و ویدئو برای ترویج کارهای منحصر به فرد و خلاق از دانش‌آموزان مدرسه قادر می‌سازد. معلمان نیز می‌توانند با کد مری، به حساب‌های شاگردان دسترسی داشته باشند تا بتوانند فعالیت‌ها را نظارت و بررسی کنند.

استوری برد^۵

استوری برد ابزار زرق و برق‌داری است با طیف وسیعی از کاربردهای عملی؛ با حرکت در مسیری از کلیدهای مرحله‌های ۱ و ۲ که تلفظ خواندن و نوشتن است، به کلیدهای مرحله ۳ که فناوری اطلاعات و ارتباطات است. دانش‌آموزان از این طریق می‌توانند از صدها تصویر هنری در طیف وسیعی، با کیفیت بالا، برای نشان دادن محتوای مورد نظر خود استفاده کنند.

معلمان می‌توانند با ثبت و اضافه کردن دانش‌آموزان به این کلاس مجازی، قابلیت نظارت بر فعالیت‌های آن‌ها را داشته باشند. یکی از ویژگی‌های بزرگ این ابزار آن است که نیاز نیست یادگیرنده حتماً از یک نشانی ایمیل ثبت نام کند، بلکه می‌تواند از طریق کاربران دیگر گروه‌ها در کلاس شرکت کند.



* پی‌نوشت‌ها

1. Wall wisher
2. prezi
3. Map Layout
4. study blue
5. Animoto
6. storybird

* منابع

۱. داولی، لیزا (۱۳۹۳). ابزارهایی برای موفقیت در تدریس آن‌لاین. ترجمه مصطفی قادری، مریم جابر، وحید حشمتی، پروین حبیبی، سمت. تهران.
۲. کلارک، آلن. مهارت‌های یادگیری الکترونیکی. ترجمه رضوان حکیم‌زاده و سیدامین موسوی. تهران: آیتو، سایت روش تدریس.
۳. داریوش نوروزی و سیدعباس رضوی (۱۳۹۰). مبانی طراحی آموزشی. سمت. تهران.
۴. مایلی اسپرنگر (۱۳۹۳). آموزش مبتنی بر مغز. ترجمه سالار فرامرزی، ندا زعیم و مرجان خنیا. دانشگاه اصفهان.
۵. علی صفایی حائری (۱۳۸۶). مسئولیت و سازندگی. انتشارات لیل‌القدر.
۶. مشایخ فریده (۱۳۹۰). آموزش برخط. انتشارات آگه. تهران.
7. www.alphr.com/features/372979/10-free-online-

آنیموتو^۵

آنیموتو یک ابزار ایجاد فایل‌های تصویری است که معلمان و دانش‌آموزان می‌توانند برای کلاس درس، محیط‌های یادگیری مجازی یا برای رویدادهای خاص مدرسه مانند روز پدر، روز مادر و روز معلم یا برای ایام شهادت امامان و ولادت‌ها از آن استفاده کنند و فیلم‌های پویای خود را در آن به صورت تصویر، متن، ویدئو و موسیقی آپلود کنند. آنیموتو یک ابزار رویداد ایده‌آل و جعبه مخصوص قرار دادن فیلم و عکس و به اشتراک‌گذاری فیلم دانش‌آموزان مدرسه و رویدادهای آن است؛ ابزاری لذت‌بخش که شاگردان می‌توانند با به کارگیری آسان فیلم‌ها و کلیپ‌های خود، به صورت تعاملی از آن در یادگیری فیلم‌سازی استفاده کنند.

اشاره

دانش‌آموزان در قرن ۲۱ پیشرفت‌های بسیاری در علم و تکنولوژی را تجربه می‌کنند و با مسائلی روبه‌رو می‌شوند که تنها با سواد علمی و تکنولوژیک حل می‌شوند. با این حال، پژوهش‌ها نشان می‌دهد، بسیاری از سیستم‌های تربیتی در جهان، موفق به تربیت شایسته دانش‌آموزان نیستند و از این رو نیازمند تغییرند. دانشمندان علوم یادگیری بر پایه علوم شناختی و سایر حوزه‌ها، ساختار شناختی یادگیری عمیق را روشن می‌سازند. این دانشمندان انواع جدیدی از برنامه‌های درسی را با هدف به‌کارگیری بیشتر دانش‌آموزان و کمک به فهم عمیق‌تر ایجاد می‌کنند. یکی از این برنامه‌های درسی، یادگیری مبتنی بر پروژه است که به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد از طریق انجام دادن یاد بگیرند، ایده‌ها را به کار گیرند و مسائل را حل کنند. این مقاله، ضمن بیان خاستگاه یادگیری پروژه‌محور، ویژگی‌های آن و نقش معلم را در این مقوله برمی‌شمرد.

یادگیری بر پایه پروژه

کلیدواژه‌ها: کلاس یادگیری پروژه‌محور، یادگیری موقعیتی، ساختن‌گرایی

مقدمه

یادگیری مبتنی بر پروژه^۱، شکلی از یادگیری موقعیتی^۲ و بر مبنای این یافته سازنده‌گرایی است که دانش‌آموز از طریق ساختن فعالانه فهم خود، با به کار بردن ایده‌ها در بافت دنیای واقعی، می‌تواند به فهم عمیق‌تر دست یابد. به این منظور، کاربرد و مفهوم نباید از هم جدا شوند. دانش‌آموزان در این نوع کلاس‌های درس، با مسائل معنی‌دار و پراهمیتی روبه‌رو می‌شوند و همچون دانشمندان پرسش مطرح می‌کنند، فرضیه می‌سازند، مباحثه می‌کنند، ایده‌های دیگران را به چالش می‌کشند و ایده‌های نو را می‌آزمایند. باید بر این نکته تأکید کرد که یادگیری پروژه‌محور، با انجام صرف پروژه‌ها فرق دارد، زیرا در مورد اول تمرکز بر دانش‌آموز و فهمیدن توسط خود اوست و معلم نقش همراه و کمک‌کننده را دارد، در صورتی که در انجام پروژه، معلم و دانش‌آموز در دو سوی یک تکلیف که معلم دیکته کرده و دانش‌آموز باید انجام دهد، قرار دارند. یافته‌ها نشان می‌دهند، در این نوع کلاس‌ها یادگیری

بهرتر حاصل می‌شود.

ریشه یادگیری مبتنی بر پروژه به بیش از ۱۰۰ سال پیش و به فعالیت‌های **جان دیویی**^۳ برمی‌گردد. وی درگیر شدن دانش‌آموز با مسائل مهم و موجود در دنیای واقعی را مطرح کرد. در دو دهه اخیر، دانشمندان علوم یادگیری ایده او را اصلاح کرده‌اند.

خاستگاه یادگیری مبتنی بر پروژه

چهار ایده کلی برخاسته از علوم یادگیری، که یادگیری مبتنی بر پروژه بر آن‌ها بنا شده است، عبارت‌اند از: سازنده‌گرایی فعال، یادگیری موقعیتی، تعامل اجتماعی و ابزار شناختی.

● **سازنده‌گرایی فعال:** علوم یادگیری نشان می‌دهد، یادگیری زمانی رخ می‌دهد که یادگیرنده به صورت فعال فهم خود را بر پایه تجربیات و دانش پیشین و تعاملاتش با جهان بسازد. چنانکه در واژه‌نامه روان‌شناسی آکسفورد آمده، سازنده‌گرایی اندیشه‌ای است که طبق آن ذهن فرد

ادراکات، یادها و سایر ساخت‌های ذهنی پیچیده را به طور فعال بسازد، نه اینکه این‌ها از بیرون به درون ذهن بیایند. در سازنده‌گرایی اجتماعی (دیالکتیکی) که ریشه در اندیشه‌های ویگوتسکی^۴ دارد، تعامل اجتماعی و ارتباط میان افراد جامعه، کلید ساختن دانش است. این نظریه می‌گوید، دانش در یک بافت اجتماعی وجود دارد و میان افراد مشترک است. بنابراین، ابزار اصلی ساختن دانش، تعامل بین یادگیرنده و محیط اجتماعی اوست. تعارض شناختی ایجاد شده به وسیله دیدگاه‌های مختلف افراد، محرکی برای یادگیری و چگونگی سازمان‌دهی دانش است. یادگیری پروژه‌محور از حیث داشتن ویژگی‌هایی از جمله تحریک توجه یادگیرنده به وسیله مطرح کردن مسئله‌ای در جهان واقعی و بهره‌گیری از تعاملات اجتماعی در حل آن، سازنده‌گرا است. (فردانش و نوری، ۱۳۸۹: ۱۲۱-۱۰۱).

● **یادگیری موقعیتی:** علوم یادگیری نشان داده که مؤثرترین یادگیری زمانی رخ

با کاوش در پرسش آغازین، دانش‌آموزان باید دائماً آنچه را می‌آموزند، در حل مسئله به کار گیرند و بدین صورت به طور فعالانه در یادگیری درگیر می‌شوند

می‌دهد که در بافت دنیای واقعی باشد. از مزایای این نوع یادگیری، پی‌بردن دانش‌آموز به ارزش و اهمیت موضوع فعالیت‌هاست. پرسش‌های مطرح شده در یادگیری پروژه محور همگی برخاسته از مسائل موجود در جهان واقعی هستند.

● **تعامل اجتماعی:** یکی از یافته‌های استوار علوم یادگیری، نقش تعامل اجتماعی در یادگیری است. بهترین یادگیری زمانی رخ می‌دهد که دانش‌آموز، معلم و افراد جامعه، هم‌راستا با هم، برای ایجاد فهم مشترک بکوشند و مباحثه کنند.

● **ابزار شناختی:** رسم نمودار مثالی از ابزار شناختی است که به یادگیرنده کمک می‌کند الگوی داده‌ها را ببیند. بسیاری از نرم‌افزارها نیز همین‌طورند. تکنولوژی‌های آموزشی از این راه‌ها می‌توانند دانش‌آموزان را حمایت کنند:

۱. دسترسی و جمع‌آوری اطلاعات علمی
۲. تصویرسازی و تحلیل داده‌ها
۳. امکان به اشتراک‌گذاری اطلاعات
۴. ساخت و آزمون مدل‌ها
۵. ساخت مستندهای چندرسانه‌ای برای روشن کردن فهم
۶. فراهم کردن فرصت برای تعامل، به اشتراک‌گذاری و نقد ایده‌های دیگران

ویژگی‌های یادگیری مبتنی بر پروژه (سایر، ۲۰۱۵).

کراجسیک و شین شش ویژگی (مرحله) کلیدی محیط‌های یادگیری مبتنی بر پروژه را این‌گونه بیان می‌کنند:

۱. با یک پرسش پیش‌برنده^۵ آغاز می‌شوند که مسئله‌ای برای حل کردن است. پرسش پیش‌برنده یا محرک همان چیزی است که فرایند پژوهش و یادگیری را آغاز می‌کند.
۲. بر اهداف یادگیری تمرکز می‌کنند.

انتخاب این اهداف سه مرحله کلیدی دارد: انتخاب ایده‌های مرکزی^۶، بسط این ایده‌ها، و گسترش عملیات یادگیری که خود شامل ترکیب دانش و عمل می‌شود.

۳. با کاوش در پرسش آغازین، دانش‌آموزان باید دائماً آنچه را می‌آموزند، در حل مسئله به کار گیرند و بدین صورت به طور فعالانه در یادگیری درگیر می‌شوند.

۴. در این فاز از پروژه، میان دانش‌آموز، معلم و جامعه همکاری وجود دارد و آن‌ها می‌توانند فعالیت‌های مشترک انجام دهند. در عمل کلاس درس به جامعه‌ای از یادگیرنده‌ها تبدیل می‌شود. در اینجا دانش‌آموز مهارت‌هایی از جمله احترام به نظر دیگران، گوش دادن صحیح، مقایسه نظر خود با دیگران و رعایت نوبت را می‌آموزد.

۵. دانش‌آموزان با تکنولوژی‌های یادگیری به صورت داریستی حمایت می‌شوند تا بتوانند در فعالیت‌هایی شرکت کنند که در حالت عادی فراتر از توانایی‌هایشان هستند. با استفاده از ابزارهای تکنولوژی که با اهداف آموزشی همسو هستند و مسائل را به صورتی تعاملی و پویا آموزش می‌دهند، می‌توان دانش‌آموزان

را به صورت داریستی حمایت کرد، به نحوی که آموزش از مدل سنتی انتقال - دریافت خود فاصله بگیرد و فرد پیشرفت را به طور محسوس لمس کند. این ابزارها می‌توانند تلفن همراه و تبلت باشند.

۶. با خلق محصولی ملموس که برگرفته از پرسش اولیه است، دانش‌آموز دانش خود را بازسازی می‌کند. همچنین، با دیدن محصولی که ساخته دست خودش است، انگیزه‌اش برای آن مبحث افزایش می‌یابد. همچنین، از آنجا که یادگیری در مسیری خطی صورت نمی‌گیرد، ارزیابی نیز در حول بخش‌های کوچک شکل می‌گیرد.

نقش معلم در یادگیری پروژه محور

معلم پروژه‌محور به عنوان فردی که نقش تسهیل‌گر را ایفا می‌کند، چند ویژگی دارد که اولین آن‌ها مدیر زمان بودن است، بدین معنی که معلم بعد از زمانی پروژه‌ها را، با توجه به ابعاد دیگر، از جمله هماهنگی با دیگر معلمان و وظایف دانش‌آموزان، مدیریت می‌کند. ویژگی دوم معلم، نیروی محرکه اولیه بودن برای ایجاد تفکر در دانش‌آموزان، قبل از شروع پروژه، است. در ویژگی سوم، وظیفه از معلم به دانش‌آموزان انتقال می‌یابد. بدین



نمونه‌ای از واقعیت افزوده در آموزش آناتومی

یادگیری بر پایه پروژه



گزارشی از عملکرد Napa New Technology High School

شکل که معلم با ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، به آن‌ها فرهنگ خودمدیریتی را القا می‌کند. اما بر اساس ویژگی چهارم، معلم از صحنه خارج نمی‌شود و گروه‌ها را مدیریت و بر عملکرد آن‌ها نظارت می‌کند. در موارد بعدی، به ترتیب معلم با اعضای خارج از کلاس، از جمله دیگر معلمان یا والدین در تماس است، بر استفاده بهینه از ابزارهای تکنولوژیک نظارت دارد و در نهایت دانش‌آموزان را ارزیابی و پروژه‌ها را بررسی می‌کند. این مورد آخر در بندی جداگانه بحث می‌شود (Mergendoller and Thomas, 2005).

شبهات‌ها و تفاوت‌های یادگیری پروژه‌محور و یادگیری مسئله‌محور

یادگیری پروژه‌محور تا حد زیادی به یادگیری مسئله‌محور شباهت دارد. هر دو بر محور یک مسئله مطرح شده پیش می‌روند، در هر دو فرایندهای نسبتاً طولانی طی می‌شوند، تعاملات اجتماعی ضروری هستند و در هر دو انعطاف وجود دارد. ولی در یادگیری پروژه‌محور تأکید بیشتری بر تولید محصول نهایی و کاربرد دانش و یادگیری خود راهبر تأکید بیشتری می‌شود. برنامه‌هایی متشکل از این دو رویکرد نیز تهیه شده‌اند که عنوان یادگیری پروژه/مسئله محور را دارند (فردانش و نوری، ۱۳۸۹: ۱۰۱-۱۲۱)

نمونه‌هایی از یادگیری پروژه‌محور

PBL امروزه در بسیاری از مدارس کشورها به کار گرفته می‌شود. «بنیاد بیل و ملیندا گیتس» با سرمایه‌گذاری خود در این بخش، مجموعه‌ای از مدارس پروژه‌محور کلنگر را در آمریکا تأسیس کرده است، از جمله:

- مدارس Big Picture
- مدارس EdVisions
- مدارس Envision
- شبکه New Tech

مثال دیگری که به طور ۱۰۰ درصد و کامل و مبتنی بر پروژه فعالیت می‌کند، دبیرستان‌های Manor New Technology هستند که دانش‌آموزان در آن‌ها به طور

اثرگذاری مفید این حیطة را نشان می‌دهد. نتایج تحقیقات دو دهه گذشته روش‌های بهتر طراحی محیط‌های پروژه‌محور را نشان داده‌اند، اما هنوز چالش‌های زیادی در این راه وجود دارند. طرح پرسش پیش‌برنده که باید گزینشی و با توجه به موقعیت مکانی و جنس مخاطبان انتخاب شود تا اهداف آموزش را میسر گرداند، با استفاده از تکنولوژی در بافت آموزش و نیز اهمیت کمک به معلمان در طرح‌ریزی برنامه درسی مناسب، همه از عمده مسائلی هستند که باید در تحقیقات این حوزه مد نظر قرار گیرند و این جز با توجه بیشتر به نقش «عمل» و تأثیر آن بر یادگیری و شناخت حاصل نمی‌شود.

متوسط ۶۰ پروژه در موضوعات متفاوت تهیه می‌کنند. آمار فارغ‌التحصیلی (۹۵ درصد) و قبولی در کالج در این مدرسه نیز بسیار بالاست (۸۰ درصد ثبت‌نام در برنامه‌های ثانویه). اتحادیه اروپا هم در برنامه «یادگیری مادام‌العمر»^۸ که در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۳ به اجرا درآمد، کمک هزینه‌هایی را برای یادگیری مبتنی بر پروژه اختصاص داد که ماحصل آن پروژه‌هایی برای آموزش با استفاده از هنر و آموزش زبان با موسیقی و غیره بود (Wikipedia, Napalearns).

سنجش در یادگیری پروژه‌محور

سنجش و ارزشیابی در PBL، بر خلاف روش‌های آموزشی دیگر، سعی در تأکید بر جنبه‌های متنوع آموزش دارد. برای مثال، کوکوتساکي و همکاران، به نقل از مرگندولسر و توماس بیان می‌کنند، در این‌گونه ارزشیابی، نمره‌دهی هم به گروه‌های دانش‌آموزی تعلق می‌گیرد و هم به تک‌تک افراد، ولی بر عملکرد فرد تأکید می‌شود. گزارش‌گیری از پروژه‌ها، با نشان دادن راهبردهای بازتابی و جمع‌آوری اطلاعات ارزشیابی تکوینی از دانش‌آموزان درباره پروژه‌هایشان و راه‌های بهبود آن‌ها، از دیگر فعالیت‌های معلمان برای سنجش در PBL است (Kokotsaki et al, 2016: 267-266).

نتیجه‌گیری

استقبال روزافزون از یادگیری پروژه‌محور در آموزش درس‌ها، تأثیر علوم یادگیری را در ارائه روش‌های نوین و انقلابی آموزش و

* پی‌نوشت‌ها

1. Project-Based Learning (PBL)
2. situated learning
3. John Dewey
4. Vygotsky
5. driving question
6. Core ideas
7. Bill and Melinda Gates Foundation
8. Lifelong Learning Programme 2007-2013

* منابع

1. R. Keith Sawyer, (2015) The Cambridge Handbook of the Learning Sciences, Chapter 14 - Project-Based Learning pp. 275-297, Cambridge, Cambridge University Press
۲. فردانش، هاشم، نوری، علی (۱۳۸۹). طراحی آموزشی، بر اساس مدل یادگیری مبتنی بر پروژه: رویکردی ساخت‌گرا به طراحی آموزشی. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱(۴۰).
۳. سیف، علی‌اکبر (۱۳۹۴). روان‌شناسی پرورشی نوین روان‌شناسی یادگیری و آموزش. نشر دوران. تهران.
4. Kokotsaki, J., Menzies, V., Wiggins, A., (2016). Project-based learning: A review of the literature. Improving Schools, November 2016 (19).
5. <http://www.napalearns.org/programs/project-based-learning/>
6. https://en.wikipedia.org/wiki/Project-based_learning

گزارشی از نمایشگاه دائمی آثار هنرجویان هنرستان قدس منطقه ۶ تهران

اثر وسعت دیدار تقویت احساس

اشاره

هنرجویان یک میز و نیمکت تک نفره در اختیار دارند و هنرآموز در جایگاه ویژه خود مستقر است. کلاس‌ها در ساختمان اصلی و کارگاه‌ها در نقاط گوناگون استقرار دارند. هنرستان آن‌قدر وسعت دارد که سر و صدای هیچ کارگاهی به کلاس‌ها نرسد. در بخش انتهایی مجموعه، انبوهی از نیمکت‌ها، صندلی‌ها، آهن‌آلات قراضه و برخی وسایل دیگر روی هم انباشته شده است. این میز و نیمکت‌ها با آنچه هنرجویان در کلاس‌ها از آن استفاده می‌کنند، بسیار تفاوت دارد. این دوگانگی، آن‌هم در هنرستانی که می‌توان زیر سایه درختان بلند آن قدم زد و روی نیمکت‌های حاشیه آن نشست و گپ زد، خود یک معماست.

هنرآموز می‌گوید، صنایع چوب و مبلمان، و پدر دانش‌آموز جواب می‌دهد منظورتان همان نجاری است؟ مدیر هنرستان از ساخت و تولید می‌گوید، مادر یکی از بچه‌ها لبخند می‌زند که منظورش سرهم کردن چند وسیله است. آن یکی نگران دانشگاه بچه‌هاست. این یکی دغدغه شغلی فرزند را دارد. روی تابلو می‌خواند رشته معماری، زیر لب زمزمه می‌کند، آخرش آجر بالا انداختن است. راز این معماها و پرسش‌ها با گوشودن قفل یک نمایشگاه آشکار می‌شود. همراه ما به هنرستان قدس منطقه ۶ تهران، واقع در میدان آرژانتین، ابتدای بزرگراه آفریقا، بیا بید.

اینجا یکی از هنرستان‌های قدیمی تهران است. اندکی دیگر مهر ۵۰ سالگی را روی کارنامه فعالیت‌هایش ثبت می‌کند. ابتدا اولویت را به یافتن پاسخ دغدغه‌های والدین می‌دهم تا اینکه معمای میز و نیمکت‌ها را حل کنم.

مه‌دی آذری آرانی با ۳۰ سال

تجربه از هنرآموزی هنرستان تا

تدریس در دانشگاه و مدیریت

چند مجموعه آموزشی و

هنرستان، پاسخگویی خلاقانه

را به جای جواب دادن پشت

میز کار ترجیح می‌دهد. همراه

با مدیر هنرستان قدس سراغ



کارگاه‌های صنایع چوب و مبلمان، ساخت و تولید،

مکانیک خودرو، معماری، الکتروتکنیک، معماری

داخلی، ساختمان و نمایشگاه دائمی هنرجویان می‌رویم.

می‌پرسم: دغدغه‌های والدین و دانش‌آموزان ایستاده

بر آستانه ورودی هنرستان چیست؟

می‌گوید: همه ناشی از ناآشنایی است. پدری که صنایع

چوب، مبلمان و دکوراسیون را با نجاری ساده اشتباه می‌گیرد.

در بازدیدهایی که ما برایشان می‌گذاریم، نظرش تغییر

می‌کند. هنگامی که اطلاع پیدا می‌کنند بچه‌ها در برخی

رشته‌ها مثل صنایع چوب شانس ورود به دانشگاه را حتی تا

دوره دکترا دارند، دیگر به هنرستان کوتاه نظری ندارند. مادری

که متوجه می‌شود هنر جوی ما بعد از چند ماه تحصیل، حالا

برای خودش در زیرزمین منزل کارگاه زده و محصولی تولید

می‌کند، دیگر هنرستان را کمتر از دبیرستان نمی‌بیند. وقتی

والدین آگاه می‌شوند که بسیاری از بچه‌های هنرستانی،

بعد از گرفتن دیپلم در رشته‌های خودشان مشغول به کار

شده و درآمد دارند و آنان که دوست داشته باشند ادامه

تحصیل می‌دهند، دیگر دغدغه فردای فرزندان را ندارند.

یکی از راه‌های این آشنایی، همین نمایشگاه دائمی تولیدات

و آثار هنرجویان رشته‌های گوناگون در مجموعه ماست.

نمایشگاه براساس اسمی که دارد، گاه تنها محل

عرضه مجموعه‌ای وسایل، ابزار، دست‌ساخته‌ها و تولیدات

است. اما اگر مجموعه هوشمند عمل کند، این فضا خود

نوعی تکنولوژی آموزشی است. کامران، امیرمحمود،

محمدحسین، روح‌الله و مهیار هر کدام هنرجوی یک

رشته در این هنرستان هستند، اما نقطه اشتراک آن‌ها در

این است که هر کدام در این نمایشگاه دستاوردی دارد:

«روز اول به صنایع چوب علاقه نداشتم، اما حالا

فهمیدم چقدر متنوع، پردرآمد و شغل خوبی برای آینده

است. هنرآموز سر کلاس درس می‌داد، من درست

نمی‌فهمیدم. اما روز بعد در کارگاه به صورت عملی کار

کردیم و ساختیم. حالا کارم در نمایشگاه الگویی برای



بسیاری از محصولات امروز طرح اولیه نداشته است. ذهن خلاق کار را به اینجا رسانده است



مهندس خشنود: دانش آموز زمانی کار با قطب‌نما را یاد می‌گیرد که خودش در ابتدا قطب‌نمایی ساده بر اساس اصول اولیه فیزیک ساخته باشد



دیگر هنرجویان و حتی دانش‌آموزان سایر مدارس است. ما اینجا کار عملی انجام می‌دهیم. فرصت خلاقیت و تمرین و تکرار داریم. امروز ماکت می‌سازیم و فردا شانس ورود به عرصه تولید را پیدا می‌کنیم.»

سیدعباس شفیعی، معاون

فنی هنرستان، می‌گوید: «در بدو ورود به هنرستان هیچ شناختی ندارند. ما سال‌های قبل هم نمایشگاه داشتیم، اما آثار را در مدارس دیگر به نمایش می‌گذاشتیم و تعدادی از آثار به هنرستان خودمان



بر نمی‌گشت. حالا خودمان نمایشگاه ثابت و دائمی داریم. اینجا بچه‌ها فرصت تمرین، تکرار و تجربه دارند. آنچه را در کتاب می‌خوانند، روز بعد در کارگاه به صورت عملی انجام می‌دهند.»

مصطفی رحیمی جعفری، معاون دیگر هنرستان و مسئول انفورماتیک هم معتقد است: «سیستم آموزشی در سال‌های گذشته ابتدا یکطرفه بود. بعد از مدتی دوسویه شد. کم‌کم مطالب و مباحث را تصویری آموزش دادند. حالا این تکنولوژی آموزشی گام‌های بیشتری برداشته است. بازدیدهای علمی و برپایی نمایشگاه و انجام کارهای عملی، خود از عوامل مهم و مؤثر در یادگیری هستند. اگر شاگرد می‌گوید که دیروز در کلاس تئوری، مطلب را درست نفهمیدم و تازه امروز در کارگاه متوجه درس شدم، من می‌گویم او فردا که دوباره در کلاس حاضر شد، مفاهیم را بهتر می‌فهمد. زیرا اکنون تئوری دیروز و میحث عملی امروز را تلفیق کرده است و کلام و آموزش هنرآموز خود را به درستی دریافت می‌کند.

شکوفایی ذهن و خلاقیت

رامین خشنود که با مهندسی عمران نزدیک به سه دهه سابقه تدریس و آموزش دارد، از نمایشگاه هنرستان به عنوان یک تکنولوژی مفید در مسیر یاددهی - یادگیری نام می‌برد و معتقد است دانش‌آموزان و هنرآموزان در فضای رقابتی بهتر



یاد می‌گیرند و آموخته‌های خود را به اشتراک می‌گذارند. ساخت انواع ماکت، رسم نقشه، مولاژ و ساخت قطعات، نوعی تکنولوژی آموزشی سخت‌افزاری است. با این تفاوت که معلم در روش‌های دیگر از میکروسکوپ و ذره‌بین و

مهندس آذری: معلم پیش از آموزش باید شاگرد خود را جذب کند. جاذبه که ایجاد شد، شاگرد تمام و کمال همراهی می‌کند

سایر وسایل برای تدریس و تفهیم بهتر کمک می‌گیرد، اما در این‌جا هنرجویان با راهنمایی و هدایت هنرآموز، تلاش می‌کنند آموخته‌های خود را در قالب وسیله بسازند و ارائه کنند.

■ **هنرجو صاحب تجربه نیست. پس ممکن است اشتباه بسازد یا در استفاده از ابزارها دچار خطا بشود. آن وقت...؟**

● **مهم شکوفایی ذهنی و خلاقیت اوست.** اگر خطا کرد و قطعات کوچک یا بزرگ درآمدند، هنرآموز از او می‌خواهد با آنچه در دسترس دارد، طرحی تازه ارائه کند. بسیاری از محصولات و ساخته‌های امروز در بازار طرح اولیه نداشته‌اند. ذهن خلاق کار را به اینجا رسانده است. هنرجویان ما از این طریق بهتر یاد می‌گیرند. حتی کارهای خودشان را با دیگران مقایسه می‌کنند و با دیگر دانش‌آموزانی که از سایر مدارس برای بازدید می‌آیند، به بحث و گفت‌وگو می‌نشینند.

در فاصله گزارش ما از هنرستان، تعدادی از هنرجویان در حیاط مشغول فعالیت و تعدادی هم در حال محاسبه و اندازه‌گیری با دوربین‌های نقشه‌برداری‌اند. چند نفر روی زمین نشسته‌اند و با ماشین حساب، خودکار، کاغذ و گچ حساب و کتاب می‌کنند. شکلی را با گچ روی آسفالت مدرسه کشیده‌اند و در حال بررسی هستند. مهندس خشنود، هنرآموز گروه راه و ساختمان، در حال گرفتن امتحان است.



ما عادت داریم که امتحان پشت میز و نیمکت باشد و بچه‌ها روی تخته سیاه بنویسند. اما خشنود این روش از تکنولوژی آموزشی را برای آزمون گرفتن ترجیح داده است. جالب اینکه بچه‌ها به صورت گروهی کار می‌کنند. هر کسی هر کجا دوست دارد، نشسته است و به پرسش‌های هنرآموز جواب می‌دهد.

می‌پرسم: از چه روش‌هایی برای تدریس جذاب‌تر و ماندگارتر در ذهن مخاطبان استفاده می‌کنید؟
جواب می‌دهد: «مطالب فنی زمانی در ذهن ماندگار می‌شوند که در رابطه با آن کار فنی هم انجام شده باشد. هنرجو زمانی کار با قطب‌نما را یاد می‌گیرد که خودش ابتدا یک قطب‌نمای ساده را براساس اصول اولیه فیزیک ساخته باشد و بتواند با استفاده از نور خورشید و جهت‌یابی مفهوم را درک کند.»

می‌پرسم: «برپایی چنین نمایشگاه‌هایی تا چه اندازه روی دیدگاه‌های هنرجویان شما نسبت به رشته‌ای که در آن تحصیل می‌کنند اثرگذار است؟»

می‌گوید: «نمایشگاه به آنان وسعت دید می‌دهد و احساس توانایی را تقویت می‌کند. بسیاری از این بچه‌ها وارد عرصه کار شده و افراد موفق هم هستند. تعدادی به دانشگاه راه یافته‌اند و به عنوان استادان فنی به مجموعه‌های دیگر می‌روند و تدریس می‌کنند. ما در این هنرستان تلاش می‌کنیم به روز باشیم. از انواع تکنولوژی‌های سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و ایده‌های خوب بهره می‌بریم. پاورپوینت، فیلم آموزشی، متدهای آموزشی و نرم‌افزارهای مرتبط را در اختیار داریم و بچه‌ها از آن‌ها در مسیر آموزش استفاده می‌کنند. امروز در این هنرستان فردی تدریس می‌کند که روزگاری هنرجوی همین جا بوده است.»

مهندس زارعی که پیش از این در همین مجموعه تحصیل کرده و اینک خود هنرآموز هنرستان قدس است، در ادامه می‌گوید: «حوزه آموزش من در اینجا ساختمان و معماری است. من در کنار کار خودم برای آموزش به بچه‌ها از فیلم و عکس خیلی استفاده می‌کنم. گاهی هنرجویان را بر سر پروژه‌های در حال اجرا می‌بریم تا مباحث درسی را از نزدیک ببینند و تجربه کنند. برخی از شاگردانم امروز دکترا دارند و در حوزه تخصصی خودشان فعالیت می‌کنند.»

جاذبه؛ راز موفقیت آموزشی

همان‌طور که به اتفاق مدیر هنرستان در حیاط مجموعه قدم می‌زنیم و گفت‌وگو می‌کنیم، مهندس آذری اشاره‌ای به نیمکت‌های زیر سایه درختان می‌کند و می‌گوید: «تمام این نیمکت‌ها ساخته خود



مهندس شفیعی:
ما اینجا
هنرجوی بی کار
نداریم. بچه‌ها یا
جذب دانشگاه
و یا جذب بازار کار
می‌شوند

ببینند، بپرسند و تجربه کنند. حدود ۹۰٪ بچه‌ها جذب دانشگاه می‌شوند. ما در اینجا هنرجوی بی‌کار نداریم، مگر آن‌که خودش قدمی برندارد. احترام متقابل یکی از دلایل موفقیت کار ما در مجموعه است.

اعتماد به هنرجو و احترام به نسل جوان

یکی از نکته‌های جالب در کار این هنرستان توجه به کار و فعالیت گروهی است. از سوی دیگر، آثار هنرجویان رشته‌های گوناگون را می‌توان در جای جای این مجموعه دید. نقشه‌ها و ماکت‌ها را می‌توان با امضای خود بچه‌ها روی دیوارها نظاره کرد. مدیر هنرستان معتقد است باید به این نسل احترام گذاشت و به او اعتماد کرد تا از تجربه ما استفاده کند.

در طول مدت حضور ما در هنرستان دو بار زنگ تفریح به صدا درآمد. زنگ تفریح، بر خلاف روال معمول مدرسه‌ها و آن زنگ‌های گوش خراش، یک موسیقی صوتی مناسب بود که بچه‌ها را متوجه ساعت استراحت می‌کرد. کنار معاون مدرسه نشسته بودم که یکی از هنرجویان آمد و از او خواست اگر امکان دارد موسیقی دیگری پخش کند. او نیز با اشاره چشم جواب مثبت داد. این جلوه‌ای از احترام متقابل بود.

روی میز معاون مدرسه، ماکتی از یک گیربکس جلب توجه می‌کند. این وسیله به اندازه تاریخ هنرستان قدمت دارد. لحظه خروج از هنرستان با سابقه و قدیمی قدس منطقه ۶ تهران، به یاد جمله‌ای می‌افتم که یکی از هنرجویان بر زبان آورد؛ عبارتی که شاید نوعی تکنولوژی آموزشی به حساب آید.

او گفت: «هر بار که از یک کارگاه، نمایشگاه یا کارخانه مرتبط با درس و کلاس خودمان بازدید می‌کنیم، آنچه را یاد می‌گیریم، تا آخر عمر فراموش نمی‌کنیم. انگار با فولاد در ذهن ما ریخته‌گری می‌کنند. من اعتمادبه‌نفس خودم را از این نمایشگاه دارم.»
آری باید اعتماد کرد به آنان که به فرزندان این مرز و بوم احترام می‌گذارند و توانایی‌شان را باور دارند.

بچه‌ها هستند. ما اینجا از حداقل‌ها حداکثر استفاده را می‌کنیم. به اعتقاد من، هر معلم پیش از آموزش ابتدا باید دانش‌آموزش را جذب کند. جاذبه که ایجاد شد، شاگرد تمام و کمال همراهی می‌کند. یک روز هنرجو می‌گوید من در منزل یکی از بستگان میز قشنگی دیدم که از آن خوشم آمد. هنرآموز با تجربه از این جمله استفاده می‌کند و می‌پرسد: اگر موقعیتش را برایت فراهم کنم، می‌توانی یک نمونه از آن را بسازی؟ باید به شاگرد فرصت داد تا ذهن او فعال شود. خلاقیت با کار زیاد و مستمر شکوفا می‌شود.

در فاصله این گپ و گفت به میز و نیمکت‌های مخروبه انتهای مدرسه می‌رسیم. او سؤال را در چشمان من می‌خواند. بلافاصله می‌گوید: «سال قبل ۱۲۰۰ میز و نیمکت بلااستفاده و مخروبه از مدارس منطقه ۶ جمع کردیم. بچه‌ها در تابستان شروع به تجهیز و نوسازی این وسایل کردند. هر کسی در رشته کار خودش مشغول شد. هم یک فرصت برای تجربه اندوختن بود و هم درآمد اندکی برای آنان. از دور ریز کنار تخته میزها هم جای دستمال کاغذی و زیرپایی برای کارکنان مدارس ساختیم. گاهی حتی دور ریز برخی کارخانه‌ها را به اینجا می‌آوریم و بچه‌ها با فکر و خلاقیت خود از آن‌ها وسایلی می‌سازند و ارائه می‌کنند. اینکه از یک ورق بزرگ نئوپان نیمکت بسازند، کاری عادی است. اما اگر بتوانند از دور ریزها اثری خلق کنند، خلاقیت است.»

■ **از تجربه‌هایتان در مسیر تشویق و ترغیب بچه‌ها برای توجه به درس و تحصیل برایمان بگوئید.**

● یک بار در مدرسه اعلام کردیم بچه‌هایی که از فلان سطح نمره و آزمون بالاتر هستند، در روز تعطیل خاصی، با هر لباس و امکاناتی که دوست دارند، به هنرستان بیایند. مسابقات متعددی راه انداختیم. غذای ظهر هم تدارک دیدیم. سهم جوجه هر کسی را تحویل دادیم تا خودش همراه با دوستانش در محیط مدرسه شروع به پخت غذا کند. خیلی استقبال شد. بچه‌های دیگر مدرسه وقتی از ماجرا اطلاع پیدا کردند، کوشیدند سطح درسی خود را ارتقا دهند تا بتوانند در اردوهای بعدی شرکت کنند.»

مهندس شفیعی معاون هنرستان ادامه می‌دهد: «جلوه دیگری از تکنولوژی آموزشی بازدید از کارخانه‌ها و فضاهای مرتبط با رشته‌های تحصیلی بچه‌هاست. بچه‌های رشته ساختمان و معماری را به محل ساخت پروژه‌های ساختمان می‌بریم تا

شیوه‌های مدیریت کلاس درس

و هدایت دانش‌آموزان برای کسب مهارت در کنترل شیوه‌های یادگیری خود و اتکا بر کنترل‌های درونی تأکید می‌شود. در گذشته، به معلم به عنوان مدیر و کارگردان نگاه می‌شد. در فرایند کنونی مدیریت کلاس، بر مبنای روش یادگیرنده محور، معلم بیشتر راهنما، هماهنگ کننده و تسهیل کننده است (کافمن و همکاران، ۲۰۰۲). پیروی از الگوی مدیریت کلاسی جدید به معنای آسان‌گیری و ایجاد فرصت‌های بی‌بندوباری در کلاس درس نیست، تأکید بر مهربانی و خودتنظیمی دانش‌آموز در فرایند کار یادگیری به این معنی نیست که معلم از مسئولیت آنچه دانش‌آموزان در کلاس انجام می‌دهند، شانه خالی کند (بیابانگرد، ۱۳۸۸).

رهبری به جای مدیریت

مدیریت کلاس درس، در دیدگاه‌های جدید، نوعی رهبری آموزشی تلقی می‌شود و شامل اقداماتی است که مدرس برای ایجاد نظم، انگیزه، درگیر کردن فراگیرندگان و جلب مشارکت فعال آن‌ها در فرایند یادگیری انجام می‌دهد. به عبارت بهتر، رهبری کردن امور کلاس از طریق تنظیم برنامه کلاسی، سامان‌دهی مراحل کار، نظارت بر پیشرفت فراگیرندگان و پیش‌بینی حل مسائل است. در واقع، مدیریت کلاس ایجاد زمینه مناسب برای تدریس و یادگیری بهتر است (رضایی، ۱۳۹۴، ش ۱۵: ۲۷).

انضباط و مدیریت کلاس درس

مشکل بی‌نظمی در کلاس درس هم موجب افت تحصیلی در فراگیرندگان می‌شود و هم بر جو عمومی آموزش و یادگیری کلاس تأثیر منفی می‌گذارد. برخی معتقدند، فراگیرندگان در محیط‌هایی آموزشی که نظم و انضباط بهتری دارند، عملکرد تحصیلی بالاتری نشان می‌دهند. کلاس درس یک سازمان اجتماعی است و وجود نظم در اثربخشی و کارایی تدریس مدرس بسیار مؤثر است. مدرس می‌تواند مدیریت کلاس درس را دارد، محیط یادگیری مناسبی را برای شاگردان به وجود می‌آورد. امروزه، روان‌شناسان تربیتی معتقدند، مدیریت مؤثر کلاس درس می‌تواند فرصت‌های یادگیری فراگیرندگان را افزایش دهد (پیشین).

برخی معتقدند، نظم و انضباط شامل هر نوع سازمان‌دهی در محیط کلاس و مدرسه، به نحوی است که سبب افزایش یادگیری شود. آن‌ها در واقع بر این باورند که خودکنترلی فراگیرندگان در موقعیت‌های گوناگون عامل مؤثر برقراری نظم و انضباط است. برخی

اشاره

شیوه مدیریت کلاس یکی از راهکارهای اثرگذار بر یادگیری دانش‌آموزان است. مدیریت مؤثر کلاس درس می‌تواند فرصت‌های یادگیری را به حداکثر برساند. در گذشته، در اداره کلاس بر کنترل هر چه بیشتر رفتار دانش‌آموز تأکید می‌شد، اما رویکردهای جدید به نیازهای دانش‌آموزان و ایجاد روابط و فرصت‌های خودتنظیمی توجه بیشتری دارند. در واقع، مدیریت کلاس درس در گذشته معلم محور بود و هم‌اکنون یادگیرنده محور است. البته تبعیت از الگوی جدید مدیریت کلاس درس به مفهوم آسان‌گیری و گشودن فضای بی‌بند و باری در کلاس نیست، بلکه روشی است که در آن به دانش‌آموزان کمک می‌کنند در کنترل رفتارهای خود، بدون وجود فشارهای بیرونی، مهارت پیدا کنند. در این مقاله، ضمن بحثی کوتاه در معرفی رویکردهای نوین در مدیریت کلاس درس، برخی از روش‌های اثربخش در این زمینه معرفی می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت کلاس، خودتنظیمی، نظم و انضباط

مقدمه

امروزه نحوه تفکر در مورد شیوه‌های بهتر اداره کلاس تغییر پیدا کرده است. در دیدگاه‌های قدیمی‌تر، بر ایجاد و کاربرد قوانین مربوط به کنترل رفتار دانش‌آموزان تأکید می‌شد، اما در دیدگاه‌های جدیدتر، بیشتر بر نیازهای دانش‌آموزان به ایجاد روابط تعاملی سازنده و فرصت‌هایی برای خودتنظیمی رفتار یادگیری تأکید می‌شود. مدیریت کلاسی که با وضع قوانین دشوار، دانش‌آموزان را به منفعل بودن و اطاعت وامی‌دارد، ممکن است درجه مشارکت دانش‌آموزان در یادگیری فعال و تفکر سطح بالا را کاهش دهد. در رویکرد جدید، مدیریت کلاسی، بیشتر بر راهنمایی

با جمله‌های رشد آشنا شوید

جمله‌های دانش آموزی
به صورت ماهنامه و ده شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود.

رشد کودک
برای دانش آموزان پیش دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان
برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش آموز
برای دانش آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

جمله‌های دانش آموزی
به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود.

رشد نوجوان
برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان
برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان
برای دانش آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجموعه‌های نزرگسال عمومی
به صورت ماهنامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود.

رشد آموزش ابتدایی
رشد تکنولوژی آموزشی

رشد مدرسه فردا • رشد معلم

مجموعه‌های نزرگسال تخصصی:

به صورت فصلنامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود.

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر • رشد آموزش ششم، هفتم، هشتم، نهم و دهم
- رشد آموزش علوم اجتماعی • رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی • رشد آموزش ریاضی • رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی • رشد آموزش مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنون حرفه‌ای و کار دانش • رشد آموزش پیش دبستانی

مجموعه‌های رشد عمومی و تخصصی برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و ... تهیه و منتشر می‌شود.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر، شمالی، ساختمان شماره ۴

آموزش و پرورش، پلاک ۳۶۶

• تلفن و فاکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۸۸۱

• وبگاه: www.rushdmag.ir



پیروی از الگوی مدیریت کلاسی جدید به معنای آسان‌گیری و ایجاد فرصت‌های بی‌بندوباری در کلاس درس نیست

نحوی باشد تا فراگیرندگان فعالانه در جریان یادگیری دخالت کنند و با موضوع یادگیری مورد نظر درگیر شوند، بدون آن‌که مقررات انضباطی معین شده نادیده گرفته شود.

ب) توسل به روش‌های بهینه برقراری نظم و انضباط: عده‌ای از معلمان معتقدند به منظور فراهم ساختن محیطی مناسب برای یادگیری، باید به اعمال روش‌های انضباطی متوسل شد. در این فرایند نیز عده‌ای به اعمال فشار و سخت‌گیری معتقدند و هر نوع حرکت فراگیرنده را تحت کنترل خویش درمی‌آورند. اما عده‌ای دیگر برای رسیدن به هدف مزبور، به روش ایجاد انگیزه در فراگیرندگان تأکید می‌ورزند و می‌گویند ماحصل این روش داشتن فراگیرندگان خویشتن‌دار خواهد بود.

نیز آن را در فنون و روش‌هایی خلاصه می‌کنند که از بروز رفتارهای ناشایست جلوگیری می‌کنند. **فیندلی** و **اوریلی**^۲ (۱۹۷۱) در چگونگی درک معلمان از مفهوم نظم و انضباط در کلاس به سه شیوه اشاره کرده‌اند:

الف) اعمال درجه‌ای از کنترل یا میزانی از تبعیت: اغلب معلمان معتقدند برای فراهم کردن یادگیری، برقراری نوعی کنترل و تبعیت افراد از دستورها امری اجتناب‌ناپذیر است. اما در میزان کنترل یا تبعیت میان آن‌ها اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای معتقدند، کنترل به حدی باید باشد که سکوت کامل در کلاس‌های درس برقرار شود و فراگیرندگان ساکت بنشینند و حالتی آمرانه بر آن‌ها حکم‌فرما باشد. از سوی دیگر، تعدادی از معلمان بر این باورند که میزان تبعیت باید به

مدیریت کلاس ایجاد زمینه مناسب برای تدریس و یادگیری بهتر است

پ) ایجاد نظم از راه‌های تنبیهی: بالاخره، عده‌ای از معلمان بر آن اند که بدون توسل به تنبیه، رسیدن به نظم و انضباط کاری بس مشکل است. اما با وجود این اتفاق نظر در مورد لزوم تنبیه، در به‌کارگیری انواع تنبیه و رعایت موازین مشخص اختلاف نظر وجود دارد. برای مثال، عده‌ای به تنبیه گذرا و سطحی نظیر نگاه مستقیم معلم به فراگیرنده در حال بی‌نظمی، و برخی دیگر از آنان به تنبیه شدیدتر از جمله اخراج فراگیرنده خاطی از کلاس درس، تا اخراج او از مدرسه، تأکید می‌ورزند.

آزوبل (۱۹۶۱) در این باره می‌گوید، نظم و انضباط عبارت است از «اعمال استانداردها یا هنجارهای بیرونی بر رفتار فرد». او به آن نوع هنجارهایی توجه می‌کند که بتوانند در اجتماعی بارآوردن، رشد شخصیت متعادل، درونی کردن اصول و قواعد اخلاقی و تأمین امنیت عاطفی فراگیرنده مؤثر واقع شوند. این نظر بر آن است که فراگیرنده با یادگیری اصول و قواعد و استانداردهای توافق شده، اعمال خویش را با جامعه سازگار می‌کند، به خود متکی می‌شود و می‌تواند به سوی کنترل درونی سوق یابد. در این جلسات برقراری انضباط مفهومی گسترده پیدامی‌کند و مفهوم مدیریت کلاس درس به منصفه ظهور می‌رسد. رهبری یا مدیریت در کلاس درس در دیدگاه امروزی ایجاب می‌کند معلم با اعمال حداقلی کنترل بیرونی، فراگیرندگان را به سوی رسیدن به اهداف تعلیم و تربیت هدایت کند. به این ترتیب که باید در رفتارهای آنان محدودیت‌هایی ایجاد شود. هر قدر این محدودیت‌ها در راستای اصول قواعد با نگرش و احترام متقابل باشد و کنترل درونی جایگزین کنترل بیرونی شود، به نظم و انضباط یا مدیریت مطلوب‌تری دست یافته‌ایم (فتحی آذر، ۸۲).

خلاصه و نتیجه‌گیری

کلاس درس مرکز تعامل فراگیرنده با فراگیرنده، و معلم با دانش آموز است. برقراری کنش و واکنش پویا، به مدیریت مناسب نیاز دارد. مدیریت مناسب می‌تواند جریان تعاملی را مثبت سازد و در نتیجه یادگیری مؤثر و معنی‌دار را امکان‌پذیر کند.

در دیدگاه‌های قدیمی‌تر، بر ایجاد و کاربرد قوانین مربوط به کنترل رفتار دانش‌آموزان تأکید می‌شد، اما در دیدگاه‌های جدیدتر بیشتر بر نیازهای دانش‌آموزان به ایجاد روابط و فرصت‌هایی برای خودتنظیمی در رفتار تأکید می‌شود.

اگرچه مدیریت در کلاس به شکل‌های گوناگون تعریف شده است، اما باید گفت، در همه آن‌ها بر نوعی اعمال هنجارها و قواعد و اصول بر رفتار و عملکرد فراگیرندگان تأکید شده است. پس منظور از مدیریت در کلاس این نیست که هر کس هر چه بخواهد می‌تواند انجام بدهد، بلکه باید به حقوق دیگران و به قوانین احترام گذاشته شود. مدیریت مؤثر کلاس دو هدف عمده دارد:

۱. کمک به دانش‌آموزان برای صرف وقت بیشتر به منظور یادگیری و حذف زمان فعالیت‌های بی‌هدف؛
۲. پیشگیری از ایجاد مشکلات تحصیلی و عاطفی برای دانش‌آموزان.

* بی‌نوشت‌ها

1. self - regulation
2. findley and oreilly

* منابع

۱. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۸). روان‌شناسی آموزش و یادگیری. نشر ویرایش تهران.
۲. رضایی، حبیب‌الله و حقایی، فریبا (۱۳۹۴). مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی.
۳. فتحی آذر، اسکندر (۱۳۸۲). روش‌ها و فنون تدریس. دانشگاه تبریز. تبریز.



اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال

روش‌های کار

نحوه اشتراک:

پس از واريز مبلغ اشتراك به شماره حساب ۳۹۶۶۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سمره آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه فیش مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۰۲۳۳۳ و ۸۸۴۹۹ نقلاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

عنوان مجلات درخواستی:

- نام و نام خانوادگی:
- تاریخ تولد:
- تلفن:
- نشانی کامل پستی:
- استان:
- شهرستان:
- خیابان:
- پلاک:
- شماره پستی:
- شماره فیش بانکی:
- مبلغ پرداختی:
- آکر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

- نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۳۳۱-۱۵۸۷۵
- تلفن: بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
- Email: Eshtarak@roshdmag.ir

- هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هفت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال
- هزینه اشتراک یک ساله مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۴۰۰/۰۰۰ ریال



دولت ایران
وزارت امور اقتصادی و دارایی
سازمان اقتصاد و امور مالیاتی



پاسخ‌های تصویر

تفسیر

دوره سی و دوم
اسفند ۱۳۹۵
شماره پی در پی ۲۶۲

خدیجه انصاری

آموزگار دبستان آیت‌الله... طالقانی - تهران منطقه ۱۴

کتاب باغ و بوستان اندیشمندان است.

«علی(ع)»

فرود توأم با آرامش و سلامت در بستر زندگانی، مستلزم داشتن آگاهی است و کتاب و کتابخوانی چتر نجات از زندان جهل و نادانی است. در پرتو علم و دانش است که انسان می‌تواند به قله‌های موفقیت و سربلندی دست یابد. استحکام پایه‌های هر جامعه در گرو تقویت شعور فرهنگی فرد فرد انسان‌هایی است که در آن جامعه می‌زیند. پس لازم است که برای سرعت بخشیدن به موفقیت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه، فرهنگ خود را با خواندن کتاب‌های سودمند تقویت نماییم.

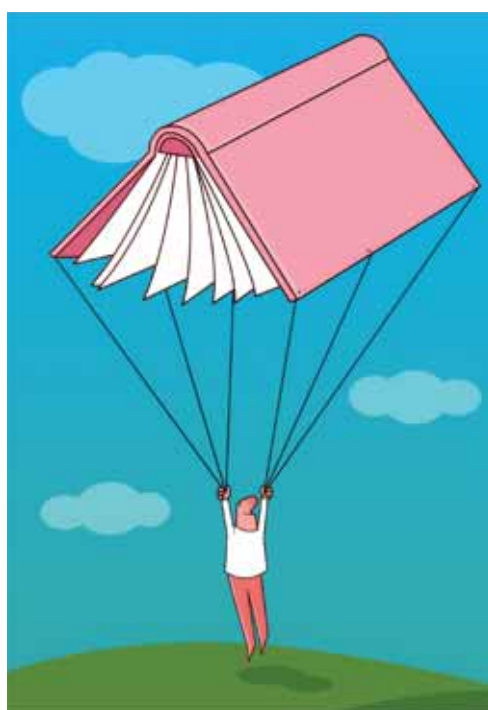
مهرنوش لطفعلی

معاون آموزشی دبستان آیت‌الله... طالقانی منطقه ۱۴ تهران

کتاب، چتر نجاتی است که اقیانوس بیکران زمان را در می‌نوردد. و ما را به جزیره آرامش و دانایی می‌رساند. با کتاب می‌شود سفر کرد. با تو می‌شود مهمان دقایق روشن و تاریک تاریخ شد.

با کتاب می‌شود در شهر ذهن ارسطو و افلاطون، جای گرفت، می‌شود کنار شب زنده‌داری‌های بوعلی نشست و به نغمه‌های غیبی لسان‌الغیب، دل داد.

می‌شود پا به پای ناصر خسرو، از این دیار به آن دیار گذر کرد. می‌شود با سهراب، به گلستانه رفت و از بوی علف، مست شد. می‌شود به سرزمین‌های دور، هجرت کرد. می‌شود کنار سجاده مرطوب سید ساجدین، به لهجه ملکوتی فرشتگان عادت کرد. می‌شود کنار خندق،



نظاره‌گر نبرد مقام حق در برابر باطل شد.

می‌شود زیر آفتاب سوزان شعب، کنار رسول صبور نشست و دانه دانه‌های تحمل را در سبوی تکامل ریخت. می‌شود چهل منزل، با دست خالی جنگید؛ پس حالا که می‌شود با تو، به همه‌جا سر زد، باید چشم‌ها را باز کرد و انتخاب کرد. با تو می‌توان به بهترین مکان‌ها سفر کرد.

خوانندگان ارجمند
برای اطلاع از نتیجه
ارزشیابی مقاله‌های
خود می‌توانند با دفتر
مجله به شماره تلفن
۰۲۱-۸۸۸۴۹۰۹۸
تماس حاصل فرمایند.

فرخ فیضی (کرمانشاه) - فاطمه وحدانی (مازندران - تنکابن)
عمر خضرزاده (بوکان) - سعیده محمدی (زنجان)
نادر جعفرزاده (ارومیه) - محمد هاشمی (اراک)
علی پورعلیرضا توتکله (گیلان) - سعید چگنی (لرستان)

نامه‌های رسیده

شماره	ماه	یادداشت سردبیر	تکنولوژی آموزشی، پداگوژی و...	کاربرد تکنولوژی آموزشی	طراحی و تولید
۱	مهر	■ سخنی با معلمان ارجمند	■ معرفی سرفصل ■ یادگیری همیارانه مبتنی بر پشتیبانی رایانه‌ای ■ فناوری آموزشی و چالش‌های فرا روی آن	■ معرفی سرفصل ■ گزارش مجمع رسانه‌های جدید ■ یادگیری به کمک تبلت	■ معرفی سرفصل ■ نگاهی به طراحی آموزشی ■ وب ۲ ■ چگونه یک موتور حرارتی بسازیم
۲	آبان	■ بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری در آموزش چرا و چگونه؟	■ تحلیل گفتمان همیارانه ■ پیامدهای آموزشی، روان‌شناختی، جسمی و اجتماعی کاربری موبایل ■ استانداردهای سواد فناوری معلمان	■ اثربخشی تکنولوژی آموزشی در ایجاد شوق یادگیری ■ مدرسه هوشمند و توسعه یادگیری خودراهبر ■ فناوری ارتباطات و اطلاعات و یادگیری	■ طراحی آموزشی با رویکرد ساختن‌گرایی ■ ژنراتور چیست و چگونه کار می‌کند؟
۳	آذر	■ تقویت تدریس و یادگیری با فناوری آموزشی	■ نقش تکنولوژی در آموزش و کلاس درس ■ فناوری‌های نوین آموزشی و فرصت‌های یادگیری ■ سواد رسانه‌ای و توسعه تفکر ■ مشارکت دانش‌آموزان	■ نگاهی به نقش تکنولوژی آموزشی در پرورش ذهن کنجکاو و فعال ■ ضرورت گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس	■ روش‌های نوین تدریس ■ بازی شناخت خواص آهن‌ربا ■ درس پژوهی ■ دندان‌پزشکان کوچک
۴	دی	■ پیوند ارزیابی روشنگرانه	■ تکنولوژی برای ایجاد تغییرات بنیادین ■ نقش فرهنگ جامعه در هوشمندسازی مدارس ■ اهمیت و ضرورت سواد رسانه‌ای	■ دوازده راهکار برای ورود تکنولوژی به کلاس درس	■ نگاهی به روش همیاری در یادگیری و نقش معلم ■ آبرگمکن آفتابی بسازید ■ بالندگی معلم و دانش‌آموز در اجرای برنامه درسی
۵	بهمن	■ از فناوری در آموزش تا فناوری برای آموزش	■ پرورش دانش‌آموزانی خلاق ■ تبیین تمایز موفقیت و دستاورد	■ تأثیر بازی‌های رایانه‌ای بر رفتار دانش‌آموزان ■ کاربرد تلفن همراه در آموزش و یادگیری	■ برنامه‌های مکمل و تکالیف خلاقانه ■ بالندگی معلم و دانش‌آموز در اجرای برنامه درسی ■ القای الکترومغناطیس
۶	اسفند	■ گذار از کتابخانه‌های سنتی مدارس به مراکز یادگیری	■ آموزش مبتنی بر دستاورد حرف اول دنیای امروز ■ فناوری اطلاعات نیاز آموزش نوین ■ نگاهی به اصول و روش‌های یادگیری پروژه‌محور	■ طراحی آموزشی ترکیبی و کاربرد آن در کلاس درس ■ یادگیری همیارانه رایانه‌محور ■ استفاده از فناوری در کلاس درس	■ تهیه و تولید برنامه‌های شبیه‌ساز ■ فشارسنج دوطرفه
۷	فروردین	■ گوناگونی استفاده از سودمندی فناوری در آموزش	■ این پرسش چراغ دانایی را روشن می‌کند ■ اثر انگیزش بر پایداری یادگیری	■ آیا تکنولوژی آموزش را بهبود می‌بخشد؟ ■ رهبری فناورانه و مدیریت مدرسه	■ قطب‌نمای ساده بسازید ■ روش مفید برای به‌خاطر سپاری مطالب ■ نقشه ذهنی روشی قدرتمند در سازمان‌دهی مطالب
۸	اردیبهشت	■ ارزش و اهمیت کار معلم	■ تناوری و تأثیر آن در یادگیری ■ نگرش‌های علوم یادگیری در کاربرد سنجش برنامه‌های آموزشی	■ تکنولوژی ابزار حمایت از آموزش ■ کاربرد شیوه آموزش و یادگیری ایستگاهی	■ آشنایی با الگوی تدریس ساختن‌گرایی ■ تلمبه‌های فشاری ■ طراحی آموزشی برای بازی‌ها و شبیه‌سازی‌ها

مدت تکنولوژی آموزشی در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵

پژوهش و نوآوری	تکنولوژی و مدیریت یادگیری	خبر و اطلاع رسانی	آموزه‌های تربیتی و فرهنگی	ما و خوانندگان
<ul style="list-style-type: none"> معرفی سرفصل کاربرد نقشه مفهومی به عنوان یک راهبرد آموزشی 	<ul style="list-style-type: none"> معرفی سرفصل تجربه یک معلم از مدیریت یادگیری چه انتظاری داریم 	<ul style="list-style-type: none"> معرفی کتاب تکنولوژی آموزشی محیط فراگیری را جذاب می‌کند تکنولوژی آموزشی تسهیل کننده آموزش و یادگیری 	<ul style="list-style-type: none"> جامعه خود را دریابید 	<ul style="list-style-type: none"> مستمع صاحب سخن را... پاسخ تصویر و تفسیر نامه‌های رسیده
<ul style="list-style-type: none"> شیوه‌های انگیزش شروع درس کلاس معکوس معلمان بهره‌گیری از فناوری را در کلاس دوست دارند ایجاد محیط غنی هیجانی در کلاس درس 	<ul style="list-style-type: none"> مدیریت یادگیری و تکنولوژی تفکر 	<ul style="list-style-type: none"> فیلم آموزشی، فرصت‌های متنوع یادگیری ایجاد می‌کند معلمی هنرمند که از دل بازی آموزش استخراج می‌کند معرفی کتاب 	<ul style="list-style-type: none"> ای پیامبر 	<ul style="list-style-type: none"> پاسخ تصویر و تفسیر نامه‌های رسیده
<ul style="list-style-type: none"> کاربرد نظریه‌های یادگیری در کلاس درس تبریزگردی در کلاس 	<ul style="list-style-type: none"> شناخت ماهیت و تنوع هیجان‌های دانش‌آموزان مشارکت دانش‌آموزان در امور مدرسه نقش معلم و دانش‌آموز در مدیریت یادگیری 	<ul style="list-style-type: none"> مطالعه ۱۲ کتاب برای پاسخ به یک سؤال دانش‌آموز از تپله‌های رنگی تا تدریس روی خط معرفی کتاب 	<ul style="list-style-type: none"> نکوکاری 	<ul style="list-style-type: none"> پاسخ تصویر و تفسیر نامه‌های رسیده
<ul style="list-style-type: none"> نحوه ایجاد شوق یادگیری در دانش‌آموزان نوآوری در استفاده از رنگ‌ها در کلاس درس 	<ul style="list-style-type: none"> هیجان و یادگیری ارتباط مؤثر و ارزیابی کلاس درس 	<ul style="list-style-type: none"> اهمیت نگاه هوشمندانه به اهداف و تولیدات جشنواره رشد معرفی کتاب ایجاد و گسترش مراکز یادگیری چرا و چگونه؟ فرایندسازی، راز موفقیت تکنولوژی آموزشی است 	<ul style="list-style-type: none"> پیوند آرمان‌های جامعه و مدرسه 	<ul style="list-style-type: none"> پاسخ تصویر و تفسیر نامه‌های رسیده
<ul style="list-style-type: none"> پرورش قدرت تحلیل دانش‌آموزان راه‌های کاهش ریاضی هراسی دانش‌آموزان 	<ul style="list-style-type: none"> هیجان‌ها و یادگیری 	<ul style="list-style-type: none"> معرفی کتاب مصاحبه با پونیا میسرا مصاحبه با اشرف کریمی 	<ul style="list-style-type: none"> راه خود، مسیر خدا 	<ul style="list-style-type: none"> آیا می‌دانید که... پاسخ تصویر و تفسیر نامه‌های رسیده
<ul style="list-style-type: none"> شیوه‌های انگیزش دانش‌آموزان پیش از شروع درس تدریس معکوس را بهتر بشناسیم 	<ul style="list-style-type: none"> مدیریت یادگیری در کلاس‌های چندپایه عناصر مؤثر مدیریت کلاس درس 	<ul style="list-style-type: none"> معرفی کتاب گفت‌وگو با مهدی جلیلی کاغذ و تا معرفی کتاب 	<ul style="list-style-type: none"> کلید دانایی پرسش است 	<ul style="list-style-type: none"> پاسخ تصویر و تفسیر نامه‌های رسیده
<ul style="list-style-type: none"> تأثیر راهبردهای نشانه‌گذاری و یادداشت‌برداری بر یادگیری دانش‌آموزان اصلاح برنامه درسی در چین 	<ul style="list-style-type: none"> گاهی نگاه از کلام مؤثرتر است مدیریت چندپایه عامل کیفیت‌بخشی یادگیری 	<ul style="list-style-type: none"> نقش کیت‌های الکترونیکی در آموزش معرفی کتاب تدریس پویا و شکوفایی خلاقیت در کلاس 	<ul style="list-style-type: none"> معلم‌های بال‌گستر 	<ul style="list-style-type: none"> پاسخ تصویر و تفسیر نامه‌های رسیده
<ul style="list-style-type: none"> این تدبیرها به مدرسه شما شادی می‌آورد 	<ul style="list-style-type: none"> مدیریت دانش دانش‌آموزان بهترین مربی معلمان هستند 	<ul style="list-style-type: none"> پیپیت را می‌برم اما یک روز برمی‌گردانم معرفی کتاب بازی مؤثرترین ابزار یادگیری بچه‌ها یغماگر عادل دل‌های مشتاق دانایی 	<ul style="list-style-type: none"> مسیر دانایی 	<ul style="list-style-type: none"> پاسخ تصویر و تفسیر نامه‌های رسیده

مهر ۹۹۶۶ مناسبت های تاریخی

۱ مهر / بازگشایی مدارس

نخستین روز درس، اولین روز مهرورزی است. روز شکفتن احساس و روز آشنایی با کتاب، معلم، درس و دنیایی که آفتاب دانایی دوباره طلوع می کند. مهر از جنس پاییز است اما عطر بهاران دارد. طبیعت به ذات خود می گوید، فصل خشکیدن، زرد شدن و ریختن؛ اما در محضر معلم آغاز رویدن کتاب بر ساقه دستان است.

قال علی علیه السلام: كَلِّ وَعَاءً يَصْبِقُ بِمَا جَعَلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ فَإِنَّهُ يَنْسِخُ بِهِ؛
فضای هر ظرفی در اثر محتوای خود تنگ تر می شود مگر ظرف دانش که با تحصیل علوم، فضای آن بازتر می گردد.
(ترجمه و شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۱۱۷۹، حکمت ۱۹۶)

۸ و ۹ مهر / تاسوعا و عاشورای حسینی

کیست که کوفه را به نامردی نشناسد؛ وقتی که تنها مردان ایستاده کوفه، نخل های آن است؛ کوفه جای مطمئنی نیست؛ مگر علی را جان به لب نکرد؟ مردان شهر، بامدادان با تو هستند و شامگاهان، بر تو. آن هنگام که مسلم را غریبانه از دارالاماره بالا می بردند، او می دانست حسین(ع) - سرور آزادگان - فردا که به کربلا رسید، تنها ترین است. این را دردانه نازنین سیدالشهدا(ع) نیز می دانست: می دانم بایا دو بخش است، بخشی در صحرا و بخشی بالای نیزه؛

اما این که عمو چند بخش است... فقط بایا می داند...
آری
آزادگی رها شدن از قید و بند نیست، آزاده آن کسی، که گرفتار زینب است

۱۱ مهر / شهادت حضرت امام سجاد(ع)

ابو حمزه ثمالی گوید: علی بن الحسین(ع) را در نماز دیدم که عبا از یک دوش او افتاد اما به افتادن آن توجهی نکرد تا اینکه از نماز فارغ گردید. از او سؤال کردم چرا عبا را بر دوش خود نینداختید. حضرت فرمود: آیا می دانی در برابر چه کسی قرار گرفته ام. آن مقدار نماز بنده مورد قبول است که در آن حضور قلب دارد.

بحار الانوار، ج ۲۴

امام سجاد علیه السلام:
قُلْتُ لَعَلِّي بِنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْنِي بِجَمِيعِ شَرَائِعِ الدِّينِ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُ الْحَقِّ وَالْحَكْمِ بِالْعَدْلِ وَالْوَفَاءَ بِالْعَهْدِ؛

به امام سجاد علیه السلام عرض کردم: مرا از تمام دستوره های دین آگاه کنید امام علیه السلام فرمودند: حق گوئی، قضاوت عادلانه و وفای به عهد.

خصال، ص ۳۱۱، ح ۹۰

۲۲ مهر / روز جهانی استاندارد

استاندارد عبارت است از نظامی مبتنی بر نتایج ثابت علوم، فنون و تجارب بشری که به صورت قواعد، مقررات و نظام هایی که به منظور ایجاد هماهنگی و وحدت رویه، افزایش میزان تفاهم، تسهیل ارتباطات، توسعه صنعت، صرفه جویی در اقتصاد ملی، حفظ سلامت و ایمنی عمومی، گسترش مبادلات بازرگانی داخلی، خارجی و... به کار می رود.

اندیشه تشکیل سازمان بین المللی استاندارد در چهاردهم اکتبر سال ۱۹۴۷ در نشست رؤسای مؤسسه های استاندارد بیست و پنج کشور در لندن شکل گرفت. مقر این سازمان در ژنو می باشد. از سال ۱۹۷۰، چهاردهم اکتبر برابر با ۲۲ مهر به نام روز جهانی استاندارد تعیین و نامگذاری شد.

۳۱ شهریور / هفته دفاع مقدس

لذت بخش بود که یک پسر زیبا به دنیا بیاوری.
خیلی با افتخار بود که در کودکی همه جا از ادب او و در بزرگسالی از مرام و معرفتش با مردم سخن بگویی.
اوج عشق بود وقتی در جوانی پیش روی مادر قدم می زد.
زیبا، خوش قد و قامت و بسیار دلنشین.
و اما چند ده سال بعد... درست بعد از سه دهه انتظار استخوان های این پسر خوش قد و قامت را تحویل گرفت.
آن قدر عনা کجا و این کفن کوچک کجا.
همه آن قامت کوتاه شده را به سوی آسمان بلند کرد و گفت:
اللهم تقبل منا هذا القلیل ..

امام خمینی(ره): شما پیروزید برای این که شهادت را در آغوش می گیرید.



۳۱ شهریور / آغاز ماه محرم

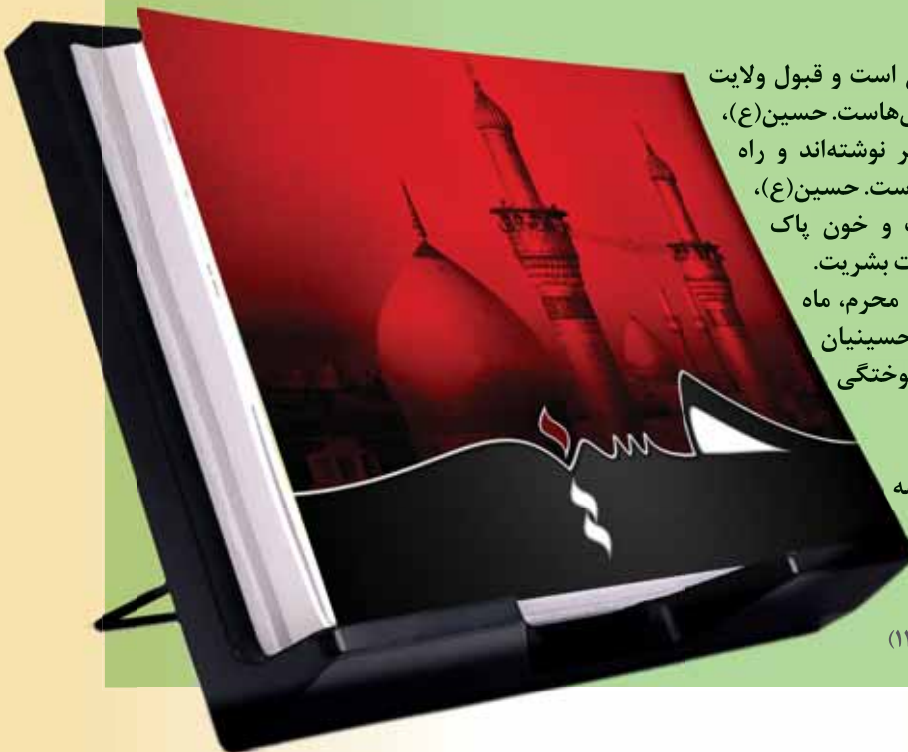
حسین(ع)، میزان سنجش صداقت آدمی است و قبول ولایت حسین(ع)، برات آزادی انسان از جهنم پلیدی هاست. حسین(ع)، زیباترین نامی است که در شناسنامه بشر نوشته اند و راه حسین(ع)، کوتاه ترین راه رسیدن به بهشت است. حسین(ع)، آرزوی جویندگان و آبروی یابندگان است و خون پاک حسین(ع) و یارانش، قبله‌نمای کمال و سعادت بشریت. و محرم، ماه تجدید حیات بشریت است. محرم، ماه محرم شدن در پیشگاه خدا و محرم شدن، با حسینیان است. این ماه، ماه آمیختگی با حسین(ع) و آموختگی از حسین(ع) است.

امام حسین علیه السلام:

مِنْ دَلَائِلِ الْعَالَمِ اِنْتِقَادَهُ لِحَدِيثِهِ وَ عِلْمِهِ بِحَقَائِقِ فُنُونِ النَّظَرِ؛

از نشانه‌های عالم، نقد سخن و اندیشه خود و آگاهی از نظرات مختلف است.

(بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۹)



تصویر و تفسیر



خواننده ارجمند
پیامی را که از این تصویر دریافت می کنید برای درج در مجله بفرستید.